

مجموعه مستندات درباره

# تخریب حسینه شریعت

حسینه درویشان گنابادی در قم

در ۲۴ بهمن ۱۳۸۴

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیت الله سید روح الله موسوی خمینی:

«بالاترین قذارات معنوی که تطهیر آن را با هفت دریا نتوان نمود و انبیاء عظام علیهم السلام را عاجز نمود، قذارت جهل مرکب است که منشاء داء عضال انکار مقامات اهل الله و ارباب معرفت است و مبدأ سوء ظن به اصحاب قلوب است. و تا انسان به لوث این قذارت آلوده است، قدمی به سوی معارف نخواهد برداشت؛ بلکه بسا باشد که این کدورت نور فطرت را، که چراغ راه هدایت است، خاموش کند و آتش عشق را که براق عروج به مقامات است فرو نشاند و منتفی کند و انسان را در ارض طبیعت مغلّد نماید.»

آداب الصلوة صفحة ۵۸،

مؤسسة تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲.

صفحه	فهرست مستندات ارائه شده
۳	۱: خلاصه موارد مهم
۷	۲: وقفنامه حسینه و رای غیر قطعی دادگاه عمومی استان و لایحه فرجام خواهی برای نقض رای صادره
۱۷	۳: گزارش کار به جامانده از هیئت فاطمیون در حسینه شریعت قم
۲۰	۴: آراء مکارم شیرازی و نوری همدانی در ترغیب وقوع فاجعه حسینه شریعت قم
۲۵	۵: مروری بر اخبار گذشته در ارتباط با حسینه شریعت از سال ۸۱ تاکنون مشتمل بر دستور صریح نوری همدانی در برخورد با درویش
۴۳	۶: اقدام شورای تامین استان برای حمله به حسینه شریعت بر مبنای تصمیم اتخاذ شده قبلی
۴۴	۷: آخرین جلسه درویش با استانداری قم پیش از حمله گروه فشار به حسینه
۴۶	۸: شرح وقایع ۲۳ و ۲۴ بهمن در برابر حسینه قم
۴۹	۹: عکسهای اجتماع درویش همراه با گل و تصاویر امام خمینی و مقام معظم رهبری و شهدا
۶۰	۱۰: توزیع تیراز زیادی تراکتهای تحریک آمیز در رد صوفیه قبل از حمله به حسینه
۶۵	۱۱: سخنرانیهای محرک شهشانی، فولادی و صدور دستور آزادی عمل لباس شخصیها در حمله به درویش از سوی سرهنگ سجادی.
۷۰	۱۲: تصاویری از حملات انجام شده به حسینه شریعت.
۷۳	۱۳: وضعیت درویش بازداشت شده
۷۸	۱۴: مستندات نمونه‌هایی از جراحات ناشی از اصابت گلوله به درویش.
۸۲	۱۵: نتیجه گیری محرکین فاجعه قم در راهپیمائی بصیرت.
پیوست	۱۶: مستندات صوتی - تصویری شامل:
پیوست	الف: CD عکس: اجتماع آرام درویش
پیوست	آتش سوزی داخل حسینه
پیوست	تصاویر دال بر وقوع تیراندازی و صحنه‌های خیابان
پیوست	ب: CD فیلم: سخنرانی شهشانی
پیوست	سخنرانی فولادی و سجادی و شروع حمله به حسینه
پیوست	اجتماع درویش جنب حسینه قبل از حمله لباس شخصیها
پیوست	تحرك مأموران و هماهنگی آنان با لباس شخصیها
پیوست	وقایع روز قبل و روز درگیری در داخل حسینه
۸۷	ضمیمه: مروری بر حقانیت نصوف از نگاه علمای اعلام کثرالله امثالهم
۱۰۱	ضمیمه: دستور دادستان کل کشور مبنی بر حفظ حقوق سلسله نعمت الهی سلطانعلیشاهی گنابادی

۱- متأسفانه فتاوا و سخنرانیها و دستورات افرادی در کسوت روحانیت در رابطه با دراویش، حکایت از حسن نیت ایشان ندارد و بیشتر تحریک کننده است و برخلاف قرآن کریم و دستورات و سیره رسول اکرم ص و ائمه هدی علیهم السلام است. مستندات پیوست است. دستور روشن برخی از مراجع مبنی بر مقابله با دراویش گنابادی در قم خلاف قانون بوده و موجبات اخلال در نظم عمومی و تشویش اذهان عمومی را فراهم آورده است. مستندات به پیوست می باشد. روزنامه و سایت خبری جوان در ۱۱ آبان ۱۳۸۴ می نویسد: «آیت الله نوری همدانی نسبت به تبلیغ علنی دراویش گنابادی در شهر قم به شدت انتقاد کرده و از دستگاههای امنیتی خواسته اند نسبت به فعالیت این گروه منحرف برخورد های مناسب را داشته باشند.»

آدرس خبر در اینترنت <http://www.javannewspaper.com/1384/840811/internal.htm>

۲- تجاوز به حریم دراویش این سلسله و به خاک و خون کشیدن ایشان و تخریب حسینیه آنها طی یک برنامه سازمان یافته و از قبل طراحی شده صورت گرفته است که مقامات مسؤول استان از آن مطلع بوده اند و این اقدامات در جلسات شورای تأمین استان بررسی و تصویب شده بود. مستند در پیوست است. بر اساس قوانین کشوری مقامات سیاسی استان بدون مجوز قضائی منتج از رأی دادگاه حق نداشتند لاک و مهر حسینیه را که توسط مقام قضائی انجام شده بود فک کنند. این عملیات به دستور معاون امنیتی اطلاعات قم به نام شجری صورت گرفته است. مدارک به جا مانده از گروه فاطمیون در حسینیه پس از اینکه غاصبین این گروه در ۵ بهمن حسینیه را ترک می کنند دلالت بر دخالت مستقیم اداره اطلاعات قم و سپاه قم و نیروی انتظامی در این غائله دارد. یکی از این مدارک سرپرستی مهدی سلحشور را در این جریان تصریح کرده و همچنین نامبرده در روز حمله به حسینیه به دفعات اقدام به ایراد سخنرانی و تحریک نیروی مقاومت بسیج برای حمله به حسینیه نمود که خود تأییدی بر این ادعا می باشد. مستندات به پیوست است. در نامه فوق به وضوح تصریح شده که یک گروه ۲۷ نفره در ساختمان عملیات از ساعت ۱۸/۳۰ تا ۲۰ روز ۸۴/۱۰/۲۷ در رابطه با تحویل حسینیه شریعت به سرپرست هیئت فاطمیون، مهدی سلحشور اقدام و توجیهات لازم را اعمال نموده اند. همچنین در نامه فوق به صراحت تأکید شده که نیروی انتظامی و سپاه آقای بهرامی را در تاریخ ۸۴/۱۰/۲۸ ساعت ۷/۳۰ در ۲۰ متری شهید رجائی به داخل خودرو برده و به سپاه منتقل کرده اند، و سپس در ساعت ۹/۳۰ تعدادی دیگر از دراویش را دستگیر و به محل فوق انتقال می دهند. به موجب قانون سپاه در درون کشور حق دستگیری و بازداشت ندارد و این عمل به مثابه آدم ربایی است و عاملین آن بر اساس ماده ۵۷۲ قانون مجازات اسلامی مستوجب ۲ ماه تا ۲ سال حبس است و در این مورد خاص چون بدون حکم قضائی صورت گرفته بر اساس ماده ۵۸۳ همین قانون به یک تا سه سال حبس و جزای نقدی از ۶ تا ۱۸ میلیون ریال محکوم خواهند شد. مستند به پیوست است. در گزارش کاری بجامانده در حسینیه سرکشی و به عبارت دیگر دخالت کامل سرهنگ سجادی و مرادی تبار و محسن شاهدی دقیقاً تصریح شده و دلالت بر فرماندهی کل عملیات فک پلمب و غصب حسینیه توسط مقامات انتظامی، سپاه و اطلاعات قم دارد. مستند به پیوست می باشد. حمله به حسینیه شریعت در حیطه اختیارات و تصمیم گیری شورای تأمین استان قرار نداشته زیرا مسئله حسینیه یک مسئله حقوقی بوده و نه امنیتی

و در بدترین حالت یک نزاع حقوقی بین آقای شریعت و اداره اوقاف میبوده لذا شورای تأمین استان نمی‌بایست موضوع را تبدیل به یک موضوع امنیتی بنماید.

۳- سخنرانی‌های محرک شهشهرانی و مجید فولادی و سرهنگ سجادی فرمانده کلانتری ۱۱ شهدا که نفر اخیرالذکر دستور حمله را به گروه فشار صادر می‌کند مبین عدم بیطرفی نیروی انتظامی به عنوان ارگانی که وظیفه دارد از حقوق تمام گروهها بطور مساوی حمایت کند می‌باشد. وی در آخرین جمله سخنرانی خود به درویش متحصن می‌گوید: "برای آخرین بار به شما اخطار می‌شود که سوار اتوبوسها شوید در غیر اینصورت تکلیف شما با بچه‌های حزب الله است". بعد از این جمله بود که گروه فشار به درویشی که در پیاده رو نشسته بودند حمله می‌کند. مستندات صوتی تصویری و مکتوب در ضمیمه است.

۴- پلاکاردها و تراکتهای توزیع شده همه محرک بوده و برای تحریک آنها از قبل تنظیم، چاپ و تکثیر شده است. مستندات در پیوست است. شعارهای داده شده بر علیه درویش موهن، زننده و تحریک آمیز بوده و برخی از آنها از قرار زیر است: "صوفیه نابود باید گردد"، "اسلام اسرائیلی نابود باید گردد"، "اسلام صهیونیستی نابود باید گردد"، "شریعت بی حیا شهر قم رها کن"، "صوفی باید کشته شود"، "به گفته مراجع فتنه انگلیسی تعطیل باید گردد"، "مسجد ضرار تخریب باید گردد"، "به فتوای مراجع این مسجد ضرار است تخریب باید گردد". سخنرانیهای ارائه شده نیز توسط فردی به نام شهشهرانی حامل رکابیک بود: "شریعت میدانی خواهرت چرا مُرد از بس قرص آمریکائی خورد کلیه‌اش از کار افتاد". و یا دیگری: "ای مردم این صوفیها وقتی درویش میشوند زنتان را شب اول به شیخشان میدهند" و "این صوفیها میگویند تا آدم با مادرش زنا نکند زیبایی عالم را درک نمی‌کند"، "ای مردم این صوفیها هرشب زنتان را با هم عوض می‌کنند" و ... تبلیغات بعد از واقعه و راهپیمائی بصیرت در قم و شعارها و پلاکاردهای حمل و نصب شده، سازمان یافته بودن عملیات گروه فشار را نشان می‌دهد. ضمائم در پیوست است.

۵- اجتماع آرام و خاموش درویش با در دست داشتن عکس شهدای خود در جنگ و حضرات امام راحل و رهبری و در دست گرفتن شاخه‌های گل سفید و توزیع شیرینی دلالت بر اعلام ایرانی، مسلمانی و خواستار صلح و دوستی با تمام ملت و دولت ایران بوده است. در عوض مهاجمین با سردادن شعار "عکس شهید عکس امام قرآن روی نیزه‌هاست" اقدام به حمله به درویش نمودند. این شعار به منزله این بود که درویش را خوار خوانده و حمله به آنها را واجب دانستند. عکسها در پیوست. درویش متحصن به هیچوجه قصد حمله نداشتند زیرا به دلیل تحصن طولانی کفشهای خود را نیز در آورده بودند. و اگر قصد حمله میداشتند باید آلات حمله از قبل تهیه می‌کردند. در صورتی که پس از حمله گروه فشار اقدام به پوشیدن کفش خود کردند و شروع به محافظت و دفاع نمودند. درویش گمان نمی‌کردند که در پاسخ به رفتار صلح آمیز آنها مورد حمله واقع شوند. زیرا پیرزنان و پیرمردان و کودکان خردسال و حتی شیرخوار خود را نیز با خود آورده بودند. اگر زد و خورد را پیش بینی کرده بودند افراد و البسه و وسائل شخصی خود را به تناسب زد و خورد مهیا می‌کردند. تنها وسیله دفاع درویش درب قابلمه‌های غذاپزی حسینی و سنگهایی بود که از پشت بامهای مرتفع تر از حسینی بر سر آنان می‌ریختند. برعکس گروه فشار از قبل تمام تجهیزات لازم را تهیه و همراه آورده بود که شامل انواع و اقسام وسائل رزمی نظیر پنجه بوکس، گوی فلزی متصل به زنجیر، خنجر و سایر سلاحهای سرد و نیمه گرم نظیر

تفنگ وینچستر ۵/۵، پمپهای سمپاش برای پاشیدن بنزین، کوکتل مولوتف ... می شده است. گروه فشار در روزهای قبل با صاحبان ساختمانهای دور حسینیه هماهنگی کامل نموده و بر سر بام آنها به میزان بسیار زیادی آجر و سنگ منتقل و آماده نموده بود. حمله اولیه توسط گروه فشار و با پرتاب سنگ از پشت بام کتابخانه آیت الله مرعشی بر نیروی انتظامی آغاز شد که صورت سردار صالحی در این حمله آسیب دید. فیلمهای ضمیمه این موضوع را اثبات می نماید.

۶- روز ۲۳ بهمن تعدادی از درویش به استانداری مراجعه و در جلسه ای ۴ ساعته از حاجیزاده معاون سیاسی استانداری قم درخواست می نمایند که یا موضوع تا رأی قطعی دادگاه مسکوت گذاشته شود و یا شورای تأمین استان تشکیل و به موضوع رسیدگی نماید و یا پنج روز مهلت بدهند تا حسینیه را تخلیه نمایند و یا در جلسه ای با روسای اوقاف و دادگستری به حل و فصل اختلاف پرداخته شود. حاجی زاده گفت کشور مشکل حساس ندارد و راهپیمایی ۲۲ بهمن ثابت کرد که پایه های نظام محکم است و غرب غلطی نمیتوانند بکنند و نیروی انتظامی موظف است که حکم مقامات استان را براساس دستورالعملی که به او داده شده اجرا کند ولو اینکه ۱۰۰۰ نفر کشته شوند. شرح گفتگوی جلسه در پیوست است.

۷- عباس محتاج استاندار قم در شرح این موضوع به رسانه ها درویش گنابادی را علی اللهی خواند. اگر این افراد به قول محتاج علی اللهی هستند پس چرا موقوفه آنها به نام مبارک حضرت حسین (ع) یعنی حسینیه نامگذاری شده! به کسی که تا این حد نسبت به رشته های عرفانی و سلاسل درویش بیگانه است چگونه مدیریت یک استان مذهبی تفویض شده است! عباس محتاج یکی از جرائم درویش را ازدحام و سد معبر ناشی از ازدحام در خیابان ارم دانسته است و لذا عملیات گروه فشار را در حمله به درویش موجه شمرده است. آیا ایستادن و یا نشستن در خیابان مستوجب تخریب حسینیه آنان و یا تعدی به آنها آن هم با ضرب و شتم و جرح است؟ وارد آوردن اتهام به درویش توسط برخی مقامات قم نظیر استاندار و یا رسانه های وابسته به تشکیلات امنیتی نظیر پرتاب گاز اشک آور بیش از حد تمسخرآمیز است که قابل قبول باشد.

۸- افراد گروه فشار در حین درگیری بازداشت نشدند. این موضوع دلالت بر این دارد که از قبل اعمال گروه فشار مورد تأیید نیروی انتظامی بوده و اگر این ماجرا نزاعی عادی می بود نیروی انتظامی باید دو طرف درگیر را بازداشت می کرد و به محاکم قضائی می فرستاد و نه اینکه از قبل پیش قضاوتی داشته باشد و فقط درویش را بازداشت نماید! گزارشی دال بر بازداشت گروه فشار در شب واقعه توسط نیروی انتظامی در هیچ رسانه ای منتشر نشده است. و چطور عده ای لباس شخصی تحت حمایت نیروی انتظامی عده ای مسلمان را مورد ضرب و شتم قرار می دهند! افراد شناخته شده ای نظیر دهنمکی در روز حمله گروه فشار در منطقه رؤیت شده اند که سوابق قبلی در ارتباط با اینگونه فعالیت ها داشته اند.

۹- مقامات استان قانوناً حق تصرف چه برسد به تخریب حسینیه را نداشتند چون وکیل آقای شریعت (دکتر غلامرضا هرسینی) در مهلت مقرر فرجام خواهی کرده بود و هنوز رأی دادگاه تجدید نظر قطعی نشده بود. مستندات در پیوست است. سؤال این است که براساس مقررات موجود شهرداری، کمیسیون ماده ۱۰۰ فقط در دو حالت خطر جانی ناشی از فروریختن بنا و یا سد معبر عمومی مجاز به تخریب بنا است. در غیر این صورت تا وقتی که صاحب بنا درخواست پایان کار نکند مخیر است که اضافه بنا را حفظ نماید. از طرف دیگر تغییر

کاربری براساس قانون مستوجب تخریب نیست. حتی اگر آقای شریعت ملک خود را مورد استفاده برای مجالس عزاداری حضرت مولی الکونین ابا عبدالله الحسین علیه السلام قرار داده باشد یا به مجالس ذکر خدا مختص کرده باشد مستحق تخریب نیست. سؤال این است که استانداری همراه با سپاه و نیروی مقاومت بسیج و اطلاعات قم و نیروی انتظامی با استناد به چه حکمی حسینیه را تخریب کرده‌اند؟ مقامات استان حکم قضائی برای تخریب حسینیه در اویش را نداشتند. اگر هم تخریب حسینیه محل دعوا و نزاع بود چرا خانه شخصی آقای حاج سید احمد شریعت و مطب شخصی آقای دکتر حسن شریعت و کتابفروشی که در اجاره مستأجر بود را نیز تخریب و اموال آنها را غارت و با بولدوزر صاف کردند. گروه فشار با حمله به خودروهای داخل خیابان به وسیله سنگ و چوب و چماق شیشه اتومبیل‌های در اویش را شکسته و خسارات فراوانی را وارد نمودند. این اعمال براساس مفاد ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی جرم است و مرتکب باید به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم گردد. در ماه محرم علیرغم حرام بودن جنگ با حمله به حریم امن حسینیه مأموران دولت ابتدا آب و برق را به روی عزاداران حسینی قطع نموده و اگر قطع برق بنا بر ملاحظات امنیتی می‌بود بایست قبل از آن گاز را قطع می‌نمودند و با را از این فراتر گذاشته و ساختمان را به آتش کشیدند و سپس با بولدوزر از بنیان تخریب و زمینش را نیز اسفالت کردند.

۱۰- در کتابفروشی تخریب شده کتب محترمه نظیر قرآن و کتب احادیث معصومین علیه السلام و بر دیوارهای حسینیه آیات قرآن و صلوات کبیره و اسامی ائمه هدی علیهم السلام وجود داشت که با به آتش کشیدن و تخریب آنها آن هم در ماه حرام که نزاع بر مسلمین حرام است دلالت بر عدم تقید بنیان استان به موازین شرع و قانون داشته و هتک حرمت اسلام است. تخریب حسینیه و منزل آقای شریعت و مطب و کتابفروشی متعلق به در اویش درست مشابه اعمال تخریب منازل فلسطینیها توسط صهیونیستهاست که مورد قبول هیچکس نیست. از طرفی مسلمین هر جا که کلیساها را تصرف می‌کردند تبدیل به مسجد می‌نمودند ولی در فاجعه قم حسینیه را تخریب کردند.

۱۱- با بازداشت شدگان رفتار بسیار خشنی شده است و زنان بازداشت شده را در محلی که در دید مردان نیروی انتظامی بوده تفتیش بدنی کرده‌اند. بازداشت شدگان در یک و نیم روز اول گرسنه نگه داشته شده‌اند و محل‌های استقرار آنها غالباً تنگ بوده به گونه‌ای که بازداشت شدگان مجبور به ایستادن بودند. تعداد بازداشت شدگان در اویش بیش از رقم گزارش شده توسط استانداری قم بوده و آمارهای اولیه ارقامی حدود ۱۵۰۰ نفر و یا بیشتر را گزارش می‌کنند. تعداد مجروحان در اویش به بیش از ۵۰۰ نفر می‌رسد. صورت پیوست اسامی گروهی از آنان است. از تعداد کشته شدگان هنوز آماری در دست نیست ولی صورت اسامی مفقودین که احتمال کشته شدن آنان و یا بازداشت توسط لباس شخصیها وجود دارد نزدیک به ۱۰ نفر است و احتمال بیشتر بودن آنها نیز هست.

۱۲- براساس نص صریح قانون هنگام دستگیری افراد هرگونه اشیاء گرفته شده می‌بایستی صورتجلسه شود و در این جریان کلیه تلفنهای همراه و مدارک شناسائی و وجوه نقد و وسائل شخصی افراد را با خشونت گرفته و رسید نیز تحویل نشده است. و این موضوع مخالف مفاد ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی می‌باشد.



کلاس پرونده : ۴۲/۴/۸۴

شماره دادنامه : ۳۴۳/۸۴/۵/۳۱

خواهان : آقا احمد شریعتی با وکالت غلامرضا هر سینی - تهران میدان فاطمی اول خیابان شهید گمنام ساختمان ۳۳ طبقه

شماره پرونده : ۱۷

خواندگان : ۱- اداره کل تحقیق اوقاف و امور خیریه استان تهران - تهران خیابان قائم مقام فراهانی بین مطهری و بهشتی

کوجه میرزا حسینی پلاک ۲۲

۲- اداره کل اوقاف قم - قم اداره کل اوقاف

خواسته :

اعتراض به رأی شماره ۱۷۷۷/۸۳/۹/۲۵

رأی دادگاه

در خصوص دادخواست آقای احمد شریعتی با وکالت آقای غلامرضا هر سینی بطرفیت اداره کل تحقیق اوقاف استان تهران و اداره کل اوقاف قم بخواسته اعتراض به رأی شماره ۱۷۷۷/۸۳/۹/۲۵ صادره از شعبه حقوقی اداره کل تحقیق تهران بشرح متن دادخواست صرف نظر از اینکه متن وقفنامه عادی بدون تاریخ با وقفنامه رسمی شماره ۱۱۴۰۴۶/۸۳/۹/۲۵ تفاوت چندانی ندارد لیکن جهات ذیل الذکر -باز اهمیت است: ۱- هدف اصلی واقف همان برپائی مجالس ذکر و فکر و سایر مجالس هفتگی فقراء نعمت الهی از فرقه گنابادی است که در متن وقفنامه قید شده این در حالی است که اصولاً چهار تن از مراجع معظم شرکت در مجالس فرقه صوفیه گنابادی را دارای اشکال دانسته اند و حتی نماینده محترم ولی فقیه و سرپرست سازمان در ذیل نامه حراست بجهت مندرج در نامه مذکور دستور لازم به اداره تحقیق مرفوم داشته اند. ۲- حسب اوراق منتشره از سوی فرقه گنابادی مجتهد جامع الشرائط صرفاً متخصص احکام شریعت بوده در حالیکه لازم است احکام طریقت از بزرگ وقت صوفیه اخذ شود و مراد از فقراء در وقفنامه فقیر و مسکین نبوده بلکه اصطلاح خاص صوفیه است مقتبس از ایه رب انی لمانزلت الی من خیر فقیر در اوراق منتشره حاضرین در جلسات هفتگی دعوت به سکوت و صرفاً استماع شده اند و حق هرگونه سؤال برای آنان سلب شده و صرفاً دعوت شده اند که شئون فقری و شرعی را عمل نمایند که مفاد این دستورات حاکی از آن است که فقهای عظام نوعی زلّه و اعوجاج را در مراسم آنان تشخیص داده اند و رسمیت بخشیدن به اینگونه مراسم آنها در کنار حوزه علمیه قم و بسط ید فقهاء طبعاً زمینه ساز مسائل دیگری خواهد بود ۳- اداره کل اوقاف استان قم نیز با تولیت واقف مخالفت صریح نموده است لذا مستنداً به ماده ۶۶ قانون مدنی و ماده ۹ آئین نامه اجرائی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه حکم به ردّ اعتراض خواهان نسبت به رأی ۱۷۷۷/۸۳/۹/۲۵ صادر و اعلام میگردد. بدیهی است هیچگونه خالی در صحت اصل وقف نسبت به سایر موارد وجود نداشته و همانطور که در مسئله ۳۰ از بحث وقف تحریر الوسیله قید

صفحه ۷  
۱۲



شده حتی وقف غیرمسلم نیز صحیح می باشد. النهایه با توجه به عدم احراز شرایط تولیت برای شخص واقف مادام الحیوة و یا قطب منصوص سلسله گنابادی لازمست اداره اوقاف استان قم با نظارت کامل و تعیین ناظر به نحو احسن نسبت به برپائی سایر موارد (بجز مجالس هفتگی فقراء نعمت الهی و مجالس فکر) که در متن وقف نامه قید شده مانند برپائی مجالس قرائت و تعلیم قرآن و تعلیم و تعلم در کلاسهای عرفانی و روحانی (حوزوی) و همچنین برپائی مجالس سوگواری و عزاداری خصوصاً مجلس عزای خامس آل عبا و همچنین برپائی مجالس جشن و سرور در اعیاد مذهبی بنحو احسن و اکمل و اتم از محل استفاده نمایند. بدیهی است شرکت تمام مؤمنین در این جلسات که صرفاً با نظارت مستقیم اداره اوقاف قم برپا خواهد شد بلامانع خواهد بود. این حکم ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ دادنامه قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان می باشد. ۸۴/۶/۹-۱

رئیس شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی استان قم -

رونوشت برابر با اصل و اداریست و جهت ابلاغ به ادارات محقق اوقاف و امور خیریه استان قم تهیه و ارسال میگردد.

مدیر دفتر شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی استان قم - اسفندیاری

۱۳۹۴/۶/۸

علامه رضا حسینی

وکیل درجه اول اوکتری

تاریخ: .....

شماره: .....

بیوست: .....

ریاست محترم در دگاههای تجدید نظر استان قم

موضوع: تجدید نظر در نسبت به روزنامه ۳۲۲ در روز ۴۲/۸۴ شعبه ۴ در دگاه عمومی قم

احتراماً با کتبه میسرانند: در روزنامه شماره ۳۲۲ در ۳۱/۳/۸۴ به تدری خلاف شرح در قانون است که در صحیح هر انسان آرازه از اتمام فرمی سازد. برای اینکه به خلاف شرح در قانون بدون رأی صادره و اقف شود مراتب اعتراض و تجدید نظر خواهر را شرح آتی الذکر مرفوض میدارم  
اول - مخالف بودن رأی با کتاب سنت

صدارند سوال در آیه ۱۸۱ سوره البقره میفرماید: «فمن بدل له بعد ما سمعه فانما آمنه علی الذین ینزلون»

مفسرت امام عسکری علیه السلام در باب وقف میفرماید: «الوقف علی حسب ما یوقفها اهلها»

کتاب صدق و سنت موصوفین علیهم السلام دلالت بر اجزای سنت و اقف دارد اما حکم در دگاه مخالف آن است  
دوم - مغایرت رأی با قانون فقهر

برای تطبیق حکم صادره با منابع فقهریه: «کتاب وقف» مقرر الوسیله هر جمعی کنیم تا اقف بدون رأی

رایا اوقات کنیم

مفسرت امام غفینی (ره) میفرماید: «در رد این قید شرط نیست که سما باشد و بنا بر اقوی آنکه در قفس

برای مسلمان جایز است کافر نیز می تواند آنرا وقف کند... وقتی که طبق نذهب خودش انجام داده صحیح است»  
حالا که فقهای امامیه یا تسعه صدر و وقف کافر را طبق نذهب کافر صحیح میدانند، بطوریکه در کتاب نذهب

سیدی بزم لادار از اسلام رسول اکرم را بهیبت تشکیل مجالس ذکر و فکر فقهای امامیاری که از شیعیان مخلص

تاریخ:

شماره:

پیوست:

اینی عشق می هستند مورد را از اد فراری نکرد؟

نویسنده این از علمای قم شرکت در مجلس فقهی را در این مجال بدانند با سایر علمائی که خود شرب زمان تصوف را ستند

در این باره : کتاب - رساله - دستور العمل نوشته اند چه باید کرد

عرب تاریخ را چگونه می بینند که توسعه تشیع در ایران را در این مجاهدت در این صوفیه می دانند

شعار شیعه علیه می از ما در سه ها در ۳ وقت شبانه روز : « شهیدان علی دلی الله » را صوفیه

تأسیس در سمیت در راه دند

قانون اکثریت که مجلس در روشی در تالی شهر در ایران بر بنا و سحر شیعیل نمود در پیشگاه سمیت خود را از اد ف در ادگاه

نگرفته اند بلکه معتقدند سمیت نمود را از حضرت رسول اکرم (ص) مستند به کتاب الله اخذ کرده اند :

« قالت الاعراب آما ملئتم قلوبکم لم تؤمنوا بقرآنکم و لکن قولوا اسلمنا و لکننا من قبل الامان فی قلوبکم » و همچنین « یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته »

بسیارانی در مع ذممت علی علیه السلام را شهر به شهر و ده بده کرده و در ام را بولایت علی آتش کرده اند

تاریخ گواه است در صوفیه شیعه نموده و بعد از دارند و نظریه ۴ نفر از علماء اگر چه اجماعی نیست از طرفی

می نوزند با آنکه در طول تاریخ شیعه اتفاق انصاف مضار باشد

در ادگاه کوم مجلس در ذکر و تکرار پیرا نیت اما در پیشگاه الله بقدری ذکر و تکرار سمیت در اد که کتاب اسمانی وی

قرآن کریم مشحون از تکرار و تکرار است از جمله :

« الا ینذکر الله تعظمین الصلوة » همچنین : « فاذکرونی اذکرکم » یا : « من کان یرحی الله الیوم الا خود در کتاب است »

یا : « و اذکر ربکم فی نکر تصرفاً و خفیفة و در ان حکم من العول بالعدوه الاممال و لا یکن من الغافلین » صفحه ۱۰

# علامه رضا حسینی

ص ۳

وکیل در جواد اوگری

تاریخ:

شماره:

پیوست:

یا : « قد ابلغ من كثرة ذكر اسم ربك فصلى » يا : « الذين يدعون الله قهراً » على خيرهم « محمد بن

« واذكر ربك كثيرا » يا : « واذكر ربك قسلا لله بتقيد » يا : « واذكر ربك بكرة واحدة »

« يا ايها الذين آمنوا اذكروا الله ذكرا كثيرا » عنيت فرموده خداوند تا بعد از ذکر در امان فکر

« كذلك بين الله لكم الآيات لعلكم تتفكرون » يا : « الذين يدعون الله قهراً » على خيرهم و

تفكرون في خلق السموات والارض « محمد بن : « كذلك فصل الآيات لعلكم تتفكرون » يا

« اولم تتفكروا في انفسهم » علاوه بر کتاب از آن موهبت عظیم استم اخباری در شأن تفکر نقل شده

از جمله : « تفكر عنة خير من قيام ليلة » يا : « افضل العبادة ايمان التفكر في الآء الله »

این ها در تفسیر کتاب است اما تذکر تفکر را بر خلاف قول خداوند خیر موهبتی بزرگتر است و الطوبى مع سیدانه !

و حق در صدد در رای از بد اخلاق است و دور سر است زبان از مناف ذکر مبرر معلوم می کند چشم در نگاه در ای سید محقق

گفت تا شیر بورد که مخالف با استعمال قضی است و الا خداوند بر سر ارای با اهل ذکر به پیغمبر خود دستور میدهد :

« و اصبر نفسك مع الذين يدعون ربهم بالغداة والعشي يريدون وجهه ولا تعد عيناك عنهم تريد كبتة »

و حق به شد که ۴۴ تحریر الیومیه هر چه بود : ... اگر کافری وقف نماید بر نصرانی کسر خود شر انصراف دارد و ایام به بود نصرانی

نصرانی بهین سوال « باستی استیبا کرد وقف به جهت نقرار لغت استم نادری هم انصراف به نقرار همین سید دارد

مخبر جهت وقف راجحی میوان از ما که ۴۴ تحریر الیومیه استیبا کرد که مکتوبید : « اگر بر مسلمان وقف نماید از آن کسی است

که به شهادتین اراد نماید » در نگاه بر خلاف واقعیت حتی در این حد هم عاریت حقوق وقف بود از « علمام را انمواره »

در این کتاب برای چهارده منقصت و حدش دارد است و کتاب نقرار تفکر آن را از ارام

علامه رضا حسینی

دکتر درجه اول اوکتری

ص ۴

تاریخ:

شماره:

پیوست:

سوم - تغییر موقوفه دولتی جائزیت

حضرت امام خمینی (ره) در ۵۸ رشت در ۶۸ خرداد ۱۳۵۷ فرموده: «تغییر موقوفه - ازین برکن عوارض و حذف عوارض آن ولو بعد از آن دیگر... جائزیت»

رشت در ۷۸ لغته شده: «برادر دافع جائزیت که دولت نظارت بر وقف را دارا یا یا آمدنی در خرداد ۱۳۵۷ و یا با شرکت دیگری فرار دهد» در ادامه میگوید: «بجای جائزیت که اصل دولت را از آن کسی فرار دهد»

رشته ۱۰ می بینیم: «بدون اشغال در صورتیکه دولت نظارت را از خرداد فرار دهد» «عوارض» شرط نیست»

رشته ۸۳ می خوانیم: «اگر دافع وظایف کار دولتی را شخص کند همان عمل مفید هیچ کس نیستی بود»

حق نیست از آن در آن در»

این نظر به نظر در باب وقف - آن زمان صادرند و آنچه گفته شد از شدت موضوع که آن میباید چه اندازه

حکم درگاه با آنها در بی لغت و تضاد است

بهرام - معایرت رای با قانون

۶۶۰۶ قانون مدنی میگوید: «وقف بر مقاصد غیر مشروع باطل است» اگر از دیدگاه درگاه صادر کننده رای حسب

رشته ۶۶۰۶ قانون مدنی میگوید: «وقف بر مقاصد غیر مشروع باطل است» طبق قانون وقف باطل است و اثر بطرد آن است که عقد

وقف منعقد شده در ملک همچنان در مالیت مالک باقی میماند اما از دیدگاه درگاه قانون صاف فرار

در رای میگوید وقف صحیح است و چون حکم صادرند بیاعتناست و موقوفه و علت تغییر موقوفه حاصل از آنست قانونگذار

در ماده ۷۹ میگوید: «وقف یا حاکم نمی تواند کسی را که در حق عقد وقف موقوفی فرار داده شده است عزل کند مگر در صورتیکه حق عزل شرط شده باشد در غیر این صورت موقوفی ظاهراً مشروط است» همین مبنی میگوید «و این رای در صفحه ۱۴»



# غلامرضا حسینی

دکتر درجه اول دکتری

ص ۶

تاریخ:

شماره:

بیوست:

اصل ۲۲ قانون بسی تعهد می‌دارد: «حیثت جان مال حقوق بسکن فعل اشخاص از تعارض اصول است»

اصل ۲۳ «تعطیل عقاید منسوخ است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف درین عقیده ای

مورد تعرض و مواخذه قرار داد.» — بر بنیاد اصول قانون بسی مطلقاً باید محرم درگاه محرم است

و کجندین یاد شده در رأی کمی صادرند به حقوق کتیب اشخاص و نهاد گردنی تعرض نموده و به حیثت را بر روی

آنها حد شده دارد سازند یا در باره عقاید آنها تکلیف اظهار نظر کنند و تعقیب عقاید نمایند. لذا اصول آردی حقوق

و درگاه محرم گردید نظر را تکلیف می سازد تا رأی صادره بر خلاف درگاه بدوی را تعرض کند

مختم - ماده ۹ استادی درگاه مؤید اداره موجوده مطابق باینست و قف است

درگاه محرم بدوی از مقدم ماده ۹ آئین نامه البراتی تشکیل است ارباب اشخاص خلاف نموده است زیرا ماده ذکر می‌شود:

«در صورتی امین موجوده نموده در طرف است مطابق قانون و مندرجات و عقاید موجوده کت ترتیب خود را اداره کنند

در اجرای نیات و افعال که در نظر می‌آید این ماده هیچگاه به درگاه تعرض اشخاص نگردد» تا از حقوقی است و بدین است که

قصصات علی تمام بر وضع مجدد نظر

اعراض کوهل در گذشته کتاب الله نیست محرمی (ص) است و قانون بسی در قانون مد و نظر است تفهیم ایام است

و بسیار مؤثر دانند است بطریق که به رأی بدوی شدت و در منزل ایجاد و تعارض و ابطال آنرا ایجاب می‌کند

بسیار از آن جهت است و حتی دستور است محرم سازمان آرد به تعقیب استعمال قوه تفصیله مصونیت تعارض قضای

است امید است راضی شوند رأی مخالف مفران در شرح قانون تأیید گردد در سابقه نظام اسلیدی نسبت ضبط مورد

تفصیله تعارض و ابطال رأی بدوی رسید در حکم مطابق خواهد بود استعدایا باشد  
با اذن بهترین تمیز است. دکتر عباس رسیده است در حق  
غلامرضا حسینی

و جویهیکه طبق مقررات برای تنظیم این سند دریافت شده بشرح زیر است  
 حق التعمیر ۱۵۰.۰۰۰ ریال  
 حق التعمیر ۱۵۰.۰۰۰ ریال  
 بهای اوراق و قبوض اقساطی ۱۲۱۰ ریال

با احترام و محبت تمامین  
 نام مراتب مسطور در این سند در نزد اینجانب واقع شد  
 نام خانوادگی  
 ۲ و محل امضاء و مهر با دقت

توضیحات  
 سازمان ثبت اسناد و املاک کشور  
 برگ معاملات یک برگی  
 نوع سند لاقف دائمی

۲۰۰ ریال

شماره ۴۶-۱۴ دفتر اسناد رسمی ۷۴ شماره تهران  
 تحت تاریخ  
 حوزه ثبتی  
 محل امضای دفتر با در مهر دفتر خانه  
 عید مهدی هلاک پرور با لکلی  
 ۱۰۵۱/۳۰  
 ۳۷/۲۷  
 کد (۱۹) اختصاصی (۱-۸۳) ت

شماره ۷۲ دفتر اسناد رسمی شماره حوزه ثبتی

تهران جمع کل

۱۵۴.۷۱۰ ریال

عید مهدی طبیب طبیبان

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي وفق فراديس الجنان و حدائق الرفوفان و على اوليائه الابرار و شرح صدورهم و فرح قلوبهم و  
 و عداهم جنان تجرى من تحتها النهار و الملوك و السلام و على سيد المرسلين و آله الطاهرين سيما ولى ايزد متعال و ميراب بحر الفلار  
 هانى كوثر امام المتقين و امير المومنين جبار على اله عليه و آله اجمعين قربنا "الى الله تعالى و طلبا المرفاهة

حاضر گردیدند: جناب آقای آقا احمد شریفتی فرزند آقا سید محمد درای خانانامه شماره ۱۹۰۱۰ سریال ۵۲۱۶۴۲ صادره از قم متولد ۱۳۰۶  
 قمی مقیم: قم خیابان ارم (آیته اله مرعشی) کوچه شریعت پلاک ۳ منزل شخصی در کمان صحت و سلامت روح و جسم و با اقرار بر وحدانیت  
 خداوند متعال و ارحال رسل و انزال کتب بقرصون نبوت و رسالت خاتم النبیهاء حضرت محمد بن عبدالله صلی اله علیه و آله و امامت امیر  
 دوازدهگانه آن بزرگوار و اقرار به یوم جزا و سایر ضروریات دین اسلام در تاریخ زیر وقت خاص موبد و حبس مخلد نمودند با فرای  
 مطروحه دلیل تمامی و همگی شهادت یکبار خانه بمساحت ششم و شصت و شش متروبیمنت دسیمتر مربع بهای ۶۱۵ و ۶۱۶ اصلی واقع در بخ  
 یک رقم مورد ثبت و محدوده یک جلد سند مالکیت بشماره ثبت ۴۵۹۳۸ صفحه ۱۰ دفتر ۳۰۷ بشماره چاپی ۰۲۸۷۵۹ واقع در خیابان ار  
 (آیته اله مرعشی) کوچه شریعت پلاک ۵ و ۷ با تمامی ساختمانهای مستحدده در آن بانضمام امتیازات آب و برق و دو رشته تلفن و ک  
 منضمه در محل و کلیه آنچه متعلق به پلاک مذکور میباشد حتی الوتد فی الجدار و بنام حسینیه شریعت نامگذاری نمودم.

برای برپائی مجالس ذکر و فکر و سایر مجالس هفتگی فقراء نعمت الهی علما تعلیمات هنر کتابدای و تشکیل مجالس قرائت و تعلیم قرآن مجید  
 در هر زمان و تعلیم و تعلم در کلاسهای عراقی و روحانی و همچنین برپائی مجالس سوگوازی و عزاداری بزرگان دین و ائمه معصومین  
 علیهم السلام بقرصون مجلس عزاداری خاص آل عباد یا محرم الحرام و همچنین برپائی مجالس جشن و سرور مناسبتهای مختلفه مخصوصا "ای  
 ولادت و اعیاد مذهبی و غیره و خلاصه هر مجلسی که متولین محترم صلاح و مقتضی بدانند و نولیت آنرا مادام الحیات با خود واقف و سپس ب  
 طلب منضمه ملصقه کتابدای در هر زمان مقرر داشتیم و در هر صورت نظارت آن با قطب محترم که در این زمان جناب آقای حاج دکت  
 نه علف نامیده محذوره علیشاه امام نه ظنه انجائی سید شادان برقرار نمودیم.



وادی و اعیان مذهب و غیره و خلاصه هر مجلسی که متولی محترم صلاح و مقتضی بداند و تولیت آنرا مادام الحیات با خود واقف و سپس به قیام مخصوص مصلحه گزینانی در هر زمان مقرر داشته و در هر صورت نظارت آن با قیام محترم که در این زمان جناب آقای حاج دکتور علی تاجنده مجد و بهمنی شاه انجام نهفته است میباشند برقرار شود.

متولی موقوفه در هر زمان اختیار کامل دارد امر نگهداری و سرپرستی موقوفه را به هر کس صلاح بداند تفویض نماید و یا برای تکمیل آن وکیل انتخاب نماید و همچنین اختیار نام و نامحدود دارد که ملک حسینی را به هر صورت صلاح بداند توسعه داده یا سایر دیگر تخمین نماید و یا تخریب نموده بازسازی نماید و یا آنرا تبدیل یا حصص نموده و بجای آن در محل دیگری ملکی خریداری بهمین منظور اجراء نماید، خلاصه برای اداره حسینی به هر نحو که صلاح و مقتضی بداند عمل کند. متولی محل را بعنوان وقف تصدیه نموده میباید و وقف جاری گردید و من بدله بعد ماسمه نایمه علی الذین یدلون.

این سند با استناد پاسخ استعلامیه شماره ۲۶۲۱۵ مورخ ۸۳/۰۹/۱۷ ثبت استان قم و گواهی شماره ۱۶۷۸۱۳/۴/۱۶۷۸۱۳ مورخ ۶۶۰۳/۰۹/۲۱ مورخ ۸۳/۰۳/۲۴ اداره کل امور مالیاتی استان قم تنظیم گردیده است.

حق الثبت: مبلغ ۱۵۰۰ ریال ملی قیام شماره ۲۹۶۵۶۸ بابتک ملی شعبه صادقیه واریز و حقا التخلیر و بهای اوراق: مبلغ ۱۵۱,۲۱۰ ریجوب قیام شماره ۲۴۲۴۲ مورخ ۸۳/۰۹/۲۴ بحساب ۴۵۰۱ بانک ملی صادقیه و قبض شماره ۵۶۵۵۸۸ صادر و تسلیم گردید.

این سند در سه برگی به شماره های ۴۱۳۸۹۸ و ۴۱۳۹۰۱ الی ۴۱۳۹۰۴ تنظیم گردید. ر. ط. ضم زلی است. اظهار را در است

بناریغ بمت رسم از راه ۳۸۳ اشمسی مطابق با کمری لمره ۴۲۵ هجری قمری محل انصاء

تذکر: تبصره ۳ ماده ۳۴ قانون اصلاح قانون ثبت - در کلیه اسناد رسمی بایستی افانگه، متمایلین بطور وضوح در سند ثبت شود. افانگه، متمایلین همان است که در سند ثبت شده و مادام که تغییر افانگه چیزی را قبل از صدور اجرائیه بدترجانه و قبل از ابلاغ به اجرا یا نشانی صحیح و ذکر شماره پلاک محل افانگه اعم از خانه و مهمانخانه و غیره که بتوان اجرائیه را به آن ابلاغ کرد اطلاع ندهند کلیه برگها و اختاریه های اجرائیه محلی که در سند ثبت شده ابلاغ میشود و متعهد نمی تواند بعد از عدم ابلاغ متعذر گردد. دفتر اسناد رسمی مکلفند پس از صدور اجرائیه مراتب را به آخرین نشانی متعهد از طریق پست سفارشی باو اطلاع دهند و برگ اجرائیه را به ضمیمه قبض پست سفارشی جهت ابلاغ اجرائیه و عملیات اجرائیه به ثبت محل ارسال دارند. مرگه محل افانگه متعهد در سند ثبت شده و یا به جهات دیگر اجراء صادر شده و سایر بایانگه ثبت محل موضوع اجرائیه را بطور اختصار بکویت در یکی از جراید کثیرالانتشار محل یا نزدیکتر بمحل بجهت اطلاع نمود.

سید محمد

تاریخ: ۷۲/۲/۶

بسمه تعالی

محضر مبارک مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای دامت برکاته العالی

سلام علیکم و رحمته الله و برکاته

خداوند سایه پر فیض حضرت مستطاب عالی را بر سر ما و جمیع مسلمانان جهان مستدام فرماید.

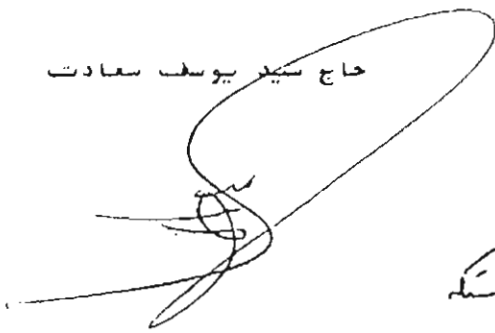
از محضر مبارکستان تقاضا میشود نظر شرعی خود را درباره سوال زیر عنایت فرمائید:

حسینیه ای است واقع در تهران - خیابان ری بهنام "حسینیه حاشری" که ساختمان آن با هزینه شخصی اینجانب و جمعی دیگر تجدید بنا گردیده است و دارای وقفنامه ای است که فتوایی آن به پیوست تقدیم میگردد.

آیا استفاده از حسینیه مذکور باید بطبق وقفنامه باشد یا مجازیم از وقفنامه عدول نموده و کارهای عام المنفعه مثل کتابخانه عمومی و کارهای فرهنگی دیگر در آن اجرا نمائیم.

خواهشمندیم نظر مبارکستان را بفرمائید مطیع و فرمانبرداریم.

حاج سید یوسف سعادت



بسمه تعالی

با صرف نظر از خصوصیات وقف مذکور حکم کلی اینست که

الوقوف بحاسب ما بر قفوا اهلها. از وقف ما بر

همان جهتی که برای آن وقف شده استفاده شود و تغییر

وقف جایز نیست و ما بر طبق وقف عمر خود



۱۳۱۰۶





مستزاد از روزانه معروفه ۴، ۱۱، ۱۴ که منتهی به مصنف برادر امام حسن جعفر است. این عمل بتعمیر  
۱. استعمال منکر آمازاسن از زندان از زندان به ستاد خبری  
۲. احوال همه که در حقیقت ۱۸ ارد -  
۳. انتقال منکر آمازاسن از ستاد خبری به زندان اسماصل

مستزاد از

# هشدار حضرت آیت ا... مکارم شیرازی

## نسبت به تبلیغات علنی صوفیگری

امید است هر چه سریعتر مسئولان شهر به خواسته به حقیق  
علما و مردم مومنین قم رسیدگی و توجه کنند تا نیازی به  
اقدام مردم نباشد.

### جایزه آیسکو به نهضت سواد آموزی

تقدیم جایزه سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی اسلامی - آیسکو در سال  
۸۲ در اجلاس وزرای آموزش و پرورش کشورهای اسلامی در تهران  
یعنی پنجمین مدل جهانی بابت فعالیت نهضت سواد آموزی در طرح  
خواندن با خانواده به نهضت اهداء شد.

### یکی از اراذل و اوباش را در شهر

#### ورامین چرخاندند

نیروی قنصلی شهر ورامین با همکاری دادستانی محترم دادگستری قبل از  
شروع تعطیلات نوروزی جمعی از سارقین سابقه دار و معتادین ولگرد را  
جمع لوری و در یک حرکت پهنسندیده بکری از ارادل و لوباش منطقه بنام  
محمد بختیاری را در شهر چرخاندند

سرهنگ زنده شو فرماندهی این نیرو و آقای شیرازی فرمانده  
باسگاه مرکزی و اطلاعات این نیرو قابل تقدیر است.

کربلا بر شیعه نامکشوف نیست

حکمتش جز امر بالمعروف نیست

امر بالمعروف نهی از منکر است

شیعه بی امر و نهی ایتراست

### «توجه»

کتابخانه بزرگ مسجد صاحب الزمان

(ع) ورامین با دارا بودن هزاران جلد

کتاب در خدمت تمامی علاقمندان

به مطالعه است.

عصرها: برادران

صبحها: خواهران

آدرس:

ورامین، پلازمین مطای صاحب الزمان (ع)

حضرت آیت ا... مکارم شیرازی طی سخنانی در درس خارج فقه  
خود نسبت به شکستن قداست شهر قم هشدار داد ایشان گفتند: شهر  
قم چشم و چراغ عالم اسلام است هما نظور که دوستداران اسلام به  
قم چشم دوخته اند دشمنان بیر به قم چشم دوخته اند.

این مرجع تقلید ضمن انتقاد از بی توجهی برخی از مسئولان افزودند:  
گویا برخی مسئولان شهر در خوابند، وقتی مردم راه افتادند بیدار می  
شوند.

یکی از مسائل صوفیگری است که پشت سر هم اطلاعیه بخشن می  
کنند، یک جمعیت منحرف با آن سابقه بد تاریخی برای ایجاد فتنه

شروع به تبلیغات می کنند و در برخی اطلاعیه ها نوشتند: در ویش و  
صوفی کسی است که در سیاست دخالت نمی کند. و همواره حرف  
دشمنان را زیر پوشش صوفیگری می رند.

ایشان افزودند: من به اینها نصیحت می کنم قم حای ابر، بختها  
نیست، تشکیلات خود را جمع کنید والا طور دیگر جمع خواهد شد.

حضرت آیت ا... مکارم شیرازی نسبت به مظاهر ضد ارزشی مثل  
بدحجابی که می خواهند چهره مذهبی قم را مخدوش بدارند هشدار  
دادند و از جمعیت اسلامی قم خواست فعال شوند از حالت انفعالی  
بیخارج شده و با زبان خوش به امر به معروف و نهی از منکر بپردازند.  
اگر چهره مذهبی و قداست قم از بیس برود علما، حوزه و تمامی  
مسئولان مسئولند.

ش لازم به ذکر است طی ماههای اخیر گروهی از صوفی ها در قالب یک  
حسینیه در خیابان ارم قم مشغول به فعالیت علنی شده اند که با  
مخالفت علما و مراجع تقلید مواجه شده است. ولی متأسفانه از طریق  
مسئولان ذربیط بر خورد های با آنها نشده است.

جای ناسف است در شهر قم که طاعت جرات هر کاری را نداشت  
این گروههای منحرف با عناصر فاسد دست به فعالیت رده اند که  
برخی از این جریانات برای شکستن قداست قم از سوی دشمن  
هدایت می شوند.

۲- سال جدید را مقام معظم رهبری سال ارائه گزارش عملکرد مسئولان کشور به مردم  
نام نهادند ضمن تشکر از معظله له از مسئولان کشور می خواهیم با تمام وجود جهت  
خدمت به مردم شهید پرور ایران گام برداشته و امید دشمنان را تبدیل به باس و  
تالبدی نمایند.

فرضت اسلام ۲ فوریه ۱۳۸۳ ص ۸

## انتقاد آیت الله مکارم شیرازی از ترویج صوفی‌گری در قم

آیت الله مکارم شیرازی از مراجع تقلید با اشاره به فعالیت فتنه‌انگیز عده‌ای به نام صوفی، خواستار اقدامات جدی مسئولان جهت جلوگیری از ترویج آن شدند.

ایشان روز چهارشنبه در پایان درس خارج فقه خود گفتند: قم چشم و چراغ عالم تشیع است و در روایات از آن به عنوان عُنش آل محمد(ص) یاد شده است.

ایشان اضافه کردند: همان‌گونه که جهان تشیع چشمشان به قم دوخته شده است، چشم دشمنان هم به قم دوخته شده است و می‌خواهند آن را خراب کنند.

آیت الله مکارم شیرازی با اشاره به اینکه بعضی از مسئولان شهر در خواب هستند و وقتی مردم به راه افتادند، تازه از خواب بیدار می‌شوند، افزودند: صوفیان پشت سر هم اعلامیه پخش می‌کنند و تبلیغ صوفی‌گری می‌کنند؛ جمعیتی که در روایات ائمه معصوم مرتبت شده‌اند و علما انحراف اینها را ثابت کرده و سابقه تاریخی بدی هم دارند.

ایشان ادامه دادند جالب این است که در تبلیغات خود نوشته‌اند: درویش و صوفی کسی است که در سیاست دخالت ندارد و این همان خواسته دشمن است؛ یعنی جدایی دین از سیاست زیر پوشش درویش و صوفی‌گری.

ایشان تأکید کردند: من به اینها نصیحت می‌کنم تا تشکیلاتشان را جمع کنند. قم جای این بحثها نیست و اگر جمع نکنند، از طریق دیگر اقدام می‌کنیم. ما دلمان می‌خواهد در این شهر آرامش باشد.

این مرجع تقلید در بخش دیگری از سخنان خود، افزایش مظاهر فساد در قم را یکی از مهم‌ترین مسائل شهر دانسته و اظهار داشتند: مظاهر ضد ارزش در قم زیاد شده است؛ به گونه‌ای که می‌خواهند چهره این شهر را از مذهبی بودن بیندازند.

ایشان گفتند: در اطراف حرم و مراکزی که خانه‌های مراجع و دفتر رهبری در آنجا قرار دارد، این مفاسد دیده می‌شود و اخیراً شنیده شده افرادی سگهای کوچکی را همراه خود می‌کشند؛ ما اینها را ساده نمی‌دانیم، اینها می‌خواهند چهره مذهبی شهر قم را خراب کنند.

آیت الله مکارم شیرازی، امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه همه مسئولان دانسته و از جامعه ناصحین خواستند تا از حالت انفعالی خارج شده و با بیان و زبان خویش در این راه فعالیت کنند.

انتهای خبر

لطفا دیدگاه‌های خود را برای ما ارسال نمایید | موارد ارسالی در تحریریه مورد توجه قرار می‌گیرد

اخبار شهرستان

آیت الله نوری همدانی:

صوفیه با هدف تضعیف اسلام بشکل گرفت



این فرقه دانست و گفت: این کار آنان در جهت تضعیف اسلام است. آیت الله نوری همدانی گفت: در طول هشت سال دفاع مقدس حتی یک نفر از فرقه صوفیه وارد جنگ نشد و این گروه تنها در خاتمه به سر برد و در جهت تضعیف اسلام کار کرد.

ایشان در ادامه بیان این مطلب که متاسفانه هنوز تفاوت صوفیه با شیعه اثنی عشری در جامعه تبیین نشده است، گفت: طی سالیان گذشته تصوف با عرفان مخلوط شد و به یک نوع آن دو گروه را یکی دانستند که باید این مسأله را حساسیت و دقت تفکیک شود.

آیت الله نوری همدانی وظیفه حوزه های علمیه را درگسترش بحث های کلامی مهم دانست و گفت: طلاب و اندیشمندان حوزه باید با گسترش فعالیت خودبه خودی سهولات مردم بیوزارند. ایشان با اشاره به اینکه این فرقه «صیخ اخادث، ائمه اظهار (ع)» را به نام خود میخواندند، گفت: بر حوزه فرضی است که با روشنگری و با انجام پژوهش این مسأله را برای مردم قیصن کند.

حضرت آیت الله حسین نوری همدانی از مراجع عظام تقلید در قم گفت: فرقه صوفیه با هدف تضعیف اسلام و جدایی دین از سیاست شکل گرفت.

به گزارش خبرنگاری جمهوری اسلامی ایران روز شنبه در دیدار اعضای موسسه فرهنگی و انتظارتوره، افزود: صوفیه که اکنون به فرقه گوناگون منقسم شده از زمان امام صادق (ع) مورد انتقاد آن امام همام قرار گرفت.

ایشان با اشاره به دلایل رد این فرقه گفت: تبلیغ حجابی دین از سیاست توسط پیروان این فرقه ها باعث حمایت حاکمان و مستبدان از این نوع فرقه شده است.

ایشان گفت: به همین خاطر مستبدان و استکبار از انتشار و گسترش این نوع طرز فکر جهت مطامع شیطانی خود استفاده می کنند.

آیت الله نوری همدانی گفت: این افراد تنها در خاتمه خود به سر برده و در خصوص مسایل مهم جهان اسلام دخالتی نمی کنند.

ایشان با اشاره به اینکه برخی افراد آنان را با شیعه اثنی عشری در یک

روزنامه جمهوری اسلامی ۳۰ آبان ۱۳۸۴

دنی الاول ۱۲/۱۳۱۵ شماره سوم / شماره سیزدهم ۴

استفتاء: از مراجع عظام

بیرامقون شرکت دارمجان صوفیه

ایضا... (Handwritten notes in Persian)

شرکت دارمجان صوفیه... (Main body of the article text, partially obscured by handwritten notes)



## انتقاد شدید آیت الله نوری همدانی از فعالیت صوفی‌گری در قم

رسا، گروه سیاسی - آیت الله نوری همدانی از مراجع تقلید، امروز با اشاره به پیشینه پیدایش فرقه منحرف صوفیه، آنها را خطری برای اسلام معرفی و از آزادی فعالیت صوفی‌گری در استان قم به شدت انتقاد کردند.



به گزارش خبرنگار رسا، آیت الله نوری همدانی یکشنبه در هفتمین گفتمان مهدویت در قم گفتند: یکی از مشکلات علمای ما از گذشته مسأله صوفی‌گری بوده است. از زمان امام صادق - ع - عده‌ای به نام صوفیه پیدا شدند و امام صادق - ع - اعلام کردند اینها دشمنان ما هستند؛ اگر کسی به آنها گرایش بیابد از دشمنان ما به شمار می‌رود. ولی متأسفانه بعدها جریاناتی به وجود آمد که این فرقه منحرف تقویت شدند.

ایشان افزودند: سلاطین برای اینکه چهره خود را دینی مطرح کنند باعث تقویت این گروه می‌شدند. صوفیه هم این پادشاهان را الو الامر می‌دانستند. صوفی‌ها سعی کردند در برابر ائمه اطهار - ع - برای خود مشایخی مانند بسطامی و ابوالخیر و دیگران بوجود آورند و از آنان شخصیت برجسته‌ای بسازند. هر کرامتی را که شیعیان برای ائمه اطهار - ع - و پیغمبر اسلام - ص - قائل هستند، آنان برای مشایخ خود قائل می‌باشند. مثلاً در کتاب تذکره الاولیاء نوشته شده است که بارها خدا را در خواب دیده‌ام.

این مرجع تقلید گفتند: به تازگی صوفی‌های قم برای بنده چندین برگه ارسال کرده‌اند. اگر پاسخ آنها را ندهیم گمان می‌کنند ما بر کار آنها صحنه گذاشته‌ایم و آنها را تأیید کرده‌ایم. ما حوزویان ناچار هستیم پاسخ دهیم.

ایشان با اشاره به گرایش‌های صوفیانه مولوی، شاعر نامدار افزودند: مولوی از صوفیان بسیار قهار بود. در این برگه‌های ارسال، از جمله مطالبی که ذکر کرده‌اند، برخی از مثنویات مولوی است. مثلاً این ابیات از مولوی نقل شده است:

«پس به هر دوری ولی‌ای قائم است - آزمایش تا قیامت دائم است  
 پس امام حیّ قائم آن ولی است - خواه از نسل عمر خواه از علی است  
 مهدی هادی وی است ای راه جو - هم نهان و هم نشسته پیش رو»

آیت الله نوری همدانی در ادامه یادآور شدند: اینها ولایت را ولایت نوعی می‌دانند و

شخصیت‌های خود را مانند ائمه اطهار - ع - قبول دارند و می‌گویند اینها حی مطلق هستند و در خصوص وحدت وجود می‌گویند که پیغمبر اسلام - ص - و امیر مؤمنان حضرت علی - ع - در هر زمانی به صورت يك شخصي در می‌آیند و امروز هم به صورت مقسوم علی شاه گنابادی و مانند آن ظاهر شده‌اند.

ایشان ادامه دادند: حال ما در قم بنشینیم و نگاه کنیم که این افراد این قدر برای صوفیه تبلیغ کنند و برای مراجع تقلید هم بفرستند. ما پیغام دادیم که حضوری بیایند و صحبت کنیم، ولی آنان نیامدند.

گفتنی است پیش از این در پی تبلیغ علنی این گروه مذحرف در قم، آیت الله مکارم شیرازی یکی دیگر از مراجع تقلید در خصوص فعالیت آزاد آنها در کنار حوزه علمیه قم خطاب به برخی از دستگاه‌ها و نهادهای ذي ربط هشدار داده بودند، ولی هیچ اقدامی مبنی بر جلوگیری از فعالیت صوفی‌های قم دیده نشد.

گفته می‌شود صوفی‌های قم در یکی از کوچه‌های خیابان ارم از خیابان‌های مرکز شهر قم به صورت آزادانه در حال فعالیت می‌باشند. انتهای خبر

لطفا دیدگاه‌های خود را برای ما ارسال نمایید - موارد ارسالی در تحریریه مورد توجه قرار می‌گیرد

نظر شما :

نام و نام  
خانوادگی:

ارسال

بست  
الکترونیک:

کلیه حقوق وب سایت متعلق به موسسه فرهنگی لوح و قلم بوده و استفاده از مطالب بدون ذکر منبع بکسر قانونی دارد  
rasa @ rasanews . com

daravish\_gonabadi@yahoo.com :To

list1278uhy@yahoo.com :From

Mon, 13 Feb 2006 09:27:19 +0100 :Date

[daravish\_gonabadi] :Subject مروري بر اخبار گذشته در ارتباط با حسينيه دراويش گنابادي در قم

مروري بر اخبار گذشته در ارتباط با حسينيه دراويش گنابادي در قم

وقايع و تحولات اخير قم در رابطه با دراويش گنابادي و اقدامات آنها درايستادگي در مقابل عوامل امنيتي و گروه فشار از اخبار مهم روزهاي اخير است. در اين ارتباط با مراجعه به سايتهاي خبري اخبار گذشته در اين رابطه را تقديم خوانندگان مينمائيم

تلاش اداره اطلاعات قم براي تخریب حسينيه دراويش نعمت اللهی سلطانعلیشا هي گنابادي در قم

<http://news.gooya.com/2002/12/26/2612-06.php>

<http://www.mellimazhabi.org/news/122002/2712ghom.htm>

5 دي 1381

دراويش نعمت اللهی سلطانعلیشا هي گنابادي در قم از خيلي سال قبل در قم جلسات فقري و تذکر و توسل و یاد خدا را برپا مي داشته اند. اين جلسات از 70 سال پيش در منزل آقاي حاج سيد محمد شريعت از مشايخ سلسله نعمت اللهی سلطانعلیشا هي گنابادي در قم برگزار مي گردید. پس از فوت نامبرده فرزند ارشد ايشان آقاي حاج سيد احمد شريعت همواره اين سنت حسنه را برپا داشته و منزل پدري ايشان محل برگزاري مجالس یاد خدا و توسل به انمه هدي و بخصوص خامس آل عبا حضرت سيد الشهداء مي باشد. در سال 1380 به دليل کثرت شرکت کنندگان در مجالس فقري با خريداري منزل عم خود (آقاي حاج سيد علي شريعت) در همسايگي ملک مزبور اقدام به ساخت حسينيه وسيعي نمودند. در بدو امر شهرداري با اعطاي پروانه ساختماني به شماره 10/1/11195 به تجديد بناي دو ملک مزبور موافقت نمود ولي پس از اينکه اداره اطلاعات از تجديد بناي حسينيه خبردار شد ضمن تهديد مالک از اينکه حق استفاده از حسينيه مزبور را ندارند از طريق کميسيون ماده 100 قانون شهرداري تلاش نمود تا حسينيه را تخریب نمايد. کميسيون ماده 100 قانون شهرداري در تاريخ 1381/9/4 طی ابلاغ 100/1/1806 به مالک اخطار نمود که مي بايست با تبديل ملک از حالت شبه مذهبي به مسکوني اقدام و بناي مازاد آن تخریب گردد. رأي کميسيون ماده 100 قانون شهرداري در 1380/9/20 به شماره 1/101151 با مضمون فوق صادر گردید. با اعتراض و درخواست تجديد نظر مالک مجددا قرار است کميسيون ماده 100 قانون شهرداري در هفته جاري تشکیل جلسه دهد.

مأمورين شهرداري ابراز مي دارند اين اشکال و ايراد گرفته شده به دليل فشار مأمورين امنيتي مي باشد و علي الاصول اين ايراد وارد نيست. لازم به ذکر است که اخيرا وزارت اطلاعات از طريق فشار بر کميسيون ماده 100 قانون شهرداري در شهرهاي اصفهان و سمنان نيز اقدام به صدور حکم تخریب حسينيه هاي دراويش نعمت اللهی سلطانعلیشا هي گنابادي نموده است.

در حال حاضر بناي حسينيه دراويش نعمت اللهی سلطانعلیشا هي گنابادي در قم با 1040 متر بنا در 670 متر زمين اتمام يافته و هنر معماري و کاشيکاري معرق و آينه کاري آن تحسین برانگيز است. اين حسينيه داراي سالن هاي مردانه و زنانه و بخش هاي آشپزخانه، چايخانه، اطاق هاي پذيراني و خدماتي و بخشي هم براي سکونت مالک (آقاي حاج سيد احمد شريعت) مي باشد. در کاشيکاريها اسامي 14 معصوم عليه السلام، آية نور، حديث ثقلين، دعاي فرج، اسامي 72 تن از شهداي کربلا

و صلوات کبيره (اللهم صل علي المصطفى محمد و المرتضي علي و البتول فاطمه و السبطين الامامين الحسن و الحسين و صل علي زين العباد علي و الباقر محمد و الصادق جعفر و الکاظم موسي و الرضا علي و التقي محمد و النقي علي و الزكي العسكري الحسن و صل علي محمد المهدي صاحب الامر و العصر و الزمان و خليفه الرحمن و امام الإنس و الجان صلوات الله عليهم اجمعين) به چشم مي خورد که به نحو زيباني ديواره هاي حسينيه را منقوش کرده اند.

اين خبر که جلب توجه اهالي و علاقه مندان به سلسله دراويش نعمت اللهی سلطانعلیشا هي را نموده است باعث شيوع اعتراضات در قم و باقي شهرستانها گردیده است.

تخریب حسینیه در اویش نعمت الهی سلطانعلیشا هی گنابادی توسط اداره اطلاعات  
<http://www.mellimazhabi.org/news/012003news/2201daravish.htm>  
<http://www.mehdis.com/tablu/modules.php?name=News&file=article&sid=6158>  
[http://www.marzeporgohar.org/cgi-bin/viewnews\\_f.cgi?id=1043267260](http://www.marzeporgohar.org/cgi-bin/viewnews_f.cgi?id=1043267260)  
<http://www.iranvajahan.net/farsi/1381/11/07/index.shtml>  
[http://www.iranvajahan.net/cgi-bin/news\\_fa.pl?l=fa&y=1381&m=11&d=07&a=9](http://www.iranvajahan.net/cgi-bin/news_fa.pl?l=fa&y=1381&m=11&d=07&a=9)

7 بهمن 1381

در ساعت 10 صبح روز دوشنبه 30 دی 1381 مأمورین اداره اطلاعات قم با یورش به محل حسینیه در اویش نعمت الهی سلطانعلیشا هی گنابادی در قم واقع در خیابان ارم نبش کوچه شریعت اقدام به تخریب حسینیه مذکور نمودند. در این عملیات که از قبل توسط اداره اطلاعات قم طراحی و با حضور فرماندار و شهردار و رئیس اطلاعات قم و پشتیبانی نیروی انتظامی صورت گرفت مأمورین اقدام به کندن دربها و شکستن شیشه ها و تخریب پنجره ها نمودند و نهایتاً با لاک و مهر کردن درب حسینیه محل را ترک کردند.

در اقدامات قبلی اداره اطلاعات با الزام نماینده دادگستری و نماینده وزارت کشور و نماینده شورای اسلامی شهر قم که در کمیسیون ماده 100 قانون شهرداری عضو هستند همگی را به صدور رأی تخریب مجبور و رأی قطعی تخریب خانه حسین علیه السلام را به شماره 1/100/2/1151 در مورد پلاک شماره 615 مبنی بر تأیید رأی بدوی حکم تخریب صادر می‌نمایند. این رأی طی نامه شماره 100/1/1874 مورخ 1381/10/19 توسط گل افشان دبیر کمیسیون ماده 100 به آقای حاج سید احمد شریعت مالک و بانی حسینیه ابلاغ و نامبرده را تهدید می‌نمایند و 3 روز مهلت می‌دهند تا حسینیه را تخریب نماید.

گفتنی است براساس قانون شهرداری صلاحیت کمیسیون ماده 100 برای صدور مجوز تخریب فقط محصور به دو مورد عدم استحکام بنا و عدم رعایت اصول فنی و بهداشتی شهرسازی می‌باشد که از این بابت حسینیه مزبور زیر نظر مهندس ناظر آقای مهندس کسانلی و با ملاحظه تمامی اصول و موازین معماری بنا شده است.

لازم به ذکر است که قرار بود جلسه کمیسیون ماده 100 در ساعت 3 بعد از ظهر روز 1381/10/3 تشکیل شود ولی به دلیل درخواست کتبی و قانونی مالک حسینیه آقای حاج سید احمد شریعت (در تاریخ 1381/9/30 به شماره 1/100/1151) جهت حضور در جلسه همراه با وکیل خود آقای دکتر غلامرضا هرسینی و دفاع از حقوق خود، کمیسیون به بهانه های واهی تشکیل جلسه نداد و سپس بدون اعلام به ذینفع و وکیل وی مخفیانه پشت دربهایی بسته تشکیل جلسه داده و حکم تخریب حسینیه در اویش را صادر می‌نمایند. شرکت در این جلسه از لحاظ قانونی برای ذینفع و وکیل وی از حقوق مبرم افراد می‌باشد. آقای حاج سید احمد شریعت در پیگیری اعتراض خود اقدام به شکایت از کمیسیون ماده 100 قانون شهرداری قم به دیوان عدالت اداری نموده است. ولی اداره اطلاعات برای اینکه مراحل شکوائیه به نحوی مانع از انجام فعالیتش نشود پیشدستی و اقدام به تخریب و لاک و مهر کردن حسینیه نمود.

انتشار این خبر در قم و شهرهای دیگر ایران باعث خشم در اویش نعمت الهی سلطانعلیشا هی گنابادی از رفتار غیراسلامی مأمورین اطلاعات شده و صراحتاً وزارت اطلاعات را در این رابطه مجرم می‌دانند.

آیت‌الله مکارم شیرازی:

دشمنان با ترویج تصوف، انحراف در دین ایجاد می‌کنند  
[http://www.rasanews.com/More\\_News.asp?id=189](http://www.rasanews.com/More_News.asp?id=189)

16 فروردین 1383

آیت‌الله مکارم شیرازی در جلسه فضا و طلاب استان فارس، با اشاره به مشکلات موجود در استان گفتند: متأسفانه صوفی‌گری، بهائیت و وهابیت به طور گسترده‌ای در این استان تبلیغ می‌شود و در مقابل کاری صورت نمی‌گیرد. آیت‌الله مکارم شیرازی گفتند: در این مقطع اهل تسنن در شیراز کوشش می‌کنند که مسجد بزرگتری برای خودشان بسازند و ما مخالف این کار هستیم؛ چنانچه در تهران جلوی همین کار گرفته شد.

ایشان افزودند: ساختن مسجد به این دلیل که برای اهل تسنن محل اجتماعی باشد، پذیرفتنی نیست و اگر شعار برادری می‌دهند، بهتر است در مساجد اهل تشیع نماز بخوانند؛ همانگونه که شیعیان مدینه در مساجد اهل تسنن نماز می‌خوانند تا برادری حفظ شود. و اگر این مسجد ساخته شود، پایگاهی برای القاعده خواهد شد و این خطری است که باید مواظب باشیم.

آیت‌الله مکارم شیرازی با اشاره به افکار تصوف گفتند: تصوف قائل است که دستورات فقهی اهمیتی ندارد، آنچه مهم است صفای باطن و طهارت روح است. صوفی‌گرایی در طول تاریخ، به عنوان یک عامل انحرافی مطرح بود و از سوی دشمنان اسلام ترویج داده شد.

ایشان با اشاره به بیست و چهارم ذی‌الحجه روز مباحله گفتند: این افتخار ماست که اسناد و مدارک شیعه در کتابهای اهل سنت هست و ما افکار و عقایدمان را از آنها استخراج می‌کنیم.

4 اردیبهشت 1383

آیت الله مکارم شیرازی از مراجع تقلید با اشاره به فعالیت فتنه‌انگیز عده‌ای به نام صوفی، خواستار اقدامات جدی مسئولان جهت جلوگیری از ترویج آن شدند.

ایشان روز چهارشنبه در پایان درس خارج فقه خود گفتند: قم چشم و چراغ عالم تشیع است و در روایات از آن به عنوان عشق ال محمد (ص) یاد شده است. ایشان اضافه کردند: همان گونه که جهان تشیع چشمشان به قم دوخته شده است، چشم دشمنان هم به قم دوخته شده است و می‌خواهند آن را خراب کنند. آیت الله مکارم شیرازی با اشاره به اینکه بعضی از مسئولان شهر در خواب هستند و وقتی مردم به راه افتادند، تازه از خواب بیدار می‌شوند، افزودند: صوفیان پشت سر هم اعلامیه پخش می‌کنند و تبلیغ صوفی‌گری می‌کنند؛ جمعیتی که در روایات ائمه معصوم مزمت شده‌اند و علما انحراف اینها را ثابت کرده و سابقه تاریخی بدی هم دارند.

ایشان ادامه دادند جالب این است که در تبلیغات خود نوشته‌اند: درویش و صوفی کسی است که در سیاست دخالت ندارد و این همان خواسته دشمن است؛ یعنی جدایی دین از سیاست زیر پوشش درویش و صوفی‌گری.

ایشان تأکید کردند: من به اینها نصیحت می‌کنم تا تشکیلاتشان را جمع کنند. قم جای این بحثها نیست و اگر جمع نکنند، از طریق دیگر اقدام می‌کنیم. ما دلمان می‌خواهد در این شهر آرامش باشد.

این مرجع تقلید در بخش دیگری از سخنان خود، افزایش مظالم هر فساد در قم را یکی از مهم‌ترین مسائل شهر دانسته و اظهار داشتند: مظالم هر ضد ارزش در قم زیاد شده است؛ به گونه‌ای که می‌خواهند چهره این شهر را از مذهبی بودن بپندازند.

ایشان گفتند: در اطراف حرم و مراکزی که خانه‌های مراجع و دفتر رهبری در آنجا قرار دارد، این مفاسد دیده می‌شود و اخیراً شنیده شده افرادی سگهای کوچکی را همراه خود می‌کشند؛ ما اینها را ساده نمی‌دانیم، اینها می‌خواهند چهره مذهبی شهر قم را خراب کنند.

آیت الله مکارم شیرازی، امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه همه مسئولان دانسته و از جامعه ناصحین خواستند تا از حالت انفعالی خارج شده و با بیان و زبان خویش در این راه فعالیت کنند.

با هدف معرفی چهره و افعی برخی فرقه‌های منحرف؛  
«آن سوی صوفی‌گری» به بازار کتاب عرضه شد

[http://www.rasanews.com/More\\_News.asp?id=5509](http://www.rasanews.com/More_News.asp?id=5509)

27 مرداد 1384

رسا، گروه فرهنگی - انتشارات بوستان کتاب قم، کتاب «آن سوی صوفی‌گری» را منتشر کرد.

به گزارش خبرنگار رسا، انتشارات بوستان کتاب قم، کتاب آن سوی صوفی‌گری نوشته احمد باژیان ساروی را برای گروه تخصصی طلاب و دانشجویان منتشر کرد. صوفی‌گری، مشربی است که با ادعای تهذیب دل و صاف و صیقلی کردن قلب در میان فرقه‌های اسلامی سر بر آورد و به علل و عواملی با این ادعای حق به راه باطل رفت و با اتخاذ شیوه‌های نامناسب و غیر شرعی، آموزه‌های دینی را زیر پا نهاد و در خصوص تعالیم اسلامی، به پندارهای ناصواب دچار گشت.

این کتاب در شش فصل همه جنبه‌های این مشرب را بررسی و موارد لغزش آن را به تفصیل آورده است. فصل یکم به عبارت و معرفت پرداخته است.

فصل دوم مهم‌ترین حجاب‌ها راه را بررسی می‌کند. فصل سوم نمونه‌هایی از طی طریق بزرگان را بیان می‌کند. فصل چهارم ظهور حقیقت را بیان می‌کند.

فصل پنجم به برخی مسائل صوفی‌گری از مجله توکل، حج، سماع و رقص و مانند آن می‌پردازد و فصل ششم دیدگاه رهبران اسلامی را درباره صوفیه بیان می‌کند.

آن سوی صوفی‌گری 307 صفحه دارد و با شمارگان هزار و پانصد نسخه به بازار نشر عرضه شده است.

انتقاد شدید آیت الله نوری همدانی از فعالیت صوفی‌گری در قم

<http://cc.msnsocache.com/cache.aspx?q=2310917719304&lang=en-US&FORM=CVRE2>

<http://www.fardanews.com/shownews.php?id=11749>

<http://mag.gooya.com/society/archives/036037.php>

<http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-585263>

رسا، گروه سیاسی - آیت الله نوری همدانی از مراجع تقلید، امروز با اشاره به پیشینه پیدایش فرقه منحرف صوفیه، آنها را خطری برای اسلام معرفی و از آزادی فعالیت صوفی‌گری در استان قم به شدت انتقاد کردند.

به گزارش خبرنگار رسا، آیت الله نوری همدانی یکشنبه در هفتمین گفتمان مهدویت در قم گفتند: یکی از مشکلات علمای ما از گذشته مسأله صوفی‌گری بوده است. از زمان امام صادق - ع - عده‌ای به نام صوفیه پیدا شدند و امام صادق - ع - اعلام کردند اینها دشمنان ما هستند؛ اگر کسی به آنها گرایش بیابد از دشمنان ما به شمار می‌رود. ولی متأسفانه بعدها جریان‌اتی به وجود آمد که این فرقه منحرف تقویت شدند.

ایشان افزودند: سلاطین برای اینکه چهره خود را دینی مطرح کنند باعث تقویت این گروه می‌شدند. صوفیه هم این پادشاهان را الو الامر می‌دانستند. صوفی‌ها سعی کردند در برابر انمه اطهار - ع - برای خود مشابهی مانند بسطامی و ابوالخیر و دیگران بوجود آورند و از آنان شخصیت برجسته‌ای بسازند. هر کرامتی را که شیعیان برای انمه اطهار - ع - و پیغمبر اسلام - ص - قائل هستند، آنان برای مشایخ خود قائل می‌باشند. مثلاً در کتاب تذکره الاولیاء نوشته شده است که بارها خدا را در خواب دیده‌ام.

این مرجع تقلید گفتند: به تازگی صوفی‌های قم برای بنده چندین برگه ارسال کرده‌اند. اگر پاسخ آنها را ندهیم گمان می‌کنند ما بر کار آنها صحه گذاشته‌ایم و آنها را تأیید کرده‌ایم. ما حوزویان ناچار هستیم پاسخ دهیم. ایشان با اشاره به گرایش‌های صوفیانه مولوی، شاعر نام‌دار افزودند: مولوی از صوفیان بسیار قهار بود. در این برگه‌های ارسالی، از جمله مطالبی که ذکر کرده‌اند، برخی از مثنویات مولوی است. مثلاً این ابیات از مولوی نقل شده است:

«پس به هر دوری ولی‌ای قائم است - آزمایش تا قیامت دائم است  
پس امام حی قائم آن ولی است - خواه از نسل عمر خواه از علی  
است

مهدی هادی وی است ای راه جو - هم نهان و هم نشسته پیش رو»

آیت الله نوری همدانی در ادامه یادآور شدند: اینها ولایت را ولایت نوعی می‌دانند و شخصیت‌های خود را مانند انمه اطهار - ع - قبول دارند و می‌گویند اینها حی مطلق هستند و در خصوص وحدت وجود می‌گویند که پیغمبر اسلام - ص - و امیر مؤمنان حضرت علی - ع - در هر زمانی به صورت یک شخصی در می‌آیند و امروز هم به صورت مقسوم علی شاه گنابادی و مانند آن ظاهر شده‌اند.

ایشان ادامه دادند: حال ما در قم بنشینیم و نگاه کنیم که این افراد این قدر برای صوفیه تبلیغ کنند و برای مراجع تقلید هم بفرستند. ما پیغام دادیم که حضوری بیایند و صحبت کنیم، ولی آنان نیامدند.

گفتنی است پیش از این در پی تبلیغ علنی این گروه منحرف در قم، آیت الله مکارم شیرازی یکی دیگر از مراجع تقلید در خصوص فعالیت آزاد آنها در کنار حوزه علمیه قم خطاب به برخی از دستگاہ‌ها و نهاد‌های ذی ربط هشدار داده بودند، ولی هیچ اقدامی مبنی بر جلوگیری از فعالیت صوفی‌های قم دیده نشد.

گفته می‌شود صوفی‌های قم در یکی از کوچه‌های خیابان ارم از خیابان‌های مرکز شهر قم به صورت آزادانه در حال فعالیت می‌باشند.

دستور نوری همدانی به دستگاہ‌های امنیتی برای برخورد با درویش  
<http://www.javannewspaper.com/1384/840811/internal.htm>

11 آبان 1384

آیت الله نوری همدانی نسبت به تبلیغ علنی درویش گنابادی در شهر قم به شدت انتقاد کرده و از دستگاہ‌های امنیتی خواسته اند نسبت به فعالیت این گروه منحرف برخورد‌های مناسب را داشته باشند

امام جمعه موقت جدید تهران:

جامعه به بیماری بدبینی مبتلا شده است

[http://www.rasanews.com/More\\_News.asp?id=7182](http://www.rasanews.com/More_News.asp?id=7182)

1 دی 1384

رسا، گروه فرهنگی - عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دیشب در درس شرح نهج البلاغه در مدرسه فیضیه قم از فعالیت آزادانه برخی فرقه‌های منحرف در جامعه انتقاد کرد.

به گزارش خبرنگار رسا، حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی در این جلسه تصریح کرد: جامعه به بیماری بدبینی مبتلا شده است.

وی با اشاره به پدیده ظهور مدعیان ارتباط با حضرت حجت (عج) خاطر نشان کرد: این که به محض ادعای ارتباط با امام زمان (عج)، مردم عوام گرد این افراد جمع می‌شوند از آفات جامعه اسلامی است.

عضو هیئت ریسه مجلس خبرگان رهبري افزود: به تازگی کسانی که ادعای خدایی، پیغمبری و امامت داشتند دستگیر شده‌اند.

حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی در ادامه از فعالیت ازادانه فرقه‌های منحرف ابراز نگرانی کرد و خاطر نشان کرد: درویشی‌گری به عنوان جریان منحرف دینی سفره ترویج خود را در سایه فضای باز سال‌های اخیر پهن کرده است. وی با توصیه روحانیون برای تبیین درست آموزه‌های اسلام تأکید کرد: باید جلوی شیادهایی را که به نام‌های صوفی‌گری و مانند آن به اسلام ضربه می‌زنند گرفته شود.

نماینده مردم کرمان در مجلس خبرگان رهبري در ادامه به شرح یکی از خطبه‌های نهج البلاغه در باب توحید پرداخت و در نقد دیدگاه‌های وهابیت در مورد توحید گفت: توحید کنونی به معنای انحراف و هابی‌ها، نقض سنت‌های جهان هستی است. وی افزود: هر خواندن غیر خدایی شرکت نیست، بلکه اگر کسی سراغ امام یا پیغمبری بیاید و آن‌ها را در عرض خدا بداند این قابل قبول نیست، اما اگر در طول خدا بداند این عین توحید است.

مدرس حوزه علمیه قم قرانت و هابیت از توحید را تنگ نظرانه خواند و افزود: بر طبق این نظریه اکثر مسلمان‌ها مشرک و تنها وهابیون موحد هستند.

آیت الله صافی گلپایگانی:

باید به هویت اسلامی خود افتخار کنیم

[http://www.rasanews.com/More\\_News.asp?id=7190](http://www.rasanews.com/More_News.asp?id=7190)

3 دي 1384

رسا، گروه فرهنگی - آیت الله صافی گلپایگانی از مراجع تقلید در دیدار گروهی از طلاب حوزه علمیه بناب اظهار داشت: باید به هویت اسلامی و پیروی از انمه اطهار (ع) افتخار کنیم.

به گزارش خبرنگار رسا، آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی در این دیدار مدارس علمیه سراسر کشور را باعث امیدواری نسبت به آینده جامعه اسلامی دانستند و خاطر نشان کردند: اگر طلاب به علم، عمل و خودسازی اهتمام ورزند جامعه ما در آینده بیشتر عامل به احکام اسلام خواهد بود.

ایشان با بیان اینکه خلوص نیت، منشأ خدمات و نشر معارف آل محمد (ص) است افزودند: طلاب علوم اسلامی باید در خط امام زمان (عج) باشند و نسبت به تأمین مقاصد آن حضرت در جامعه اهتمام داشته باشند.

این مرجع تقلید افزودند: همه باید نسبت به احکام خدا و تکالیف شرعی آگاهی داشته و در ترویج امر به معروف و نهی از منکر کوشا باشند.

ایشان در ادامه به بیان فضیلت علم از دیدگاه مکتب اسلام پرداختند و یادآور شدند: در هیچ مکتبی به اندازه دین مبین اسلام به دانش اهمیت داده نشده است.

استاد دروس خارج حوزه علمیه قم با اشاره به تلاش‌های طاقت فرسای علمای گذشته خاطر نشان کردند: مشکلات سیاسی و اقتصادی علما در دوران‌های گذشته، هیچگاه مانعی برای رسیدن به مقاصدشان نبوده است.

آیت الله صافی گلپایگانی با انتقاد از رواج صوفی‌گری و عرفان‌های کاذب اظهار داشتند: عصر غیبت، دوره امتحان شیعیان است تا افراد با ایمان و ثابت قدم از غیر مؤمنان شناخته شوند.

هجوم به حسینیه در اویش نعمت‌اللهی گنابادی

<http://icchome.org/main/hosseiniieh.aspx>

28 دي 1384

بنا به اطلاع موثق دریافت شده از ایران، نظام حاکم نه تنها در نادیده گرفتن حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد، بلکه به پیروان تشیع و مسلمانان نیز کمترین ترحمی نشان نمیدهد.

شب گذشته در حسینیه در اویش نعمت‌اللهی گنابادی در شهر قم عده‌ای از مأموران انتظامی که تعداد آنان بالغ بر 0? مرد و 0? زن بود حمله ور شده و به ضرب و شتم و دستگیری خشونت‌آمیز حاضران اقدام نموده و همگی آنان را با دستهای بسته به محل نامعلوم منتقل نمودند.

درهای ورودی و خروجی محل را قفل و مهر و موم کرده و سپس منزل حاج آقا احمد شریعت‌شیراز را در قم تحت محاصره قرار دادند و خود ایشان و همسر ایشان را از منزل

خودشان که قدمت صدوپنجاه ساله تعلق به خانواده ایشان دارد اخراج نمودند. اشخاص بازداشت شده در حسینیه شهر قم 11 نفر و اشخاص بازداشت شده در حسینیه بروجرد 7 نفر می باشند. امروز در خیابانهای اطراف حسینیه قم مردم جمع شده و به اقامت نماز جماعت و اعتراض به بازداشتهای مردم بیگناه پرداختند. آقای دکتر نورعلی تابنده قطب سلسله گنابادی در سخنانی که امروز به عنوان بزرگداشت عید غدیر ابراز داشت به این امر و فشار وارده بر پیروان این طریقه اشاره نمود.

نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی با حمله به نمازخانه در اوج نعمت الهی گنابادی در قم 115 نفر را دستگیر کردند  
<http://www.talieh-sepidedaman.com/News/Hamle.htm>  
28 دی 1384

شب عید غدیر نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی در قم به حسینیه سلسله نعمت الهی گنابادی حمله کردند و با مشروب کردن و دستگیری بیش از یکصد تن از نمازگزاران و انتقال آنان به مناطق نامشخص، خود به بر گزاری نماز در محل پرداختند. وضع یکی از مشروبین به نام آقای بهرامی وخیم است و به بخش ای سی یو منتقل شد. خانم سارا یکی از اعضای حسینیه سلسله گنابادی در مصاحبه با رادیو فردا می گوید: چند وقت پیش ابتدا حسینیه اصفهان را دولت گرفت و شیخ اصفهان جناب آقای جذبی را ممنوع الورد کرد. سپس شب عید غدیر تعدادی از مامورین انتظامی ریختند حسینیه قم، حمله ور شدند و 115 نفر را بازداشت کردند، آن محل را مهر و موم و مصادره کردند. وی نمازخواندن ماموران امنیتی در محل غمبی را با مقررات دین اسلام مغایر دانست.

امیر آرمین (rm) صدا | (wma) صدا [ mins 3:14 ]  
شب عید غدیر خم نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی در قم به حسینیه سلسله نعمت الهی گنابادی حمله کردند و با مشروب کردن و دستگیری بیش از یکصد تن از نمازگزاران در حسینیه و انتقال آنان به مناطق نامشخص، خود به بر گزاری نماز در محل پرداختند. وضع یکی از مشروبین به نام آقای بهرامی وخیم است و به بخش ای سی یو منتقل شده. خانم سارا یکی از اعضای حسینیه سلسله گنابادی در مصاحبه با رادیو فردا ضمن اعتراض به حمله نیروهای امنیتی به نمازگزاران حسینیه، از سابقه حمله به حسینیه گنابادی ها در اصفهان می گوید. سارا، عضو حسینیه سلسله گنابادی: چند وقت پیش ابتدا حسینیه اصفهان را دولت می گیرد و شیخ اصفهان جناب آقای جذبی را ممنوع الورد می کنند. سپس در شب 18 ژانویه يك تعدادی از مامورین انتظامی می ریزند حسینیه قم که شیخ قم جناب آقای احمد شریعت هستند و شیخ سلسله شاه نعمت الهی گنابادی هستند. آنجا حمله ور می شوند و 115 نفر را بازداشت می کنند، به نقطه نامشخصی منتقل می کنند و آن محل را مهر و موم و مصادره می کنند. یکی از کسانی که آن شب مورد ضرب و شتم قرار گرفته الان در ای سی یو به سر می برد و حالش وخیم است. این فشار دولت جمهوری اسلامی هیچ ارتباطی به ادیان مختلف ندارد. اینها حتی به کسانی که هم دین و مسلک خودشان هم هستند حمله می کنند. مثلاً در حسینیه چه گفته می شود؟ جز این که نماز خوانده می شود. اینها به همه ظلم می کنند.

۱. آ: فکر می کنید چرا حمله کردند به حسینیه؟

سارا: من هیچ اطلاعی ندارم که چرا حمله کردند. اینها اصلاً کارهایشان دلیل نمی خواهد. همانطوری که به حسینیه اصفهان حمله کردند بدون دلیل. چرا به جایی که وقفی است حمله می کنند. چرا محل را می گیرند و خودشان نماز می خوانند. آیا در اسلامی که اینها قبول دارند نماز خواندن در محل غمبی قبول است؟

۱. آ: آیا اطلاع دارید که اینها با خانواده هایشان تماس داشتند؟

سارا: تا دیشب که من تماس داشتم، اینها هیچ اطلاعی از عزیزانشان نداشتند.

۱. آ: خود آقای شریعت کجا هستند الان؟

سارا: الان آقای شریعت فکر می کنم تهران منزل دخترشان تشریف دارند.

۱. آ: به خود ایشان نگفتند چرا این کار را کردند؟

سارا: نه، ولی این نقشه ای بوده که از پیش داشتند.



اشغال حسینیه در اویش گنابادی در قم توسط اداره اطلاعات قم  
<http://82.182.32.11/onlynews/modules.php?name=News&file=print&sid=21381>  
<http://www.gozareshgar.com/?location=read&id=6201>  
<http://www.didgah.net/mainHogh.php>  
<http://www.didgah.net/hoghAghaliyatM.php>  
<http://www.roshangari.net/as/ds.cgi?art=20060121111815.html>  
<http://www.roshangari.com/as/ds.cgi?art=20050219122454.html>  
<http://www.iransos.com/gozaresh/01.06/21.01/dravish.htm>

29 دي 1384

عوامل اداره اطلاعات تحت نام هینت متوسلین به علي اصغر اقدام به اشغال حسینیه در اویش گنابادی نمودند

در اویش نعمت اللهی سلطانعلیشا هی گنابادی در قم از هفتاد سال پیش در منزل شخصی حاج سید محمد شریعت از مشایخ سلسله گنابادی برگزار می‌گردید. پس از فوت نامبرده فرزندش حاج سید احمد شریعت در منزل پدر مجالس یاد خدا و توسل به انمه هدی را برگزار می‌کرد. نامبرده در 1380 با الحاق يك باب ملك خریداری شده در همسایگی ملك فوق اقدام به تجدید بنای حسینیه نمود. ابتدا شهرداری با پروانه ساختمانی 10/1/11195 با این تجدید بنا موافقت نمود و بنا ساخته شد. وقتی اداره اطلاعات از تجدید بنای حسینیه آگاه شد با تهدید مالك در 30 دي 1381 با یورش به محل حسینیه واقع در خیابان ارم نبش کوچه شریعت اقدام به تخریب حسینیه مذکور نموده آن را لاک و مهر کرد. این عملیات توسط اداره اطلاعات قم اجرا شد و ماموران اقدام به کندن دریاها و شکستن شیشه ها و تخریب پنجره ها نمودند و نهایتا با لاک و مهر کردن درب حسینیه محل را ترك کردند. در روز چهارشنبه 28 دي 1384 عوامل اداره اطلاعات تحت نام هینت متوسلین به علي اصغر با همراهی نیروی انتظامی اقدام به اشغال حسینیه در اویش نمودند. این عملیات بدون حکم قانونی قضائی انجام شد حضرت علي اصغر علیه السلام ننگ دارد از اینکه چنین غاصبینی به او متوسل شوند و مال وقف و حسینیه موقوفه را به بهانه نام او غصب کنند. هر مسلمانی میدانند که تجاوز به مال وقف بدر از خوردن مال حرام است.

روز پنج شنبه 29 دي 1384 مصادف با عيد سعید غدیر دسته دسته در اویش برای توسل به حضرت امیر المومنین به حسینیه مزبور آمدند که با غاصبینی مسلمان نما مواجه شدند.

همزمان در 28 دي 1384 اطلاعات خرم آباد اقدام به یورش برای اشغال محل تشکیل مجالس در اویش گنابادی در خرم آباد نمود و اقدام به پلمب کردن درب محل مذکور کرد و وقتی متوجه شد صدها نفر داخل منزل هستند از عمل غیرقانونی خود شرمند شده و ماموران اقدام به ضرب و شتم در اویش کردند. چند نفر از در اویش مضروب و هشت نفر از جمله حاج مسعود وحدت و سیا هپوش از در اویش آن شهر را بازداشت کردند و در اویش در کوچه های اطراف نماز برگزار کردند. همزمان با این عملیات حسن جنت و عبدالعلی هوشمند و مدیری توسط اداره اطلاعات بروجرده احضار و ارباب شدند که حق خروج از شهر ندارند. برای انجام این تجاوز اداره اطلاعات قم اقدامات زیر را انجام داده تا ملك موقوفه در اویش را تصرف نماید:

- 1- تجهیز اداره اطلاعات قم برای پروژه ضربه زدن به در اویش گنابادی
- 2- هماهنگی با چند اخوند برای صدور فتوا بر علیه در اویش
- 3- هماهنگی با کمیسیون ماده 100 برای تخریب حسینیه
- 4- هماهنگی با فرماندار قم
- 5- هماهنگی با شهرداری قم
- 6- هماهنگی با نیروی انتظامی قم
- 7- هماهنگی با دادگستری قم
- 8- هماهنگی با نماینده وزارت کشور
- 9- هماهنگی با نماینده شورای اسلامی
- 10- هماهنگی با رئیس شعبه 4 دادگاه عمومی حقوقی استان قم
- 11- هماهنگی با اداره اوقاف قم
- 12- هماهنگی با نماینده ولی فقیه
- 13- هماهنگی با حراست اداره کل اوقاف استان
- 14- هماهنگی با اداره کل تحقیق اوقاف و امور خیریه استان تهران
- 15- هماهنگی با دادگاه تجدید نظر استان قم
- 16- تشکیل گروه هینت ساختگی متوسلین به علي اصغر
- 17- هماهنگی با ادارات اطلاعات شهرهای مختلف برای جلوگیری از واکنش در اویش
- 18- هماهنگی با وزارت
- 19- تامین مالی پروژه
- 20- بعلاوه دهها اقدام مرتبط دیگر

واضح است که این همه تلاش آنها برای بستن يك حسینیه با 670 متر زمین حتما باید دلایلی غیر از آنچه که اظهار میشود داشته باشد. این اقدامات مانند اقداماتی است که وزارت اطلاعات در ابتدای دولت خاتمی برای آسیب زدن به

حاکمیت انجام داد تا بلکه در اویش را وسیله ایجاد نا ارامی در کشور نماید. این بار نیز دولت احمدی نژاد هدف این توطئه شده است. مسلماً این اقدامات توسط همان واپس مانده های سعید امامی در وزارت اطلاعات صورت میگیرد اگر مقامات کشور با این گروه‌های متخلف برخورد نکنند باید منتظر عواقب سوزناک این خاطیان باشند.

افزایش فشار بر گروه‌های مذهبی دگراندیش

<http://www.mizanne.com/archives/001068.html#more>

<http://news.gooya.com/politics/archives/042807.php>

<http://cc.msnscache.com/cache.aspx?q=2811096038945&lang=en-US&mkt=en-US&FORM=CVRE>

2 بهمن 1384

افزایش فشار بر گروه‌های مذهبی دگراندیش

یکشنبه؟ بهمن، میزان نیوز: به دنبال بالا گرفتن فشارها به گروه‌های مذهبی که تفکراتی متفاوت با حاکمیت دارند در ماه‌های اخیر، هفته گذشته یکی از حسینیه‌های در اویش سلسله نعمت‌اللهی گنابادی در قم توسط گروهی ناشناس تصرف عدوانی شده است.

دکتر هرسینی وکیل این پرونده با اعلام این خبر به خبرنگار میزان نیوز افزود چهارشنبه هفته گذشته (28 دی 1384) گروهی ناشناس که خود را وابسته به یک هیات مذهبی می‌دانند حسینیه‌ای را که برای مجالس در اویش نعمت‌اللهی استفاده می‌شده متصرف شدند و اقدام به ساخت و ساز در آن نموده‌اند. این دفتر همچنین تأکید نمود که مراجعات مکرر صاحبان ملک به نهادهای مختلف برای بازیگری مکان تاکنون هیچ نتیجه‌ای نداشته است و متصرفان همچنان در محل این حسینیه در خیابان ارم قم حضور دارند. در ماه‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری با فشارهای مستقیم و غیرمستقیم بسیاری از جلسات مذهبی دگراندیشان در شهرهای مختلف ناچار به تعطیلی شده‌اند که از آن جمله می‌توان: حمله و بازداشت نمازگزاران در نماز جمعه به امامت مصطفی طباطبایی- فشار برای تعطیلی جلسات قرآن با سابقه دهها ساله آقای شعار در تبریز- تعطیل نمودن جلسات قرآن و نماز جمعه دکتر سیدعلی اصغر غروی در اصفهان را نام برد.

حمله در اویش به ماموران غاصب اداره اطلاعات و پسگیری حسینیه در اویش گنابادی در قم

<http://82.182.32.11/onlynews/modules.php?name=News&file=article&sid=21460>

<http://www.roshangari.net/as/sitedata/20060127142840/20060127142840.html>

7 بهمن 1384

روز چهارشنبه 28 دی 1384 عوامل اداره اطلاعات تحت نام هیئت متوسلین به علی اصغر با همراهی نیروی انتظامی اقدام به اشغال حسینیه در اویش در قم نموده بودند و در این عملیات چند تن از در اویش در اثر مقابله با آنها زخمی و تعدادی بازداشت شدند. منجمله در اویش پیرمردی به نام بهرامی در اثر ضرب و شتم ماموران گروه فشار اطلاعات قم به بیمارستان منتقل و در حال بیهوشی است و اوضاع او وخیم گزارش شده است. ماموران گروه فشار که متعلق به اطلاعات قم بودند 6 نفر از در اویش قم را نیز بازداشت نمودند و پس از چهار روز بازداشت و اذیت در ساعت 11 شب روز شنبه 1 بهمن آزاد نمودند. غاصبین برای تصرف حسینیه اقدام به کشیدن یک دیوار با بلوک و سیمان نمودند تا ارتباط در اویش با حسینیه قطع شود.

گروه فشار وزارت اطلاعات شامل یکانهای رزمی مسلح مشتمل بر حدود یکصد نفر افراد ورزیده برای مقابله با شورشهای شهری با نصب 12 دستگاه دوربین و تجهیزات مدار بسته در درون حسینیه و دوربینهای متعدد در خارج از حسینیه اقدام به کنترل رفت و آمد در اویش نمودند. در اویش که روز به روز بر تعدادشان افزوده میشد در کوچه‌های اطراف اجتماع نمودند و مجالس درویشی را در حاشیه حسینیه تشکیل دادند.

در اویش در هفته گذشته اقدام به مراجعه به تمام نهادهای قانونی نمودند تا مهاجمین را بیرون نمایند ولی تمام ارگانها از وظیفه قانونی خود سر باز زدند و اظهار بی اطلاعی نمودند. در اویش که با توسل به راههای قانونی به نتیجه‌ای نرسیدند در روز چهارشنبه 5 بهمن در ساعت 13 بطور خودجوش علی‌گویان به حسینیه خود یورش برده و با غاصبان برخورد کردند. فرمانده گروه فشار اداره اطلاعات کتک سختی خورد و التماس کرد که در اویش به او و افرادش رحم کنند و آنها را نکشند. در اویش نیز چند لحظه به آنها فرصت دادند تا حسینیه را ترک نمایند. در این اقدام در اویش تمام وسائل سمعی و بصری و دوربینها و مانیتورها و کامپیوتری که مهاجمین با خود آورده بودند را خرد کرده و دیوار کشیده شده توسط گروه فشار را از بین برده و آجرهای آن را بر سر بام حسینیه بردند تا

اگر غاصبین مجددا حمله کردند به آنها پاسخ دهند. در اویش فرشتهای غاصبین را نیز از حسینیه بیرون ریختند و گفتند ما روی فرش مردم نماز نمیخوانیم. مأموران گروه فشار آنقدر ترسیده بودند که همه وسایل و سلاحهای خود را رها کرده و فرار کردند. گفته شده است که در اویش آنچنان نام علی علیه السلام را بلند گفتند و به حسینیه یورش بردند که تعدادی از مأموران فشار از هوش رفتند و باقی آنها با رنگهای پریده بر پای خود میلرزیدند. گفتنی است مأموری نیز خود را خیس کرد که بعد از تصرف حسینیه توسط در اویش، در اویش اقدام با ایکشی محل نمودند. یکانهای کمکی گروه فشار در خارج از حسینیه نیز با باطوم اقدام به ضرب و شتم در اویش کردند و هرکس که شارب داشت را بازداشت میکردند ولی افزایش تعداد در اویش به چند هزار نفر عملاً عرصه را بر نیروهای فشار و لباس شخصیها و نیروی انتظامی تنگ کرد و ترجیح دادند تا حسینیه را رها و فرار نمایند. مأمورین گروه فشار اداره اطلاعات هنگام فرار تجهیزات خود منجمله چندین قبضه سلاح یوزی و کلاشینکف و کلت کمري و دستگاه های بی سیم و دوربینهای متعدد و تلویزیون مدار بسته و وسایل شخصی و دسته های کلید خود را رها کرده و از محل گریختند.

گفتنی است که مدتی قبل اداره اطلاعات یکی از در اویش را احضار کرده بود و پس از زدن سه سیلی به گوش وی او را با آوردنکی از اداره اطلاعات اخراج کرده بود. در همان روز بازپسگیری حسینیه توسط در اویش همان درویش با همان مأمور برخورد میکند. درویش مزبور به وی میگوید دستور قصاص در اسلام است و سه سیلی به مأمور اطلاعات میزند و او را با آوردنکی از حسینیه بیرون می اندارد. عصر همان روز اقامه نماز جماعت توسط دکتر حسن شریعت با تعداد چند هزار نفر از در اویش گنابادی در حسینیه قم برگزار شد. و این درحالی است که در اویش با تشکیل گروههای مراقبت در کشیکهای متعدد از حسینیه خود حفاظت میکنند. در اویش گنابادی که همواره با اعمال غیرقانونی عناصر خودسر وزارت اطلاعات و سایر ارگانها برخورد و به آنها درس قانون میدهند این بار نیز با برخورد با این عناصر خودسر که بگ سر آنها متصل به بیگانگان است و با تفرقه در میان مسلمین نزد اربابان اجنبی خود خورشقی می کنند درس تبعیت از قانون بیاموزند. در اویش مزبور که برای حفظ حقوق حقه خود از شهرهای مختلف به قم آمده اند در حسینیه بیئونه نموده و تعداد آنها بالغ بر چند هزار نفر است. مجلس فقري در اویش که مجلس یاد خدا است در شب جمعه 6 بهمن با نهایت نظم و ترتیب برگزار گردید.

گفتنی است مدیر کل اطلاعات قم در تماس تلفنی با وکیل در اویش به نام حرسیبی وی را تهدید کرده که اگر در اویش قم را ترک نکنند با او بشدت برخورد خواهند کرد. حرسیبی که ابتدا از این موضوع احساس نگرانی کرده بود به همه در اویش گفته بود که محل را ترک کنند ولی وقتی از نیرنگ اطلاعات و عدم توانایی قانونی آنها آگاه شد مجدد به همه در اویش اطلاع داده که قم را ترک نمایند و اداره اطلاعات قم به دلیل برخورد غیرقانونی اش در تصرف حسینیه و اخلال در نظم عمومی مجرم است و از طرف دادستان قابل تعقیب میباشد. در این ارتباط وکیل در اویش سرگرم تهیه لوایح قانونی بر علیه آمرین این قائله بوده و در آئینه نزدیک اقامه دعوا تقدیم مراجع قضایی خواهد شد. در این ارتباط وی یادآور شد اینبار در اویش قصد گذش و عفو خاطیان را ندارند و تا پایان پرونده را دنبال خواهند کرد تا اینگونه عناصر خودسر را از مصدر امور اخراج نموده و با قانون آنها را مجازات نمایند.

لازم به ذکر است که اطلاعات درود در این ارتباط اقدام به احضار در اویشی مینماید که از قم به درود رفته بودند. منجمله جمشید لک را در روز یکشنبه 2 دی احضار و وی را تحت شکنجه قرار میدهند و در اثر ضربات زیادی که به فک وی وارد آوردند یک دندان نامبرده شکسته و دهان او بشدت زخمی و وی تحت معالجه قرار دارد. جمشید لک به تمام مقامات مسول کشور شکایت نموده و به مسولان کشور هشدار داده که اینگونه ظلم ها ناپایداری حکومت میشود و فاعلان این اعمال به قصد مشغول ناراضی تراشی هستند تا نظام را دچار مشکلات داخلی نمایند. لازم به ذکر است تهدیدات تلفنی اداره اطلاعات درود سبب شده که زن و فرزند آن وی نیز منزل را ترک و متواری باشند.

اشغال غیر قانونی حسینیه شریعت (مکان اجتماعات مذهبی و درویشی در اویش  
سلسله نعمت الهی گنابادی در شهر قم)  
<http://noorhagh.blogfa.com/8411.aspx>

12 بهمن 1384

دو روز قبل از فرا رسیدن عید بزرگ شیعیان غدیر خم نیروهای امنیتی و اطلاعاتی شهرستان قم ضمن یورش غیرقانونی به حسینیه در اویش گنابادی واقع در خیابان ارم کوی شریعت به ضرب و شتم خادمان این حسینیه پرداختند و سپس دیوار بتونی حایلی جلوی درب این حسینیه احداث نموده و خود نیز حسینیه را اشغال و دوربین مدار بسته ای بر بالای دیوار نصب نمودند لازم به ذکر است این حسینیه که هنوز افتتاح نشده است بخشی از حیاط منزل شخصی آقای سید احمد شریعت قمی است که از مشایخ عظام سلسله نعمت الهی گنابادی در شهر قم میباشد که ایشان این حسینیه را وقف خاص در اویش گنابادی در شهر قم جهت مراسمات مذهبی اعیاد و عزاداری و اجتماعات فقري نموده اند این بنا با خرج شخصی ایشان و اجازه رسمی مراجع قا

نونی و ذبصلاح احدات شده است در پی این عمل غیر قانونی نیروهای امنیتی شهر قم هزاران تن از درویش گنابادی و پیروان این سلسله از شهرهای مختلف با عزیمت به قم و اجتماع خاموش در کوی شریعت اعتراض خود را به این عمل غیر قانونی اعلام داشتند چند روز بعد از این قضیه هنگامیکه اندک اندک به افراد حاضر اضافه میشد درویش اقدام به شکستن دیوار نموده و حسینیه را از اشغال نیروهای اطلاعاتی ازاد نموده و نیروهای اطلاعاتی نیز مکان را ترک گفتند با پیگیریهای متعدد حقوقی و فقهی مشخص شد نیروهای اشغالگر از سوی هیچ مرجع قانونی و اجازه ای برای این عمل نداشته اند تنها چند روز بعد از ازاد سازی حسینیه شریعت اداره اطلاعات و نیروی انتظامی شهر قم پس از محاصره محل توسط نیروهای انتظامی و اطلاعاتی به افراد حاضر در حسینیه التیماتوم داده شد که ظرف 48 ساعت اقدام به تخلیه حسینیه نموده و آن را تحویل دهند که با مقاومت افراد حاضر این هشدار نیز بی اثر گردیده است البته اداره مذکور تهدید نموده که بعد از مراسم تاسوعا و عاشورای حسینی به اقدامات خود صورت جدی تری خواهد بخشید این اولین باری نیست که در شهر قم نیروهای اداره اطلاعات اقدام به ازار و اذیت درویش این سلسله مینماید سال گذشته نیز هنگامیکه ساختمان حسینیه هنوز کامل نشده بود این نیروها تحت تاثیر بعضی روحانیون متحجر و مخالف صوفیه اقدام به پلمپ این حسینیه نموده که بعد از مدتی با پیگیریهای حقوقی آقای شریعت شیخ درویش گنابادی از این بنا رفع پلمپ شد

سرنوشت حسینیه درویش در قم همچنان در ابهام  
<http://www.mizanneews.com/archives/001143.html>

یکشنبه ?? بهمن  
میزان نیوز: در پی تصرف عدوانی حسینیه درویش نعمت الهی گنابادی توسط گروهی ناشناس و بازپس گیری این مکان توسط درویش از صبح امروز پرسنل نیروی انتظامی با مسدود نمودن مسیر منتهی به این حسینیه مانع از ورود درویش به حسینیه مذکور شدند.  
در پی این اقدام برخی از درویش که در محل حسینیه حضور داشتند از خروج خودداری نمودند و از ساعاتی پیش جمعی دیگر از آنها نیز با شنیدن خبر به سوی حسینیه آمدند که با ممانعت نیروی انتظامی از ورود آنان در خیابان ارم تجمع نموده اند و این تجمع باعث بوجود آمدن ترافیک در این خیابان شده است.  
گزارشها حاکی است که در پی افزودن شدن بر تعداد درویش معترض در محل آقای رودکی نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس در تماسی با وزیر کشور خواستار حل موضوع شده و با ارجاع این مساله از سوی وزارت کشور به استانداری هم اکنون نمایندگان درویش در محل استانداری مشغول مذاکره با استاندار و سایر مسوولین محلی هستند.

گروهی با تجمع در مقابل حسینیه درویش قم خواستار تصرف حسینیه و اخراج درویش شدند  
<http://hamedmottaghi.blogfa.com/post-183.aspx>

23 بهمن 1384  
ظهر امروز (یکشنبه) گروهی با تجمع در مقابل حسینیه درویش نعمت الهی قم واقع در خیابان ارم این شهر با سردادن شعارهایی خواستار تصرف این حسینیه شدند.  
این گروه که خود را مردم قم معرفی می کردند و بنا بر برآورد ناظران حدود صد نفر تخمین زده شدند با سردادن شعارهایی خواستار اخراج درویش از شهر شدند. تجمع کنندگان همچنین در حالی به سردادن شعارهایی چون "شریعت حیا کن شهر قم را رها کن" برعلیه "شریعت" یکی از "قطب" های درویش سلسله نعمت الهی پرداختند که نزد درویش "قطب" از مقام بلندپایه روحانی همچون مراجع مذهبی برخوردار است.  
تجمع کنندگان همچنین به نیروی انتظامی اولتیماتوم دادند که اگر تا فردا درویش را اخراج نکرده و حسینیه را تصرف نکنند، حسینیه را تحت هر شرایطی فتح می کنند.  
گفتنی است در میان تجمع کنندگان شنیده می شد که از حسینیه درویش با نام 'خانه شیطان' نام می برند.  
لازم به ذکر است این حسینیه که با هزینه شخصی و کمک های علاقمندان ساخته شده محل برگزاری آیین های مذهبی درویش می باشد که بارها از سوی مراکز مختلف پلمپ شده است. این حسینیه آخرین بار در شب عید غدیرخم پلمپ و در اختیار یک هیئت مذهبی نزدیک به یکی از مداحان قرار گرفت و پس از چند روز دوباره بازستانده شد.  
حساسیت های اخیر راجع به حضور و مراسم درویش قم در پی انتقادات مکرر یک مرجع مذهبی پیرامون فعالیت این افراد شدت گرفته است.

اخبار نامساعد و بسیار تندي از نقل قول هاي تجمع امروز به گوش مي رسد كه براي جلوگیری از تحريك در متن خبر نياوردم. اما ياد آوري مي كنم كه "جان" انسان، حيثيت انسان و عقیده انسان بواسطه انسان بودن قابل احترام است و تعدی به هر کدام از اينها گناهی است نابخشودنی و خود نوعی جنایت است.

\*\*\*

بعد التحریر: گزارش مفصل و عكس هاي وبلاگ خدای من را كه در صحنه حاضر بوده بخوانید.

شعارهاي اين تجمع به نقل از وبلاگ خدای من: "صوفيه حيا كن شهر قم را رها كن، شريعت حيا كن شهر قم را رها كن، اين مسجد ضرار است، تخریب باید گردد، اسلام انگلیسی نابود باید گردد"

این درویش در قم!

<http://khodayeman.blogfa.com/post-71.aspx>

يكشنبه 23 بهمن 1384

صوفي، درویش، علی الهی، اهل حق، اهل طریقت و... صفاتی و القابی است كه عده ای از شیعیان سالهای سال است به خود گرفته اند و با ما زندگی می کنند. اغلب رفتار و عقایدشان مثل دیگر شیعیان است لیکن اکثراً با سیبیل بلند و علاقه زیاد به امیرالمومنین است كه در میان عامه مردم شناخته می شوند. این افراد كه فرقه ها و گروه های مختلفی هستند و عقایدشان بسیار به دیگر شیعیان نزدیک است، از سوي رسانه ها و سیاست رسمي کشور بایکوت شده و مردم نیز اگر رابطه ای خاص با آنان نداشته باشند از آنها بی خبرند. اما بعد از سالها، این روزها درویش ها در قم خبرساز شده اند... (من نه گزارش نویس و خبرنگارم، نه درویش و سمیات آنها، اما چون در حق این عده ظلم می شود و کسی بدان توجه نمی کند، وظیفه ام دانستم حداقل در این جا و به طور محدود در این باره بنویسم).

يکي از بزرگان و مشایخ درویش به نام ((شریعت)) كه سالهاست در قم زندگی می کند و فردی محترم و با ابرو می باشد چند سالی است در خیابان ارم قم (حوالی حرم و کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی)، قطعه زمینی را خریداری کرده و حسینیه ای را ساخته است كه خود و دوستانش بهتر بتوانند مراسم و نماز و عزاداری های خود را انجام دهند. سالهای قبل نیز در محرم و عید غدیر و... برنامه های مختلفی داشتند و بی سر و صدا مناسک و مراسم خویش را برگزار می کردند و البته گاهی هم ممانعت هایی برای آنها وجود داشته است. اما از عید غدیر امسال عده ای بسیجی و حزب الهی حسینیه آنان را تصاحب کرده و در آن سینه زنی راه انداخته و مثلاً آن را تسخیر کردند كه ظاهراً نیروهای امنیتی و قضایی قم گفته بودند ما در این قضیه دخالتی نداریم. این مسئله انعكاس زیادی در رسانه ها نداشت ظنم سکوت از تنها وبلاگ هایی بود كه بدان پرداخت. ... اما با همت آقای شریعت و طرفداران او كه از شهرهای مختلف آمده بودند، حسینیه پس گرفته شد و در آن عزاداری برگزار شد. اما بعد از عاشورا، دوباره عده ای با این عنوان كه صوف باطل و منحرف و این حسینیه خانه شیطان است، قصد تصرف دوباره حسینیه را داشتند كه این بار نیز شریعت با فراخوانی طرفدارانش از شهرهای مختلف خصوصاً شهرهای كردنشین، مانع این كار شده است. صدها نفر از درویش از امروز ظهر در قم در کنار حسینیه تحصن کردند و هر لحظه بر تعدادشان افزوده شد. پیاده روی های خیابان ارم ملو از طرفداران این فرقه بود كه ساکت و آرام نشسته بودند و عكس امام و رهبري و عكس شهدایشان را بلند کرده بودند با این منظور كه ما هیچ قصد و غرض سیاسی نداریم. حكومت را قبول داریم و شهید داده ایم و اکنون تنها حسینیه مان را می خواهیم... اعتراضی مدتی و بی سر و صدا را دنبال می کردند... در مقابل اما عده ای بسیجی و حزب الهی به تدریج جمع شدند، مقابل متحصنین تجمع کردند، اعلامیه هایی پخش می کردند مبنی بر باطل و منحرف بودن صوفیان و كم كم شروع به شعار کردند. شعار می دادند: مرگ بر صوف، به گفته مراجع تصوف، فتنه انگلیس است، صوفیه حیا كن شهر قم را رها كن، شریعت حیا كن شهر قم را رها كن، این مسجد ضرار است، تخریب باید گردد، اسلام انگلیسی نابود باید گردد و... كم كم پلیس نیز به جمع اضافه شد و ده ها پلیس دو طرف خیابان را بستند و ترافیک كل خیابان های اطراف حرم را فرا گرفت و بر تعداد بسیجی ها نیز به تدریج اضافه شد كه شاید تا آخر به ??? نفر رسید كه حدود يك سوم جمعیت صوفي ها بود و شاید هزار نفری هم تماشاگر ماجرا بود. به هر حال بعد از مدتی شعار و... و البته سكوت مطلق صوفیها، جمعیت بسیجی با بلندگو اعلام کردند كه نیروی انتظامی به ما قول داده امشب هم صوفي ها از اینجا بروند و هم حسینیه تخلیه شود، اگر تا فردا چنین نشد ما زن و مرد، فردا خودمان اینجا را تخلیه می کنیم.

جالب اینجا بود كه از هر دو طرف، عده ای در جمعیت تماشاگر به طور خصوصی و جمع های چند نفره صحبت می کردند، برخی روحانیون و بسیجی ها، می گفتند كه اینها علی الهی هستند، كافرند، در حسینیه شان عزاداری نمی كنند بلکه كارهای بسیار سخیف انجام می دهند، اینها فقط اهل طریقت و ظاهرند و شریعت واقعی را فراموش کرده اند و اینجا خانه شیطانی است و مراجع گفته اند باید اینها بروند و...

از آن طرف يکي از درویش ها می گفت ما هم مثل شما شیعه هستیم، 12 امام را

قبول داریم، منتظر امام زمان هستیم، مراجع تقلید را هم قبول داریم، فقط می‌گوییم، شیعه باید غیر از مرجع شریعت، مرجع طریقت هم داشته باشد و یکسری کارهای دیگر انجام می‌دهیم، باید دائم الوضو باشیم، باید رو به قبله بخوابیم، قبل از خواب و بعد از خواب شهادتین بگوییم، یک ساعت قبل از اذان صبح عبادت کنیم و... ما دنبال اتحاد مسلمین هستیم و در اینجا هم فقط عزاداری می‌کنیم و برای امام حسین روضه می‌گیریم...  
به هر حال در روزهای آینده معلوم می‌شود که با این گروه چه خواهند کرد، تحمل خواهند شد یا نه؟

اما برخی مسائل در این میان بیشتر قابل توجه است:  
اول انحصار طلبی که در این مملکت در حال رونق است. صدها سال دروایش و صوفی‌ها به دین و مذهب و شریعت خود بوده‌اند، اما اکنون پذیرفته نمی‌شوند...  
مثل عزادارانی که در میدان مادر تهران، شام غریبان را برپا می‌کنند... مثل سیاستمدارانی که هر روز حذف می‌شوند... مثل مراجع تقلیدی که فاسق و ساده لوح نامیده می‌شوند و... بعضی خیال می‌کنند، خود حق مطلقند و حال اگر حق مطلقند و بقیه باطل، آن بقیه حق نفس کشیدن نیز ندارند... ما در کتابها و بحث‌های روشنفکری مان، شمول‌گرایی را روشی حداقلی می‌دانیم و در پی پلورالیسم هستیم، اما سردمداران دین و برخی حافظان اسلام، با نفی شمول و با نفی پذیرش دیگران، انحصار طلبی را به حد اعلائی خود رسانده‌اند.

دوم، نفی حقوق اقلیت‌ها است، اقلیت‌های دینی و مذهبی در ایران از حقوق ناچیزی برخوردارند... کاری به غرب و شرق و حقوق بشر در آنجا ندارم، اما از لحاظ انسانی و کرامت و شرافت ذاتی انسان، حتی شیعیانی که تنها در برخی ظواهر با ما متفاوتند، حق آزادی بیان و عمل ندارند. آنها نه تنها از حق داشتن رادیو، روزنامه، کتاب و نشریه و... محرومند و نمی‌توانند به تبلیغ عقاید و انجام مناسک در ملا عام پردازند که حسینه‌ای که برای عزاداری امام حسین ساخته‌اند نیز باید تسخیر شود. آنها چنان در بایکوت مطلق به سر می‌برند که عامه مردم و حتی تحصیل کرده‌ها نیز از مثنی و روش و مناسک آنها بی‌خبرند...  
جالب بود امشب در پاسخ به سوال جوانی که می‌گفت: اینها چه کسانی هستند،  
گفتم: صوفی و درویش، می‌گفت یعنی همان و هابی!!

سوم استیصال و انفعال نیروهای انتظامی در قبال جمعی است که خود را حزب الهی نامیده‌اند... آنها سالهاست هر چه می‌خواهند می‌کنند، سخنرانی‌ها را به هم می‌زنند، حسینه آیت الله منتظری را تسخیر می‌کنند در حالی که قرآن و مفاتیح را پاره می‌کنند، وزرای دولت را کتک می‌زنند، سیلی به آیت الله صانعی می‌زنند، نماز جمعه اصفهان را متشنج می‌کنند، حجابیان را ترور می‌کنند، کوی دانشگاه تهران را به خاک و خون می‌کشند و کشور را با بحران مواجه می‌کنند، در انتخابات دخالت می‌کنند و به قول شکست خورده بزرگ انتخابات، صندوق‌های پر از رای تقلبی را با موتور جابجا می‌کنند، سفارت خانه‌ها را آتش می‌زنند، حسینه یک عده صوفی ساکت و بی‌سروصدا را تسخیر می‌کنند و امشب نیز خیابان را می‌بندند و شعار می‌دهند و شهر را متشنج می‌کنند، اما دریغ از یک برخورد حتی کوچک! دریغ از یک حکم قضایی! امشب نیز به نیروی انتظامی نشر می‌زنند که اقتدار! اقتدار! اقدام انقلابی! بگذارید اینجا را نیز با خاک یکسان کنیم که البته اگر دستور برسد، این را نیز می‌کنند! اینان اگر به حکومت وابسته‌اند که تنها عامل ضعف آن هستند، اگر وابسته نیستند پس چرا اینگونه؟! ما نیز اگر به اقداماتشان توجه کنیم، خودشیفته و خوشحال می‌شوند، اگر رهایشان کنیم نیز هر چه بخواهند می‌کنند... خائمی هم آمد و رفت نتوانست این وضعیت را خلاصی دهد، نمی‌دانم چه هنگام انحصار و انحصار طلبی در ایران ما خاموش خواهد شد؟ و چه هنگام دفاع نیروهای کشوری و لشکری از آنان پایان خواهد پذیرفت؟ واضح و روشن است دفاع نیروهای انتظامی و امنیتی از اینان! وقتی از سخنرانان داشتیم عکس می‌گرفتم، یکی دستم را گرفت و برد پیش یک حاجی‌ای، چند نفر هم دورش بودند، مثلاً به من اینطور القا کردند که نیروهای امنیتی و اطلاعاتی هستند! گفت برای چی عکس می‌گیری؟ گفتم همینجوری، دوست دارم! در حالی که یکی شان داشت به موبایلم ور می‌رفت، حاجی گفت: بچه کجایی؟ گفتم: قم، آن یکی گفت: بچه کی هستی؟! در حالی که داشتیم موبایل را به زحمت از آن یکی می‌گرفتم، گفتم: بچه هر کی! بچه بابام هستم! و در حالی که جمعیت در حال متفرق شدن بود، من هم سریع سرم را زیر انداختم و رفتم!  
اکنون نگران فردای این دروایش در قم هستم! درویش‌هایی که امشب احتمالاً در همان پیاده‌رو خوابیده‌اند! و البته فردا معلوم نیست در کجا؟! درویش‌هایی که هیچ تناسب و اشتراک فکری با آنان ندارم، مذهب آنان را عمدتاً فشری و ظاهری می‌دانم، اما بدانها حق می‌دهم آن چه می‌خواهند باشند!  
برای دیدن عکسهای گروه فشار به آدرس این خبر مراجعه کنید

نحمن در اویش گنابادی در قم و تهدیدهای گروه فشار

<http://www.roshangari.net/as/ds.cgi?art=20060213172327.html>

<http://www.mellimazhabi.org/news/022006news/0213dravishe.htm>

در پی تصرف مجدد حسینیہ قم در 5 بهمن 84 توسط دراویش گنابادی اداره اطلاعات قم ضمن تماسهای مکرر وکلای دراویش را تحت فشار قرار داد تا دراویش حسینیہ را ترک نمایند. در این ارتباط وکلای دراویش متشکل از 4 حقوقدان به نامهای دکتر غلامرضا هرسینی امیر اسلامی فرشید یداللهی و امید بهروزی به مدت 4 روز از 17 تا 20 بهمن بازداشت شدند. مأموران اطلاعات ضرب العجل تعیین کرده بودند تا در تاریخ 23 بهمن دراویش حسینیہ را تخلیه و تحویل گروه فاطمیہ نمایند و تهدید کرده بودند اگر حسینیہ را تحویل ننمایند دراویش را در حسینیہ زندانی نموده و آب و برق و گاز را نیز قطع خواهیم کرد گروه فاطمیہ که تحت پوشش این نام خود را قرار داده اند از پرسنل اداره اطلاعات قم میباشند که مسلحانه حسینیہ دراویش را در 28 دی سال جاری تصرف نموده بودند.

روز 23 بهمن در ساعت 11 صبح خودروهای گارد ضد شورش در محوطه مستقر و راههای منتهی به حسینیہ را مسدود نمودند. دراویش با اطلاع از این اقدام از شهرهای مختلف به سمت قم حرکت نمودند و تعداد آنها در ساعت 6 بعد از ظهر به چند هزار نفر مرد و زن رسید که سرتاسر خیابان ارم قم را اشغال و هنگام مغرب اقدام به برپائی نماز کردند. در ساعت 7 شب گروه فشار با لباس شخصی مشتمل بر بیش از 400 نفر با بی سیم به محل وارد و در ضلع شمالی خیابان ارم مستقر و با بلندگو اقدام به دادن شعارهای اهانت آمیز برعلیه صوفیہ نمودند. هدف گروه فشار تحریک دراویش برای ایجاد درگیری بود تا بدین وسیله نیروی ضدشورش که در 50 دستگاه خودرو در نزدیکی محل متوقف و آماده حمله بودند به صحنه وارد شده تا کوی دانشگاه دیگری را خلق نمایند. نیروی انتظامی برای جلوگیری از درگیری در بین دراویش و گروه فشار صف کشید. رهبر گروه فشار در ساعت 11 شب با بلندگو به همکاران خود اعلام کرد تا فردا ساعت 3 بعد از ظهر به دراویش مهلت میدهم تا اینجا را ترک کنند و حسینیہ را تحویل نمایند در غیر این صورت به آنها حمله خواهیم کرد. گفتنی است که با توجه به اینکه قشر دراویش به صحت عمل در ایران معروفند مقابله و برخورد با آنان سبب دو دستگی در نیروهای دولتی و امنیتی و انتظامی و حتی گروه فشار پدید آورده. حاجی زاده معاون سیاسی استانداری قم اظهار داشت که من از کودکی حاج سید محمد شریعت که این حسینیہ را وقف کرده میشناسم و او مانند پدری مهربان نسبت به همه ما بود و الان خودم خجالت میکشم که در سمت و دستگاهی قرار گرفتم که با اهل ذکر اینگونه برخورد میکند. وی به دراویش گفته بود که بشدت از این وقایع نگران است و اختیاری در کنترل امور در رابطه با گروه فشار ندارد زیرا این گروه از حقوقگیران علما و وزارت اطلاعات و تحت امر آنها هستند و هزینه های شرکت در این جریان را نیز خود وزارت اطلاعات از طریق علما و یا مستقیماً به آنها پرداخت میکند. سردار حسین صالحی فرمانده نیروی انتظامی قم نیز ضمن ابراز تأسف از لجاجت نیروهای اطلاعات و با ابراز اینکه متحصنین مهمان مردم و مسئولین قم هستند دستور داد تا چندین دستگاه اتوبوس به محل آورند تا لاقط متحصنین زن را برای استراحت به مهمانسرا ببرند. دراویش قبول نکرده و همچنان با سرمای زیاد شب را تا صبح در محل ماندند. قابل ذکر است در میان متحصنین افراد سالخورده زیادی نیز مشاهده میشوند. سرهنگ سجادیان فرمانده کلانتری شهدا قم که در دستگیری و بازداشت وکلای دراویش طبق دستور جعفری معاون دادستان قم عمل نکرد از سمت خود عزل و برای پاسخگویی به فرماندهی ناجا در تهران اعزام گردید. نامبرده اظهار داشته که حضرت معصومه را در خواب زیارت کرده که فرموده اینها مهمانان من هستند و از آنها پذیرائی کن. سجادیان موظف شده بود با اذیت و ازار وکلای دراویش آنها را تحت فشار قرار دهد. اهالی قم ضمن اظهار همدردی با درویشان ابراز میدارند که در جهان فعلی کشورهای بزرگ قصد از بین بردن کشور ما را دارند و دولت ما به جای رفع مشکلات بین المللی و اقتصادی کشور نیروهایش را برای گرفتن حسینیہ درویشها تجهیز کرده است.

محاصره حسینیہ دراویش گنابادی در قم توسط نیروی انتظامی (11 صبح دوشنبه 24 بهمن)

<http://82.182.32.11/onlynews/modules.php?name=News&file=article&sid=21607>

دراویش گنابادی شب یکشنبه 23 بهمن را همینگونه در پیاده رو خیابان ارم به صبح رسانیدند و در هنگام اذان صبح وضو گرفته و به نماز مشغول شدند. نیروی انتظامی با مشاهده انسجام و وحدت دراویش اتوبوسهای پارک شده را از محل دور کرده و با حصول اطمینان از اینکه دراویش قصد شورش و اختشاش نداشته و تنها قصدشان حفظ حسینیہ شان می باشد صحنه را ترک کردند.

دراویش گنابادی همچنان در خیابان ارم حضور دارند تا حسینیہ شان آزاد گردد

هشدار داده اند که ما کاری به رهبر و رئیس جمهور نداریم و اگر تا ساعت 3 بعد از ظهر امروز دوشنبه 24 بهمن 1384 در اویش حسینی را تخلیه نکنند حسینی را به آتش خواهیم کشید .  
لینکهای مرتبط با این موضوع در اینترنت عبارتند از :

<http://www.mehdis.com/tablu/search.php?topic=47> -1

<http://khodayeman.blogfa.com/post-71.aspx> -2

<http://hamedmottaghi.blogfa.com/post-183.aspx> -3

محاصره حسینی در اویش گنابادی در قم توسط نیروی انتظامی (ساعت 11:45 عصر - جدید)

<http://82.182.32.11/onlynews/modules.php?name=News&file=article&sid=21599>

24 بهمن ساعت 11:45

روز یکشنبه 23 بهمن 1384 در ساعت 10 صبح حسینی در اویش گنابادی قم که در روز چهارشنبه 5 بهمن 1384 از مأموران غاصب اداره اطلاعات باز پس گرفته شده بود توسط نیروی انتظامی شهر قم محاصره گردیده و از ورود و خروج در اویش به حسینی مذکور ممانعت بعمل آمد . پس از این اقدام نیروی انتظامی در اویشی که خارج از حسینی بودند در خیابان ارم تحصن نمودند که تعداد این در اویش تا ساعت 10 شب بالغ بر هزار نفر بوده و رفته رفته به این تعداد افزوده می شود . پس از تحصن در اویش گنابادی تعدادی لباس شخصی تحت عنوان هیئت فاطمیون و به نام بسیجی با شعارهای " مرگ بر صوفیه " و " صوفیه صوفیه حیا کن شهر قمو رها کن " از در اویش گنابادی استقبال بعمل آوردند . در حالیکه هیچک از در اویش پاسخی به عمل آنها نمی دادند . تعداد 7 الی 8 نفر از گارد ضد شورش نیروی انتظامی شهر قم نیز در مقابل در اویش گنابادی آماده حمله به سر برده و ظاهراً نیروی انتظامی نیز به درگیری میان هیئت اخیرالذکر و در اویش دامن می زند . همچنین نیروی انتظامی مبادرت به پارک تعداد زیادی اتوبوس در خیابان درست روبروی در اویش نموده و ظاهراً با این عمل می خواهد این صحنه را از دید عموم مخفی دارد و در صورت لزوم برای انتقال در اویش به ... از آنها استفاده نماید .  
شایان ذکر است که بطور مداوم نیروهای نفوذی اطلاعات داخل در اویش مشغول تجسس و رایزنی می باشند .

محاصره حسینی در اویش گنابادی در قم توسط نیروی انتظامی

<http://mehdis.com/tablu/modules.php?name=News&file=article&sid=21597>

روز یکشنبه 23 بهمن 1384 در ساعت 10 صبح حسینی در اویش گنابادی قم که در روز چهارشنبه 5 بهمن 1384 توسط در اویش از مأموران غاصب اداره اطلاعات باز پس گرفته شده بود توسط نیروی انتظامی شهر قم محاصره گردیده و از ورود و خروج در اویش به حسینی مذکور ممانعت بعمل آمد . پس از این اقدام نیروی انتظامی در اویشی که خارج از حسینی بودند در خیابان ارم تحصن نمودند که تعداد این در اویش تا ساعت 10 شب بالغ بر هزار نفر بوده و رفته رفته به این تعداد افزوده می شود . پس از تحصن در اویش گنابادی تعدادی لباس شخصی تحت عنوان بسیجی با شعارهای " مرگ بر صوفیه " و " صوفیه صوفیه حیا کن شهر قمو رها کن " از در اویش گنابادی استقبال بعمل آوردند . تعداد 7 الی 8 نفر از گارد ضد شورش نیروی انتظامی شهر قم نیز در مقابل در اویش گنابادی آماده حمله به سر می برند . تعدادی اتوبوس نیز در نزدیکی محل برای انتقال در اویش به ... محیا گردیده است . بطور مداوم نیروهای نفوذی اطلاعات داخل در اویش مشغول رایزنی می باشند .

حمله به حسینی در اویش گنابادی (ساعت 16:30 روز دوشنبه 24 بهمن 1384)

<http://82.182.32.11/onlynews/modules.php?name=News&file=print&sid=21609>

در ساعت 15:30 روز دوشنبه 24 بهمن 1384 افراد منتسب به هیئت فاطمیون با نصب آمپلی فایر در مقابل در اویش گنابادی مجدداً به شعارهای نامربوط خود پرداخته و جالب اینکه نیروی انتظامی شهر قم بجای اینکه جلوی شعارهای این عوامل را بگیرد و به ایشان تذکر دهد به در اویش تذکر داده و به آنها هشدار داده اند که در صورت ادامه تجمع آنها را متفرق خواهند ساخت .  
و بالاخره افرادی که به نام هیئت فاطمیون به شعار بر علیه صوفیه مبادرت ورزیده بودند با همکاری نیروی انتظامی شهر قم در ساعت 16:30 روز دوشنبه 24 بهمن 1384 به حسینی در اویش گنابادی حمله ور شده و ایجاد درگیری نمودند .



آخرین اخبار در مورد حمله به حسینیه در اویش گنابادی (ساعت 17:30 دوشنبه 24 بهمن)  
<http://mehdis.com/tablu/modules.php?name=News&file=article&sid=21610>

همزمان با همکاری نیروی انتظامی با هیئت فاطمیون در حمله به حسینیه در اویش گنابادی شهر قم برق منطقه قطع و نیروهای انتظامی مبادرت به پرتاب گاز اشک آور به داخل حسینیه نموده و تعداد 7 الی 8 دستگاه اتوبوس مملو از درویش را با چشمان اشک آلود به پادگانی نظامی در حوالی شهر قم منتقل نمودند.

حمله به جماعت درویشان و فقرا در قم

منبع: پیک ایران

<http://www.didgah.net/maghalehMatnKamelHogh.php?id=10523>

24 بهمن 1384

گزارش دریافتی: دقایقی قبل (ساعت 17:30 - بوقت ایران - دوشنبه 24 بهمن) خبر رسیده که نیروهای دولتی و انصار مورد حمایت دولت به جماعت درویش و فقرای سلسله نعمت الهی در قم که در حسینیه درویش و اطراف آن مکان آرام نشسته بوده اند یورش برده و به شدت آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده و اقدام به بازداشت عده ای از آنها نمودند.

ساعت 19:15 دقیقه ... حملات با انواع سلاحهای سرد از قبیل شیشه، باتوم، چماق، سنگ و غیره و گاز اشک آور به شکلی بسیار ادامه داشته و حتی به زنها و بچه ها هم رحمی نشده است و شدیداً مضروب شده اند ... احتمال گشته شدن تعدادی هم هست ... بسیاری را پس از ضرب و شتم و جرح شدید به اتوبوس ریخته و به نقاطی نامعلوم برده اند ... نیروهای انتظامی و لباس شخصی در قالب انصار به هیچکس رحم نکرده اند ... مجروحین، مضروبین بسیار زیاد هستند و تماس با تقریباً تمامی آنها که در داخل این جماعت کثیر می شناختیم قطع شده است ... بسیاری با ارسال اس ام اس از خانواده های خود حلالیت طلبیده و خداحافظی کرده اند ... این اعمال آغاز یک حرکت حساب شده و شدید و خونین در داخل کشور است که یقیناً به نقاط دیگر هم کشیده خواهد شد ...

محاصره حسینیه شریعت در قم

هیچ کس و هیچ عقیده و آئینی از سرکوب رژیم در امان نیست

<http://www.roshangari.net/as/ds.cgi?art=20060213014328.html>

روشنگرزی، از سرکوب جمهوری اسلامی هیچکس در امان نیست. نه مسلمان نه بی خدا، نه کارگر نه دانشجو نه زن و بچه کارگر و دانشجو. در زیر گزارش حمله به حسینیه در اویش قم را که با ای میل رسیده می خوانید. عکس ها را می توانید در این آدرس ببینید:

<http://khodayeman.blogfa.com/post-71.aspx>

24 بهمن 1384

موج حمله نیروهای انتظامی و اطلاعاتی استان قم و محاصره حسینیه شریعت در قم، جنگ حق و باطل

تهدید نیروهای اداره اطلاعات و نیروهای انتظامی به کشتن و حمله مسلحانه در ساعت 15 روز دوشنبه مورخ 24/11/84 به حسینیه شریعت در شهر قم به تحصن کنندگان مرد و زن، پیر و جوان و کودکان بی گناه، که مجهز به سلاح ایمان، با قلبهای پراز عشق و اقی به حضرت علی و خاندانش می باشند.

در روز یکشنبه مورخ 23/11/84 حلقه محاصره حسینیه را تنگ تر کرده اند و اجازه ورود و خروج از حسینیه شریعت واقع در شهر قم را به تحصن کنندگان نداده و ارتباط داخل و خارج از حسینیه را قطع کرده اند به طوری که تحصن کنندگان که در خارج از حسینیه می باشند مجبور شدند نماز ظهر، مغرب و اعشاء را در پیاده روهای خیابان ارم و کوچه های اطراف حسینیه شریعت برگزار کنند.

در روز چهارشنبه مورخ 28/10/84 مصادف با عید غدیر خم بعد از اتمام ساخت حسینیه و پس گذشت دو سال از پلم حسینیه نوساز شریعت در قم و منع برگزاری مراسم مذهبی و عزاداری حضرت ابی عبدالله حسین و در پی تقاضای مکرر جناب آقای شریعت جهت برگزاری مراسم محرم در حسینیه وقف شده توسط پدر بزرگوار ایشان، به فتوای آقایان آیت ... فاضل لنکرانی، آیت ... مکارم شیرازی، آیت ... نورانی و آیت ... صافی گلپایگانی جهت تصرف مال وقف شده عده ای از اعیاد ایشان که از مأمورین اطلاعاتی بودند به عنوان مردم عادی به حسینیه در اویش سلسله نعمت الهی گنابادی حمله ور شده و با شکستن پلمب درب آن محل را تصرف عدوانی کرده و در حین برگزاری جشن و مراسم به اصطلاح مذهبی اقدام به بردن تجهیزات استراق سمع و اسلحه و ایجاد یک پایگاه اطلاعاتی کردند. با ساخت دیوار مابین بعضی از قسمت های حسینیه و در بها، چندین خادم زن و دو کودک هفت ماهه از درویش سلسله نعمت الهی گنابادی در قسمتی از حسینیه سکنی گزیدند و حاضر! به خروج از حسینیه نشده بودند راحیس کردند در طی چهار روز اول تصرف به خانواده های زنان

و کودکان اجازه دادند برای ایشان غذا ببرند بدون اینکه ملاقاتی داشته باشند پس از این مدت به مدت سه روز هرگونه ارتباط را قطع کردند و این زنان و کودکان بدون آب و غذا ماندن تا اینکه پس از بکتهفته از شهرهای مختلف در اویش اعم از زن و مرد با خانواده هایشان جهت کمک و پس گرفتن حق قانونی خود برای اعتراض به این عمل و تحصن به قم عزیمت کردند و با دلیر مردی چند تن از زنان با ایمان با اصمال زور و فشار درب را باز کردند و به همراه مردان حسینه را از تصرف نیروهای اطلاعاتی خارج کردند. و پس از آن گروه گروه از شهرهای مختلف جهت حفظ و دفاع از حق قانونی و ایمانشان به قم سفر کرده و به خیل تحصن کنندگان می پیوستند در طی این مدت مکرراً از طرف نیروهای اطلاعاتی و انتظامی تهدید می شدند. آنان می خواست ایجاد رعب و وحشت در بین تحصن کنندگان آنان را متفرق کنند و موفق به این امر نشده این شیعیان واقعی حضرت علی و ارادت مندان به ائمه اطهار در عین آرامش و ادب به پربانی مراسم عزاداری و مراسم مذهبی نموده اند. نیروهای اطلاعاتی و نیروی های انتظامی در ادامه تهدیدات خود با صدور فتوی بعضی از علمای اسلام نما غیر واقعی چه در ایران و چه در خارج از کشور که حکم به تصرف حسینه و مال وقف داده اند در روزیکشنبه مورخ 23/11/84 حلقه محاصره خود را بیشتر کرده اند با پیاده کردن نیرو در اطراف حسینه شریعت تهدید کرده با زور اسلحه و کشتن تحصن کنندگان ایشان را متفرقه کرده و حسینه را تصرف خواهند کردند. آنان یک عده از ایادی خود مجهز به چوب و چماق کرده اند و با داد شعار و هتک حرمت تحصن کنندگان می خواهند جو را ستنج کنند تا مقاصد خود را اعمال کنند. علمای واقعی اسلام فتوی دادند که تجاوز به حسینه و مال وقف حرام شرعی می باشد.

تسنج و شلیک گاز اشک آور در جریان بستن حسینه در اویش در شهر قم خبرگزاری انتخاب: مقاومت چندین روزه در اویش نعمت الهی در مقابل تعطیلی حسینه مربوط به آنها، امروز با تشدید تحریکات گروههای رادیکال که با شعار مرگ بر صوفیه در محل حاضر بودند، به خشونت کشیده شد و پلیس برای کنترل اوضاع به طور مکرر به شلیک گاز اشک آور اقدام کرد.

<http://www.entekhab.ir/display/?ID=14814&page=1>

24 بهمن 1384

به گزارش خبرنگار خبرگزاری انتخاب از شهر قم، پس از آن رخ داد که مأموران انتظامی شهر قم با محاصره حسینه در اویشهای نعمت الهی در کوچه شریعت خیابان ارم قم تلاش کردند تا این حسینه را تعطیل کنند، و با مقاومت طرفداران این فرقه مواجه شدند. در اویش این فرقه در حالی که عکس هایی از امام خمینی (قده) آیه الله خامنه ای (مدظله) و شهدای صوفیه در جنگ تحمیلی را به همراه داشتند، به آنچه آنها به عنوان اقدامات غیر قانونی و اشاعه خشونت و تنفر (که از شعارهای "مرگ بر صوفیه" برخی حاضران نشأت می گرفت) اعتراض کردند و این گونه اقدامات و بستن حسینه آنها را مغایر با وحدت ملی دانستند.

گفتنی است، پس از تعطیلی حسینه در اویش پیش از عید غدیر سال جاری، در حمله گروهی که خود را حزب الله می خواند آنان با شورای تأمین این استان به توافق رسیدند تا پس از مهلت دهه اول ماه محرم، حسینه مذکور را ترک کنند. با این حال، مسئول فرقه در قم شماری از هواداران خود را از شهرستان فراخواند تا با حضور در جوار این محل، از بسته شدن آن جلوگیری کنند. نیروی انتظامی نیز با استقرار یگان ویژه ضربت و قرار دادن 10 دستگاه اتوبوس تلاش کرد تا این نا آرامی گسترش نیابد. اما شعارهای مرگ بر صوفیه گروهی که خود را حزب الله قم می نامیدند، و سنگ پرانی دوسویه دخالت پلیس را قابل توجیه کرد.

این تجمع که بنا به گفته در اویش، قرار بر اعتراض آرام و آرامش و سکوت در مقابل تحریکات طرف مقابل و شعارهای «مرگ بر صوفیه» بوده است، سرانجام عصر امروز با تشدید تحریکات از هر دو سو به تسنج کشیده شد، به طوری که پلیس برای آرام کردن اوضاع دخالت کرد.

بنا به همین گزارش نیروهای ویژه پس از بستن راههای منتهی به حسینه در حالی که به تجهیزات ضد شورش مجهز بودند برای کنترل اوضاع در چندین نوبت اقدام به شلیک گاز اشک آور کردند.

خبرنگار «انتخاب» می افزاید: گفته می شود در اثر شلیک های متعدد گاز اشک آور آثار عوارض ناشی از آن تا محله های دیگر و حتی بیوت برخی مراجع احساس می شود.

از سوی دیگر ماجرای امروز از سوی در اویش چنین گزارش شده است: در پی تصرف مجدد حسینه قم در 5 بهمن 84 توسط در اویش گنابادی اداره اطلاعات قم ضمن تماسهای مکرر و کلای در اویش را تحت فشار قرار داد تا در اویش حسینه را ترک نمایند. در این ارتباط و کلای در اویش متشکل از 4 حقوقدان به نامهای دکتر غلامرضا هرسینی امیر اسلامی فرشید بدالهی و امید بهروزی به مدت 4

روز از 17 تا 20 بهمن بازداشت شدند. مأموران اطلاعات ضرب العجل تعیین کرده بودند تا در تاریخ 23 بهمن در اویش حسینه را تخلیه و تحویل گروه فاطمیه نمایند و تهدید کرده بودند اگر حسینه را تحویل نمایند در اویش را در حسینه

زندگانی نموده و آب و برق و گاز را نیز قطع خواهیم کرد گروه فاطمیه که تحت پوشش این نام خود را قرار داده اند از پرسنل اداره اطلاعات قم میباشند که مسلحانه حسینیه در اویش را در 28 دی سال جاری تصرف نموده بودند. روز 23 بهمن در ساعت 11 صبح خودروهای گارد ضد شورش در محوطه مستقر و راههای منتهی به حسینیه را مسدود نمودند. در اویش با اطلاع از این اقدام از شهرهای مختلف به سمت قم حرکت نمودند و تعداد آنها در ساعت 6 بعد از ظهر به چند

هزار نفر مرد و زن رسید که سرتاسر خیابان ارم قم را اشغال و هنگام مغرب اقدام به برپایی نماز کردند. در ساعت 7 شب گروه فشار با لباس شخصی مشتمل بر

بیش از 400 نفر با بی سیم به محل وارد و در ضلع شمالی خیابان ارم مستقر و با بلندگو اقدام به دادن شعارهای اهانت آمیز بر علیه صوفیه نمودند. هدف گروه فشار تحریک در اویش برای ایجاد درگیری بود تا بدین وسیله نیروی ضد شورش که در 50 دستگاه خودرو در نزدیکی محل متوقف و آماده حمله بودند به صحنه وارد شده تا کوی دانشگاه دیگری را خلق نمایند. نیروی انتظامی برای جلوگیری از درگیری در بین در اویش و گروه فشار صف کشید.

رهبر گروه فشار در ساعت 11 شب با بلندگو به همکاران خود اعلام کرد تا فردا ساعت 3 بعد از ظهر به در اویش مهلت میدهم تا اینجا را ترک کنند و حسینیه را تحویل نمایند در غیر این صورت به آنها حمله خواهیم کرد.

گفتنی است که با توجه به اینکه قشر در اویش به صحت عمل در ایران معروفند مقابله و برخورد با آنان سبب دو دستگی در نیروهای دولتی و امنیتی و انتظامی

و حتی گروه فشار پدید آورده. حاجی زاده معاون سیاسی استانداری قم اظهار داشت که من از کودکی حاج سید محمد شریعت که این حسینیه را وقف کرده میشناسم

و او مانند پدری مهربان نسبت به همه ما بود و الآن خودم خجالت میکشم که در سمت و دستگاهی قرار گرفتم که با اهل ذکر اینگونه برخورد میکند. وی به در اویش گفته بود که بشدت از این وقایع نگران است و اختیاری در کنترل امور در

رابطه با گروه فشار ندارد زیرا این گروه از حقوقگیران علما و وزارت اطلاعات و تحت امر آنها هستند و هزینه های شرکت در این جریان را نیز خود وزارت

اطلاعات از طریق علما و یا مستقیماً به آنها پرداخت میکند. سردار حسین صالحی فرمانده نیروی انتظامی قم نیز ضمن ابراز تأسف از لجاجت نیروهای اطلاعات و با ابراز اینکه متخصصین مهمان مردم و مسئولین قم هستند دستور داد تا چندین دستگاه اتوبوس به محل آورند تا لاقلاً متخصصین زن را برای استراحت به مهمانسرا ببرند. در اویش قبول نکرده و همچنان با سرمای زیاد

شب را تا صبح در محل ماندند. قابل ذکر است در میان متخصصین افراد سالخورده زیادی نیز مشاهده میشوند.

سرهنگ سجادیان فرمانده کلانتری شهدا قم که در دستگیری و بازداشت وکلای در اویش طبق دستور جعفری معاون دادستان قم عمل نکرد از سمت خود عزل و برای پاسخگویی به فرماندهی ناجا در تهران اعزام گردید. نامبرده اظهار داشته که حضرت معصومه را در خواب زیارت کرده که فرموده اینها مهمانان من هستند و از آنها پذیرایی کن. سجادیان موظف شده بود با اذیت و آزار وکلای در اویش آنها را تحت فشار قرار دهد.

اهالی قم ضمن اظهار همدردی با درویشان ابراز میدارند که در جهان فعلی کشورهای بزرگ قصد از بین بردن کشور ما را دارند و دولت ما به جای رفع مشکلات

بین المللی و اقتصادی کشور نیروهایش را برای گرفتن حسینیه درویشها تجهیز کرده است.

حمله گروه فشار به در اویش متحصن در قم  
25 بهمن 1384

همزمان با پایان فرصتی که فرمانده گروه فشار به در اویش متحصن در قم که غالب بر ده هزار نفر میشدند سرهنگ سجادی فرمانده نیروهای انتظامی مستقر در محل با آخرین سخنرانی خود در ساعت 4 بعد از ظهر روز 24 بهمن به در اویش گفت فرمانده گروه فشار به ما دستور داده است تا کنار برویم تا گروه فشار وارد عمل شود.

لحظاتی بعد گروه فشار اقدام به حمله به در اویش نموده و به ضرب و شتم آنها پرداختند. تعداد بسیار زیادی از در اویش زخمی و مجروح کرده اند. هنوز از آمار دقیقی از مجروحین و تلفات در دست نیست ولی تعداد زخمیها به صدها نفر میرسد. نیروی انتظامی ضمن همکاری با گروه فشار اقدام به دستگیری در اویش نموده و آنها را بازداشت نمود و با اتوبوس به مقر سپاه قم و هلال احمر بردند. تعداد در اویش دستگیر شده بیش از چند هزار نفر است. گروه فشار و نیروی انتظامی با پرتاب گاز اشک آور سعی به متفرق کردن در اویش

نمود. حجم عملیات برعلیه در اویش آنقدر زیاد است که منطقه خیابانهای ارم و معلم و صفاییه را دود گرفته است. گروه فشار در ساعت 8 شب با به آتش کشیدن مغازه کتابفروشی جنب حسینیه و مطب دکتر حسن شریعت به قسمت زنانه حسینیه حمله کرده و با شکستن دربها وارد حسینیه شده و پس از ضرب و شتم زنان در اویش آنها را بازداشت نموده است. سپس در ساعت 9 شب به قسمت مردانه حمله کرده و با شکستن و خوردن حسینیه نهایتاً حسینیه را با پرتاب تعداد بسیار زیادی کوکتل مولوتف آتش کشیدند.

شاهدان حاضر ابراز میداشته اند که گروه فشار رفتار به شدت خشنی داشت و هنگام حمله به در اویش بیرحمانه و به قصد کشتن به آنها حمله میکردند. مثالی را که گروه زیادی شاهد آن بودند این بود که گروه فشار در اویش را چنان مصدوم کرده بودند که بر زمین افتاده بود. ولی گروه فشار او را بر زمین کشانده و صورتش را درون آتش مشتعل شده ناشی از کوکتل مولوتفها کردند. گفته میشود که تعدادی از در اویش مرد و زن که دکتر طب و جراح بودند در داخل حسینیه مشغول کمک به مصدومین بودند.

شاهدان عینی ماجرا ابراز میدارند نیروهای لباس شخصی شبانه بدون حکم قضایی به منازل در اویش حمله کرده و جستجوی خانه به خانه را برای دستگیری در اویش آغاز نموده اند. نیروی انتظامی کارت تلفن همراه تمام بازداشت شدگان را قیچی و یا ضبط کرده است

گروه فشار نهایتاً در ساعت 3 بعد از نیمه شب موفق به دستگیری در اویش شد و پس از آن همسر شیخ در اویش حاج سید احمد شریعت را از منزل بیرون کشیده و اقدام به غارت و سپس تخریب منزل وی کردند.

در حال حاضر گروه فشار با آوردن چند دستگاه لودر و کامیون در حال تخریب حسینیه در اویش میباشد. تعداد زخمیها بسیار زیاد است که به بیمارستانهای اطراف منجمله بیمارستانهای کامکار و نکوهی و طباطبایی و خرم منتقل شده اند.

مسئولین یکی از بیمارستانها تعداد مصدومین را بیش از 100 نفر در آن بیمارستان اعلام کرده است. از تعداد کشته شدگان هنوز خبری در دست نیست ولی شاهدان عینی تعدادی از مجروحان را دیده اند که در داخل پتو پیچیده و از حسینیه خارج و به بیرون منتقل نموده اند.

نیروی انتظامی زنان بازداشت شده را با اتوبوس روانه تهران نموده است ولی همچنان مردان را در بازداشت نگه داشته است. تعدادی مفقود هستند و از سرنوشت آنان خبری در دست نیست. برخی از در اویش تیر خورده اند که گفته میشود که اغلب از سمت باز و پا گلوله وارد شده و توسط تیراندازهای نیروی انتظامی شلیک شده است. یکی از مصدومان در اویش که از پشت بام به پائین پرتاب شده است دچار شکستگی کم و ستون فقرات شده است. برخی از مصدومان در محل بازداشت دچار وخامت حال شدند که حدود 10 نفر آنان را از یکی از بازداشتگاهها خارج و به بیمارستان منتقل میکنند. یکی از این افراد محمود رحیمی نام دارد که حالش وخیم میباشد.

شاهدان عینی ماجرا ابراز میدارند که نیروهای پلیس اول اجازه دادند تا گروههای فشار وارد عمل شوند و به شدت در اویش را مضروب سازند و سپس نیروی انتظامی وارد کار شده و اقدام به دستگیری در اویش مجروح نمود. شاهدان ابراز میدارند پس از اختتام عملیات فرمانده گروه فشار همراه با فرمانده نیروی انتظامی و همراه رئیس اطلاعات قم هر سه متحداً بازداشت شدگان را سوار اتوبوس میکردند. جالب توجه است که براساس گزارشات رسیده کسی از افراد گروه فشار بازداشت نشده و آنها آزادانه در محل رفت و آمد میکنند.

----- Yahoo! Groups Sponsor -----  
Join modern day disciples reach the disfigured and poor with hope and healing  
<http://us.click.yahoo.com/lMct6A/Vp3LAA/ilhLAA/BYrrlB/TM>  
-----

Yahoo! Groups Links

<\*> To visit your group on the web, go to  
[/http://groups.yahoo.com/group/daravish\\_gonabadi](http://groups.yahoo.com/group/daravish_gonabadi)

<\*> To unsubscribe from this group, send an email to  
[daravish\\_gonabadi-unsubscribe@yahoogroups.com](mailto:daravish_gonabadi-unsubscribe@yahoogroups.com)

<\*> Your use of Yahoo! Groups is subject to  
[/http://docs.yahoo.com/info/terms](http://docs.yahoo.com/info/terms)

خبر

تشریح وقایع مربوط به تخریب کامل خانقاه و منزل شریعت در قم

اعتماد ملی، سرهنگ پاسدار محمد باوفا معاون اجتماعی و ارشاد فرماندهی انتظامی استان قم وقایع مربوط به تخریب خانقاه و منزل شریعت را تشریح کرد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، سرهنگ باوفا در این باره اظهار داشت: به دنبال تصویب شورای تأمین استان قم مبنی بر تخریب خانقاه و منزل شریعت که به صورت غیرقانونی ساخته شده بود عوامل شهرداری با سیخ امکانات فنی نسبت به تخریب محل فوقی وارد عمل شدند. باوفا تصریح کرد: از آنجا که احتمال داده می شد این عملیات به درگیری بینجامد تدابیر خاص امنیتی و انتظامی نسبت به این موضوع اندیشیده شد و عوامل اطلاعاتی نیز در این خصوص فعال شدند.

معاون اجتماعی استان قم در ادامه اظهار داشت: با اعزام عوامل شهرداری به محل مشاهده شد تعداد زیادی از درویش که ۹۰ درصد آنان غیربومی بودند در محل منزل شریعت تجمع کرده و از انجام فعالیت شهرداری جلوگیری می کنند. باوفا افزود: بدین ترتیب ماموران نیروی انتظامی وارد عمل شدند و با چند دستگاه اتوبوس شروع به انتقال درویش از محل کردند که در این بین چند نفر از آنان که در پشت بام های اطراف مستقر شده بودند شروع به سنگ پراکنی به ماموران کردند. وی ادامه داد: در این بین چند نفر از ماموران و مردم حاضر در محل مصدوم شدند که برای معالجه به بیمارستان اعزام شدند. همچنین مهاجمان نیز توسط ماموران انتظامی دستگیر شدند و به مرکز انتقال یافتند. معاون اجتماعی و ارشاد فرماندهی انتظامی قم در پایان به تخریب کامل ساختمان و خانقاه شریعت اشاره کرد و افزود: به دلیل نوساز بودن خانقاه شریعت زمان بیشتری صرف شد تا این بنا تخریب گردد.

۱۲  
روزنامه اعتماد ملی ۲۹ شهریور  
سرهنگ باوفا تشریح کرد که شورای  
تأمین استان قم تخریب خانقاه و منزل آقای  
شریعت را از قبیل تصویب کرده بود

:To vakysondertrubai@yahoo.com

:From "vakyson dubai" &lt;vaksonwertdubai@yahoo.com&gt;

:Date (Wed, 15 Feb 2006 00:25:44 -0800 (PST

:Subject [daravish\_gonabadi] آخرین جلسه در اویش گنابادی با استانداری قم پیش از حمله گروه فشار به حسینیه در اویش

آخرین جلسه در اویش گنابادی با استانداری قم پیش از حمله گروه فشار به حسینیه در اویش

این جلسه به درخواست در اویش گنابادی حاضر در قم در ساعت 4 بعد از ظهر 23 بهمن 84 در محل استانداری قم تشکیل گردید. در این جلسه حاجی زاده معاون سیاسی امنیتی قم و سردار صالحی جانشین فرمانده نیروی انتظامی قم و سرهنگ محمدی مسؤل اطلاعات نیروی انتظامی و مدیر امنیتی استانداری با حضور چند نفر از در اویش گنابادی تشکیل گردید.

در اویش: ابتدا ضمن معرفی خود و سوابق فعالیت‌های خود در دوران جنگ شامل حضور در جبهه‌ها و مسئولیت‌های مختلف اعلام کردند که همه حیثیت و وجود خود را صرف اعتلای اسلام نموده و مهمترین نگرانی خود را حفظ اسلام و وحدت مسلمین و توسعه و پیشرفت ایران عزیز میدانند. حاضرین در جلسه و فقرای حاضر در حسینیه و خیابان به هیچ وجه علاقمند به کشمکش و درگیری با هیچ کس نیستند و آزارشان به احدی نمیرسد و در شرایط حاضر فقط دغدغه دفاع از حق خود یعنی استفاده از حسینیه‌ای را دارند که خود برای ساخت آن هزینه کرده‌اند و حداقل به اندازه کمکی که برای ساخت آن کرده‌اند خود را محق میدانند. در ارتباط با فعالیت‌های هسته‌ای موقعیت ایران در صحنه بین المللی بسیار شکننده است و به مصلحت نیست که در شرایط فعلی مسئله حسینیه در اویش حاد شود.

حاجی زاده: مقامات امنیتی استان و شخصیت‌های حوزوی وجود شما را در قم برخلاف مصالح کشور تشخیص داده‌اند. حسینیه در اویش یک مسئله سیاسی نیست و یک مسئله حقوقی است و ما با اهل ذکر مشکل سیاسی نداریم. ولی مقامات استان از ما خواسته‌اند تا جلوی فعالیت در اویش را در قم بگیریم و در این ارتباط پس از 6 جلسه تشکیل شورای تأمین استان مصوب شد که اگر در اویش حسینیه را تخلیه نمایند از قوه قهریه بر علیه آنان استفاده شود.

در اویش: شما که خود اقرار میکنید در اویش مسئله سیاسی ندارند پس چرا قصد دارید مسئله را سیاسی و امنیتی کنید!

حاجی زاده: این امر بر مبنای مصلحتی است که مورد تصویب مقامات استان قرار گرفته. در اویش: اگر شما یا مقامات استان وقف را قبول ندارید وقف را باطل کنید تا وقف به ملک شخصی تبدیل گردد. در این حالت حسینیه به عنوان ملک شخصی احمد شریعت که هم واقف و هم متولی است برمیگردد.

حاجی زاده: ما به این موضوع بر نمیگردیم چون شریعت قبول کرده که حسینیه را تخلیه کند و تحویل ما بدهد.

در اویش: آقای شریعت با چه سمتی قبول کرده که موقوفه را تحویل شما دهد؟ حاجی زاده: در سمت متولی.

در اویش: شما که وقف را قبول نکرده اید چگونه تولیت وی را پذیرفته‌اید و قول وی را قانونی میدانید! اگر تولیت موقوفه را قبول دارید پس وقف را قبول دارید و اگر تولیت موقوفه را قبول ندارید پس تعهد آقای شریعت قانونی نیست.

حاجی زاده: شما حسینیه را تحویل دهید تا بعد کدخدامنشانه درباره آن مذاکره کنیم ولی الان باید آن را تحویل نمانید.

در اویش: مسئله را تا رأی قطعی دادگاه مسکوت بگذارید و حسینیه مفتوح باشد و پس از صدور رأی دادگاه هر دو طرف به آن عمل کنیم.

حاجی زاده: ما نمیتوانیم موضوع را به تأخیر بیاوریم.

در اویش: درخواست کنید که شورای تأمین استان تشکیل شود تا به موضوع رسیدگی نماید.

حاجی زاده: شورای تأمین استان قبلاً تشکیل شده و تصمیمات لازم را اتخاذ کرده است که اگر شما حسینیه را تخلیه نمانید از روش‌های خاصی برای اخراج شما از حسینیه استفاده خواهد شد.

در اویش: پنج روز مهلت بدهید تا اقدام به تخلیه نمانیم و در این ضمن پیگیری‌های لازم را دنبال کنیم تا راه حلی برای مسئله بیابیم که این امر منجر به بحران نشود. زیرا فقرای حاضر در محل که بسیاری از ایشان از خانواده شهداء، جانبازان و رزمندگان دوران انقلاب بوده‌اند، سازماندهی تشکیلاتی ندارند لذا برای پیدا نمودن راه حلی که برای همه یا اکثریت قریب به اتفاق قابل پذیرش باشد، به زمان چندروزی (پنج روز) نیاز داریم که با رایزنی و مشورت راه حل مناسب پیدا شود.

حاجی زاده: حداکثر تا فردا بعد از ظهر به شما مهلت میدهم.

در اویش: از روسای اوقاف و دادگستری دعوت کنید تا همین فردا جلسه ای تشکیل دهند تا درباره خل موضوع صحبت کنیم .  
 حاجی زاده: بر اساس مصوبه ششمین جلسه شورای تأمین استان ما اجازه نداریم موضوع را به تاخیر بیاوریم .  
 سردار صالحی: من شخصا از مقامات استان درخواست میکنم تا مهلت را به 48 ساعت افزایش دهند تا شما حسینیه را تخلیه کنید .  
 در اویش: چگونه میتوان یک دعوی قضایی را ظرف 48 ساعت به سرانجام و نتیجه رسانید !  
 حاجی زاده: کشور مشکل حساس ندارد و راهپیمایی دیروز (22 بهمن) این را ثابت کرد که پایه های نظام محکم است و کشورهای اروپایی و آمریکا هیچ غلطی نمیتوانند بکنند . نیروی انتظامی به عنوان ضابط قضایی موظف است که حکم مقامات استان را بر اساس دستورالعملی که به او داده شده اجرا کند ولو اینکه 1000 نفر کشته شوند . ولو اینکه 1000 نفر کشته شوند . ولو اینکه 1000 نفر کشته شوند . من 24 ساعت بیشتر وقت نمیدهم و پس از آن اقدام خواهم کرد .  
 در اویش: پس بنابراین ما برای توقف در ملک خود درخواست مهلت نمیکنیم .  
 لازم به ذکر است که در این ساعات گروه فشار در جلوی حسینیه مستقر شده بود که ساعتی بعد اعلام میکنند که ما تا فردا ساعت 3 بعد از ظهر به در اویش و نیروی انتظامی مهلت میدهم که حسینیه را ترک نمایند و در غیر این صورت خود اقدام خواهیم کرد . که شرح اقدامات گروه فشار در اخبار دیده می شود .

#### SPONSORED LINKS

[Gnosticism christianity](#)

[Gnosticism](#)

---

#### YAHOO! GROUPS LINKS

- .Visit your group "[daravish\\_gonabadi](#)" on the web
  - :To unsubscribe from this group, send an email to [daravish\\_gonabadi-unsubscribe@yahoogroups.com](mailto:daravish_gonabadi-unsubscribe@yahoogroups.com)
  - Your use of Yahoo! Groups is subject to the [Yahoo! Terms of Service](#).
-

:To daravish\_gonabadi@yahoo.com

:From listdjtuxcmd@tb-303.org

:Date Tue, 14 Feb 2006 15:09:33 +0100

:Subject [daravish\_gonabadi] شرح وقایع 23 و 24 بهمن 1384 قم حسینیه درویش گنابادی

شرح وقایع یکشنبه 23 بهمن 1384 قم حسینیه درویش گنابادی

- 1- در صبح روز یکشنبه 23 بهمن گروهی نیروی انتظامی کوچه ورودیه حسینیه شریعت را از دو طرف مسدود و مانع عبور و مرور شدند.
- 2- جمعیت هر لحظه بیشتر می‌شد و درویش آرام در یک طرف خیابان در پیاده‌روها نشسته بودند و عکسهای امام خمینی و مقام رهبری و شهدای خانواده های را در دست داشتند.
- 3- (ساعت 16) تعداد چند صد نفر از چماق داران در ضلع شمالی خیابان اجتماع نموده و شروع به هتاک و شعار و فحاشی نمودند. این مقارن با جلسه با معاون امنیتی استاندار آقای حاجی زاده بود. گروه فشار که در میان آنها ده نمکی نیز دیده شده بود با اعلام قطعنامه‌ای با مداخله نیروهای انتظامی که دیوار انسانی جلوی آنها درست کرده بودند به فحاشی و شعار دادن خود پایان دادند. اعلام کردند که اگر نیروی انتظامی تا فردا ساعت 15 بر علیه درویش اقدام نکند آنها خود با درویش برخورد خواهند کرد.
- 4- هیچگونه عکس عملی از درویش صادر نشد اگرچه تحریکات زیادی در کنار مجموعه فقرا به بهانه‌های بحث و جدل عقیدتی راه می‌انداختند که ایجاد دعوا و درگیری نمایند.
- 5- هنگام مغرب چند هزار نفر درویش به آرامی در خیابان اقامه نماز نمودند.
- 6- سپس همزمان با داخل حسینیه در کنار خیابان درویش با سکوت و ذکر قلبی مجلس فقری برگزار کردند.
- 7- از آنجا که نیروی انتظامی اجازه دخول درویش به حسینیه را نمی‌داد شب را در سرمای زمستان همانجا بدون زیرانداز و پتو سپری کردند. نیروی انتظامی ورود و خروج آب و غذا را نیز ممنوع کرد.

شرح وقایع 24 بهمن دوشنبه

1. درویش شب را در کنار خیابان گذرانند و روز با پخش شیرینی و گل‌های سفید در حالی که پلاکاردهایی با نام و عکس شهدا در دست داشتند ابراز انزجار از خشونت می‌نمودند.
2. در ساعت 15/10 گروه فشار اجتماع کرد.
3. چند طلبه حضور داشتند و شهنشانی سخنرانی کرد. مضمون خلاصه: درویش به فتوای آیت الله فاضل لنکرانی و نوری همدانی و صافی گلپایگانی و مکارم شیرازی و جواد تبریزی و چند تن دیگر نجس و مهدورالدم می‌باشند. اینها خارجی و فرانسوی و اسرائیلی هستند که حتی فارسی نیز نمی‌دانند. او اظهار کرد که پلاکاردها توطئه قرآن سر نیزه‌هاست و این گروه انگلیسی‌خویشان حلال است. صوفی باید کشته شود. مرگ بر صوفی. به فتوای مراجع صوفی انگلیسی اعدام باید گردد. شریعت حیا کن شهر قم را کن.
4. تحریکات موجب یورش نیروهای فشار شد.
5. در ساعت 16 سرهنگ سجادیان رئیس نیروی انتظامی اعلام کرد که با شما به قدر کافی مدارا کردیم حالا شما را به امت حزب الله می‌سپاریم و آنها آزادند هر کاری با شما بکنند و دستور حمله داد.
6. نیروی انتظامی با باطوم به زنان نشسته در کنار خیابان حمله کرد و درگیری را آغاز کرد.
7. نیروی انتظامی و چماقداران زنان و مردان را با کتک و باطوم بزور به داخل اتوبوسها روانه کردند.
8. در مقابل درویش گل به سمت آنان پرتاب می‌کردند و هیچگونه درگیری ایجاد نکردند و مقاومت نکردند.
9. در جریانات دستگیری پدری که کودک 4 ماهه خود را به بغل داشت به افسر گفت من با این بچه شیرخواره چه کنم؟ افسر بچه را از پدر گرفت و از پنجره اتوبوس به بیرون در پیاده‌رو انداخت و بلافاصله خود متواری شد.
10. درویش با نیروی انتظامی نیم ساعت مذاکره کرد که نتیجه نداد.
11. نیروی انتظامی 10 دقیقه مهلت داد که افراد داخل حسینیه خارج شوند. این امر غیرممکن بود زیرا با هجوم نیروهای فشار که باطوم بر سر درویش می‌شکستند و وجود زنان و مردان پیر و کودکان در داخل حسینیه و آشوب عملاً امکان



- تصمیم گیری و تخلیه در 10 دقیقه وجود نداشت.
12. مغرب شد در ارایش در حسینیه و برخی در پشت بام نماز برگزار کردند .
  13. گروه‌های دیگری از گروه فشار در ساختمان‌های اطراف مستقر شدند .
  14. پرتاب سنگ از بالای ساختمان کتابخانه مرعشی نجفی، جاییکه روز قبل سنگ زیادی توسط عوامل چماقدار حمل شده بود به سمت رییس نیروی انتظامی شروع شد درحالیکه در ارایش در بالای ساختمان مشغول نماز بودند .
  15. حمله با گاز اشک اور توسط پلیس پس از مهلت 10 دقیقه ای آغاز شد .
  16. افسری که در کنار یکی از سربازان شلیک کننده گاز بود و گاز اشک آور به سمت در ارایش پرتاب می‌کرد با اشاره به جمع طلبه‌ها و چماقداران دستور داده داخل گروه فشار پیاپی کیسول گاز اشک آور پرتاب کند .
  17. در تمام ساختمان‌های اطراف نیروها مستقر بودند و حمله را با پرتاب سنگ شروع کردند و کوکتل مولوتف به سمت در ارایش و حسینیه پرتاب می‌نمودند .
  18. نیروهای فشار جدید وارد معرکه شدند و با پناه گرفتن پشت سپرهای پلیس ضدشورش حمله به حسینیه را آغاز کردند که با مقاومت در ارایش مواجه شدند .
  19. شدت عمل بیشتر شد و حمله با گازهای متفاوت و ظاهراً گلوله‌های انفجاری و نارنجک همزمان با پرتاب سنگ توسط نیروهای متخصص که در اختیار و تحت فرمان پلیس بودند شدت گرفت.
  20. به منزل آقای شریعت حمله آغاز شد و پس از تاراج گروه فشار برای ورود به حسینیه به پشت بام آمدند .
  21. مطب دکتر شریعت نیز بهمین ترتیب اشغال غارت ویران کردند و آتش زدند .
  22. در دو مورد فوق نیروی انتظامی هیچگونه ممانعتی به عمل نیاورد بلکه پلیس ضد شورش نیز به آنها پیوست.
  23. نیروهای فشار پشت سپر پلیس ضد شورش پنهان شده بودند و از پشت بام حمله کردند که با مقاومت در ارایش عقب نشینی کردند .
  24. گروه فشار مستقر در ساختمان روبرو که بلندتر و مشرف به حسینیه بود 4 بار سنگ تمام کردند و آنها هرگونه سنگ ساختمان و کاشی و سنگ‌های معمولی پرتاب می‌کردند .
  25. پلیس پس از عقب نشینی شروع به شلیک گلوله کرد و تک تیراندازها دو نفر را با گلوله از ناحیه پا و بازو به شدت زخمی کردند .
  26. پلیس از تفنگ پمپی و ساچمه‌ای استفاده کرد و به پای‌های مرتضی توکلی و محمد مجازی شلیک کردند که ساچمه‌های زیادی در پای آنها مانده است.
  27. پلیس که از مقاومت در ارایش کلافه شده بود در ساعت 19:30 پیشنهاد کرد که اگر آتش بس کنید ما عقب نشینی خواهیم کرد .
  28. از آنجا که کیسه‌های بنزین و کوکتل مولوتف و سمپاش‌های پر از بنزین که بنزین اسپری می‌کردند توسط پلیس و نیروهای فشار آماده و استفاده شده بود بیم آن می‌رفت که همه را در حسینیه بسوزانند لذا در ارایش به پیشنهاد پلیس اعتماد نکردند .
  29. بار دیگر حمله با گلوله باران و نارنجک و گازهای خفه کننده و اشک آور را توسط پلیس شروع شد .
  30. نیروهای فشار که به شدت کلافه شده بودند با باران سنگ و آجر و کوکتل مولوتف به داخل حسینیه، سالن زنان را به آتش کشیدند. راه پله‌ها را آتش زدند و تبدیل به کوره کردند بطوریکه به زحمت زنان با استفاده از منبر از طبقه بالا به پانین منتقل شدند .
  31. صدای شلیک گلوله و انفجار نارنجکها، همچنین پرتاب کیسه‌های بنزین و کوکتل مولوتف چند برابر شد .
  32. در ساعت 20:30 برای جلوگیری از خونریزی در ارایش متقاعد شدند که حسینیه را تحویل دهند .
  33. با پلیس 110 تلفنی مذاکره و اعلام شد .
  34. پلیس گفت همه به داخل حسینیه بروید تا ما برسیم .
  35. جوانان پایین آمدند و اعلام آتش بس از سمت در ارایش شد ولی آنها حمله کردند و با مدافعین جنگ تن به تن نمودند که در این اثنا چند نفر از در ارایش را که در حال رفتن بداخل حسینیه بودند از بالای بام به پایین پرتاب نمودند .
  36. يك نفر دچار شکستگی لگن و مهره کمر شد .
  37. مهاجمین به محض پایین آمدن در ارایش از پشت بام قوت قلب گرفتند (خاطره جنگ احد تداعی شد) و با پشتیبانی پلیس ضد شورش شروع به ریختن بنزین و گازونیل در همه جای حسینیه نمودند و با کوکتل مولوتف و بنزین سعی در به آتش کشیدن حسینیه که صدها زن و مرد مسن و کودک بود نمودند که در این اثنا کیسولهای گاز را آتش زدند که ایجاد انفجار نمایند .
  38. درها قفل شد و همه در داخل زندانی شدند .
  39. حتی دو نفر بسیجی با تلاش در شکستن رگولاتور گاز که در ارتفاع بالاتری قرار داشت، سعی داشتند که لوله گاز را شکسته و از گاز نیز برای آتش زدن استفاده کنند. که از بالای نردبان افتادند و دیگر ادامه ندادند .

40. حسینیہ در آتش در محاصره کامل بود و زنان و کودکان و سالخوردگان در آتش و گاز اشک آور و گاز اعصاب زندانی شده بودند و امن یحیی المضطر اذا دعا و یکتف السو میخواندند.
41. در عین حال هرچه در اویش تکرار می‌کردند که تمام شد گروه فشار دست بر نمی‌داشت و پلیس هم نمی‌رسید.
42. تنفس امکان نداشت و همه در حال خفگی قرار داشتند ولی به علت سنگهای پرنابی و کوکتل مولوتوفها حتی از محل پنجره‌ها که همه شکسته بود باید دور می‌ماندند.
43. مهاجمین شروع به ریختن بنزین پشت درهای چوبی و آتش زدن درها نمودند.
44. سعی در شکستن درب‌ها و ورود به حسینیہ و ایجاد درگیری تن به تن داشتند که مرتباً در اویش فریاد می‌زدند که تمام شد آتش بس است ولی با فحشهای مثل: سگ صوفی، سگ سبیل می‌کشیمتون، درب را باز کنید که خواهر و مادرتان را بگایم (در حضور زنان) بیاین بیرون یکی از شما را زنده نمی‌گذاریم و ...
45. در ساعت 22 پلیس نیروی انتظامی رسید و شروع به جمع‌آوری تمام موبایلها و دوربینهای فیلم و عکسبرداری که از حمله به در اویش فیلم برداری شده بود نمودند.
46. اولین کسانی که وارد شدند حاج مهدی سلحشور و شهشانی به‌مراه چند تن دیگر که ظاهراً از سران نیروی انتظامی و لباس شخصیها بودند. همراهان آنها ادعا داشتند که از استانداری بودند.
47. آتش نشانی و هلال احمر وارد صحنه شدند و آتشها را خاموش نمودند.
48. جمعیت لباس شخصیها و چماقداران از بالای دیوارهای مجاور و پشت بامها هنگام تخلیه با حضور نیروی انتظامی شروع به حمله با سنگ به زنان که اول تخلیه شدند نمودند.
49. یکی از نیروهای فشار دست زنی از در اویش را گرفته بود و کشان کشان می‌کشید. پیرمردی از فقرا با چوب‌به‌وی حمله کرد. متجاوز گفت زن شما بر ما حلال است و غنیمت جنگی است. درویش پیرمرد با چوب‌بر سر متجاوز کوبید تا زن را رها کند.
50. مردان در اویش با گرفتن در دیگ بالای سر از زنان محافظت نموده و آنها را به داخل اتوبوسها هدایت کردند.
51. جمعیت گروه فشار از دو طرف دوره کرده و راهرو چماق درست کرده بودند و هر که را از داخل حسینیہ بیرون می‌آمد می‌زدند.
52. گروه دیگری از نیروی انتظامی و سران گروه فشار از پشت بام حسینیہ شروع به تخلیه در اویش از طریق نردبان نمودند.
53. آنها مدام دستگیر شدگان را کتک می‌زدند و به آنها توهین می‌کردند و می‌گفتند باید شما را بدیم دست این مردم تا تکه تکه تان کنند.
54. قابل توجه است که زمانی که اعلام آتش بس شد تا زمانی که نیروهای انتظامی رسید حدوداً یک ساعت و نیم تا دو ساعت طول کشید و در طول این مدت مهاجمین سعی در زنده سوزاندن افراد داخل حسینیہ داشتند.
55. یکی از افسران 110 در مقابل این سؤال که چرا اینقدر طول کشید تا آمدید گفت به خدا به ما همین الان دستور دادند اصلاً خبر نداشتیم.
56. سران گروه فشار و اطلاعات و نیروی انتظامی ضد شورش هر سه با هم هماهنگ بودند و ملاقات و کنترل عملیات می‌نمودند.
57. مخصوصاً هنگام تخلیه از پشت بام در کوچه کناری همگی با هم باتفاق سرهنگ صالحی ملاقات نمودند.
58. در جریان دستگیری در اویش نیروهای انتظامی در خیابان نیز در اویش را می‌گرفتند و جلوی چماقداران می‌انداختند و آنها بر سرشان چماق خرد می‌کردند.
59. چماقداران پس از دستگیری در اویش گفته بودند که با این گازهایی که به شما زدیم همه باید می‌مردید.

----- Yahoo! Groups Sponsor -----  
 Join modern day disciples reach the disfigured and poor with hope and healing  
<http://us.click.yahoo.com/1Mct6A/Vp3LAA/i1h1AA/BYrr1B/TM>  
 -----

Yahoo! Groups Links



# آگهی

# ایران ما

تبلیغات در بلاگفا

شرایط ایده آل

قیمتهای مناسب

نتیجه دلخواه

صفحه نخست  
بست الکر  
آرشیو وبلا  
نوشته ها

سرویس: **حما در بلاگفا با بهترین**  
مصاحبه بیوریت با آیت الله مستزاد  
اعتصاب غذای کارگران در اوبس

دیگر سایتها

خاسنه های سفر هاشمی به قم

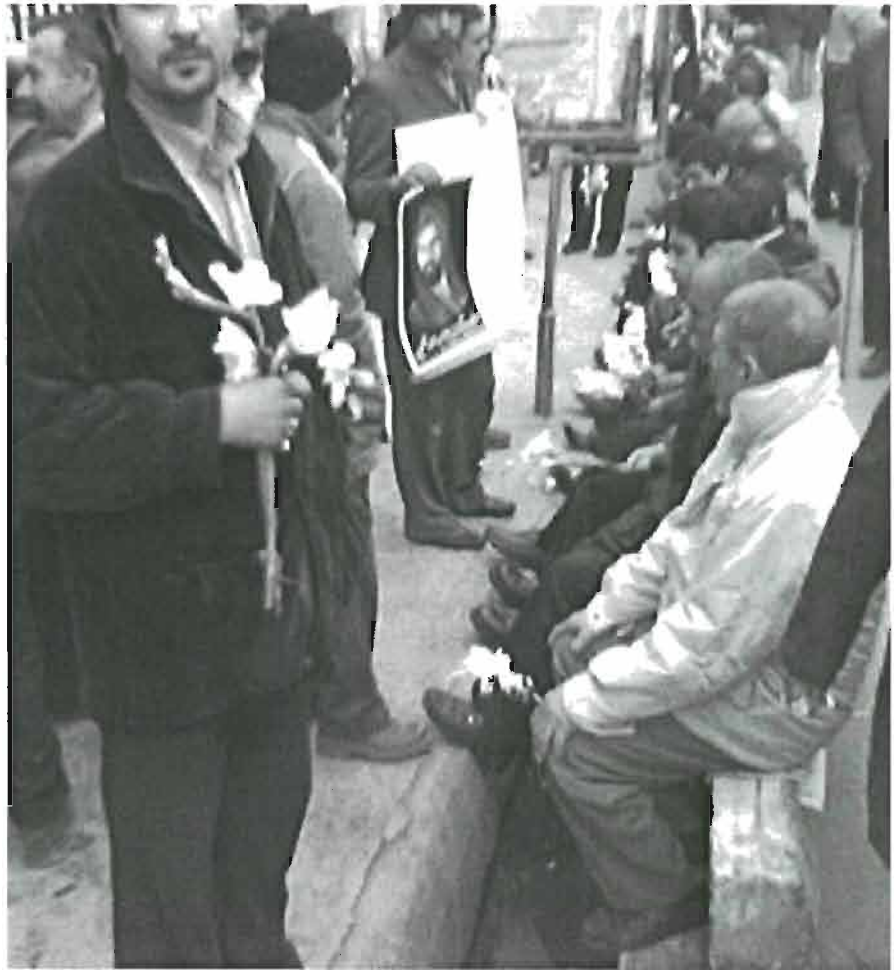
دراویش نعمت الهی در قم

باده رو همراه با گل - ۲۴ بهمن



RSS



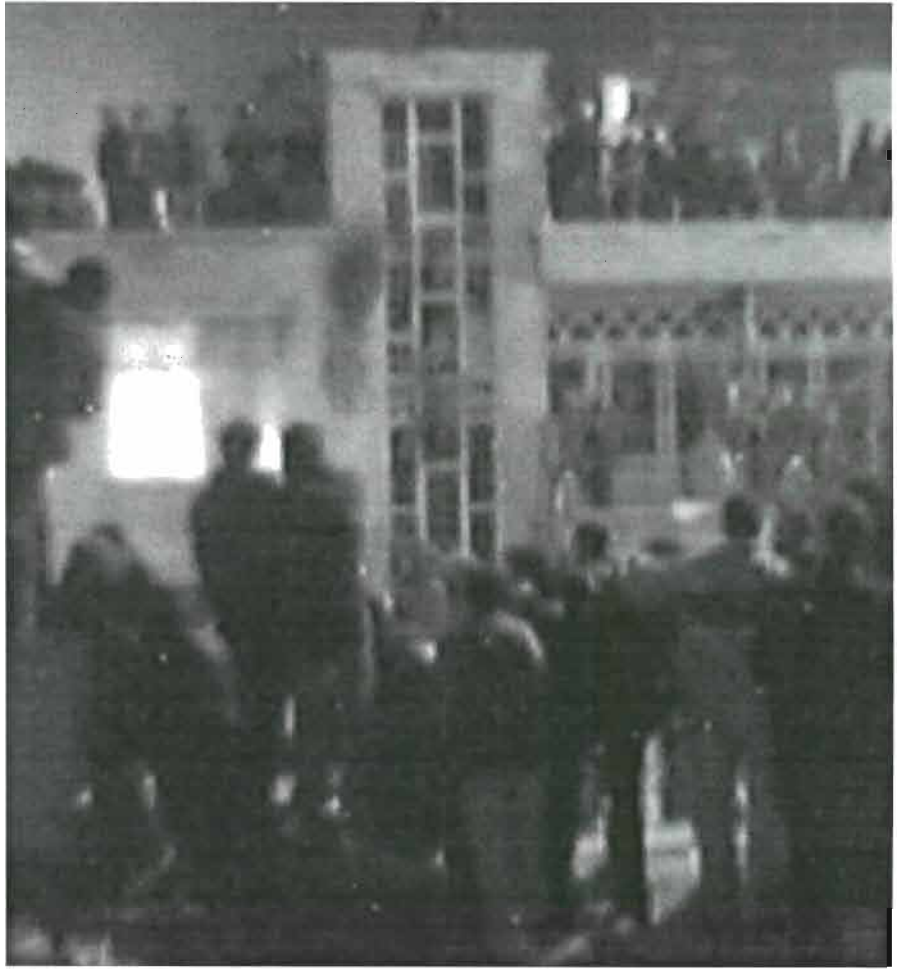




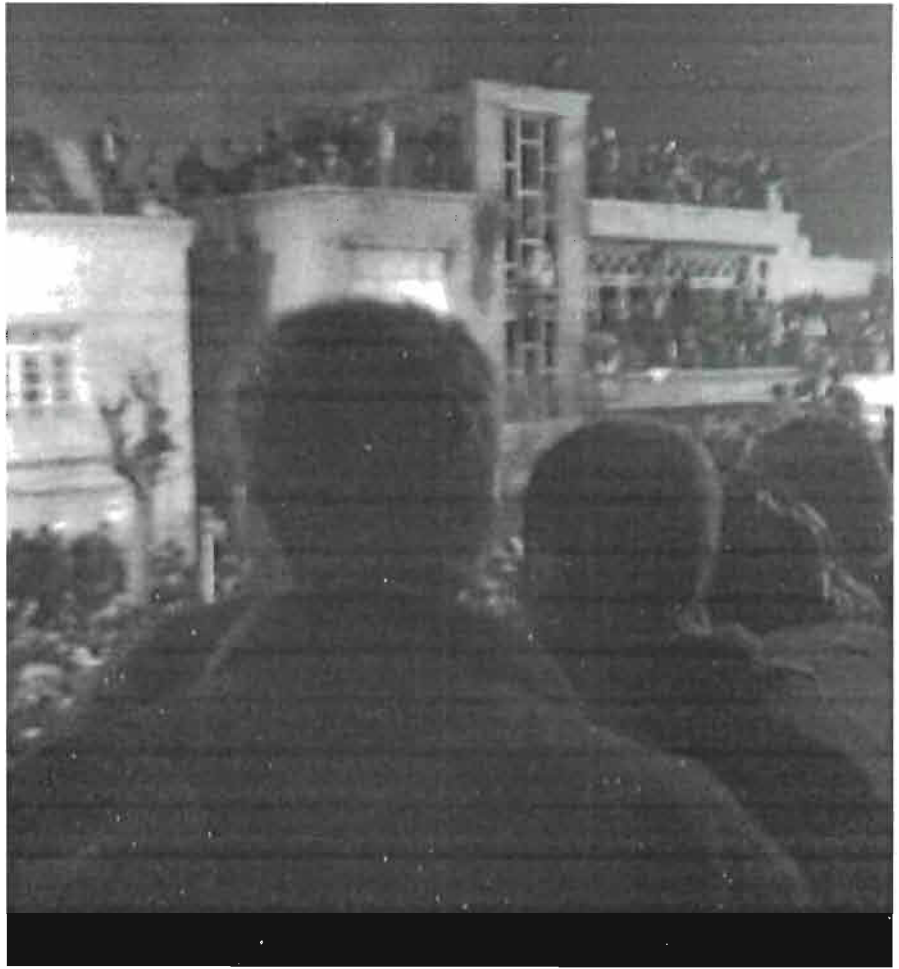
سوزی و گاز اشک آور در خیابان مطلقا تاریک



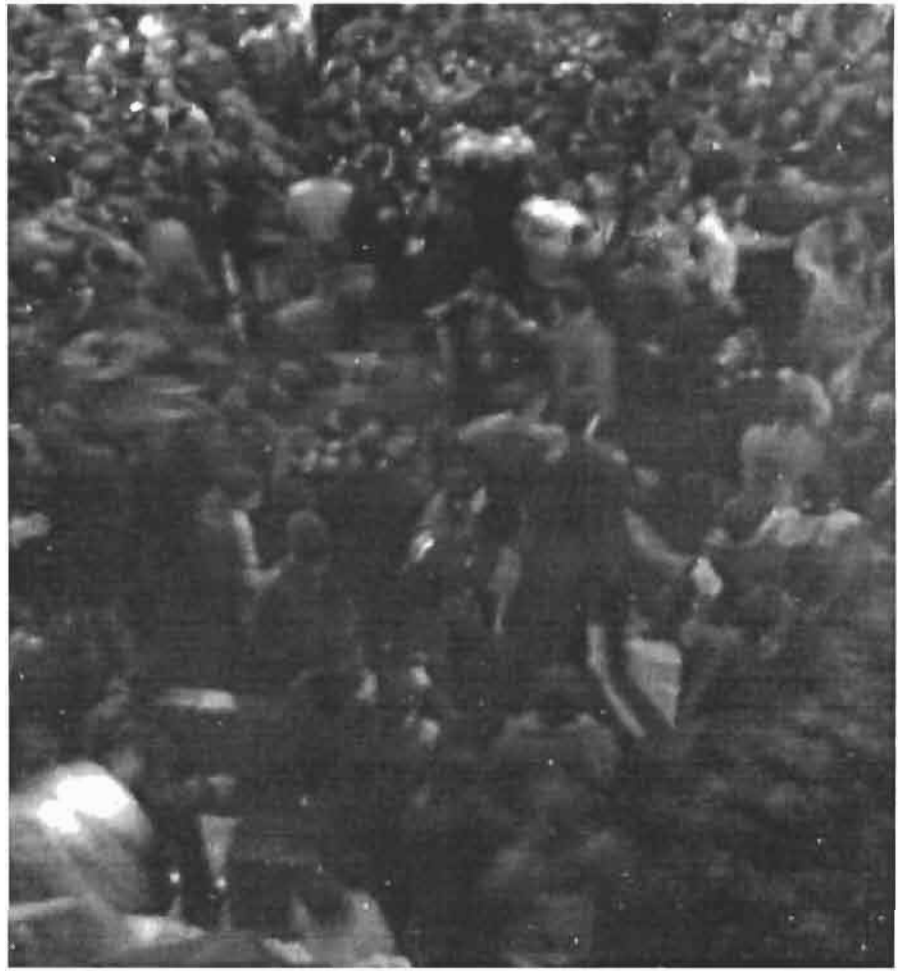








دن دراویش لابلای جمعیت





حسينيه



### فاجعه

در زمان حضرت علی (ع) :

معاویه به خاطر نیرنگی و جلوه دادن اعمال پلیدش، قرآن‌ها را بالای تپه

### تاریخ تکرار شد

و حالا صوفی‌ها (علی‌اللهی‌ها سبیلوها)

عکس امام (ره) و شهدا را دست گرفتند

و روی حرم مطهر حضرت معصومه (س) کوبه ۱۸

### امام صادق فرمود: صوفی‌ها دشمنان ما هستند.

صوفی‌ها دشمنان ما هستند، هر کس به آنها میل کند از آنان است و با آنان مشورت نخواهد شد  
زودی کسانی پیدا می‌شوند که ادعای صحبت ما را می‌کنند و به ایشان نیز تمایل نشان می‌دهند  
را به آنان شبیه نموده و لقب آنان را بر خود می‌گذارند و سخنانشان را تاریل و توجیه می‌کنند  
که هر کس به ایشان تمایل نشان دهد از ما نیست و ما از او بیزاریم و هر کس آنان را رد و از  
مانند کسی است که در حضور پیامبر اکرم با کفار جهاد کرده است.

امام صادق (ع) ۱- تحفه الأخیار، ص ۲۱.

آیت مرعشی نجفی (ره) فرمود: حقیقتاً محسبت صوفیه بر علیه اسلام در نزد من از  
محسبت‌هاست. که ارکان اسلام بواسطه این محسبت منهدم و بنیان اسلام از هم پاشیده و اعم  
و ... الحاق، الحاق، الحاق (صفحه ۱۸۳)

فاجعه

در زمان حضرت علی (ع):

معاونه به خاطر نیرنگ و جلوه دادن اعمال پلیدش ، قرآن ها را بالای نیزه ها کرد

## تاریخ تکرار شد

و حالا صوفی ها (علی الهی ها سیلوها) عکس امام (ره) و شهدا را دست گرفتند و روبروی حرم مطهر حضرت معصومه (س) کوچه ۱۸ خانقاه درست کرده اند، و جلو آرامگاه آیت الله مرعشی نجفی را اشغال کردند .

## (بنا بر فرمایش آیت الله بهجت، علی الهی ها نجس می باشند .)

(مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید جلد ۳ ص ۲۱۷)

(تذکره: بنا به نظر مراجع تقلید حفظ و حرمت اسماء مبارکه این نوشتار به عهده گیرنده می باشد)

## امام صادق (ع) فرمود: صوفی ها دشمنان ما هستند .

«صوفی ها دشمنان ما هستند هر کس به آنها میل کند از آنان است و با آنان محشور خواهد شد و به زودی کسانی پیدا می شوند که ادعای محبت ما را می کنند و به ایشان نیز تمایل نشان می دهند و خود را به آنان شبیه نموده و لقب آنان را بر خود می گذارند و سخنانشان را تاویل و توجیه میکنند، بدان که هر کس به ایشان تمایل نشان دهد از ما نیست و ما از او بیزاریم و هر کس آنانرا رد کند مانند کسی است که در حضور پیامبر اکرم با کفار جهاد کرده است.»

## امام صادق (ع) ۱- تنفه الا خیار، ص ۲۱.

آیت الله مرعشی نجفی (ره) فرمود: «حقیقتاً مصیبت صوفیه بر علیه السلام در نزد من از بزرگترین مصیبتهاست . که ارکان اسلام بواسطه این مصیبت منهدم و بنیان اسلام از همه پشیده و مصیبتا از این همه غفلت و سکوت مردم»

(تعلیقات جلد اول احقاق الحق ص ۱۸۳)

## صوفیگری

بزرگوار

«ای ابوذر در آخر الزمان قومی پدید می‌آید در تابستان و زمستان لباس پشمینه می‌پوشند و این عمل را برای خود فضیلت و نشانه زهد و پارسایی می‌دانند، آنان را فرشتگان آسمان و زمین لعنت می‌کنند.»  
پیامبر کریم (ص)

«صوفی‌ها دشمنان ما هستند، سپس هر کس به آنها میل کند از آنان است و با آنان محشور خواهد شد و به زودی کسانی پیدا می‌شوند که ادعای محبت ما را می‌کنند و به ایشان نیز تمایل نشان می‌دهند و خود را به آنان شبیه نموده و لقب آنان را بر خود می‌گذارند و سخنانشان را تأویل و توجیه می‌کنند، بدان که هر کس به ایشان تمایل نشان دهد از ما نیست و ما از او بیزاریم و هر کس آنان را رد و انکار کند مانند کسی است که در حضور پیامبر اکرم با کفار جهاد کرده است.»  
امام صادق (ع)

بسمه تعالی

دلایل عقل و نقلی برود فرق صوفیه \*

.....

مقدمه اودینی (ره) به نقل از پیامبر اکرم (ص) می فرماید ،  
 ایروز در آخر زمان قومی پیدا می شوند و در تابستان درستان لایس شبیه می پوشند و این عمل را  
 ای خود عقیدت و نشانه زهد و پارسائی می دانند ، فرشتگان آسمان و زمین آنان را لعنت می کند ، اینها  
 گویان شیطانند .  
 ( مرحوم مجلسی (ره) در کتاب عین العیوبه در بیان مطلقان فرقه صوفیه به نقل از شیخ  
 حرسی در کتاب احتجاجات روایت کرده است . که در بعضی حضرت امیرالمؤمنین (ع) بر  
 من بصیری گذشتند و او و منوایی ساختن نمود که و منوایی را کامل چنان آردای حسن . گفت با  
 برالمؤمنین دیروز سیاحتی را کنش که شهادتین می کنند و منوایی را کامل می ساختند . حضرت فرمود  
 مرا بصد آتیا بیامدی گفت والله که روز اول غسل کردم صوفی بر خود بپوشیدم و هیچ شک داشتیم که  
 لطف دورزدن از عایت کفر است . در عرض را مرا کسی ندا کرد که روی بر گرد هر که می کند و  
 ترک کنش می شود به حتم می رود و من ترسان بر گشتم و در زمان نشستم روز دوم با عدد عایت میباید  
 این شدم و در راه همان مدا شدم و بر گشتم . حضرت فرمود راست می گویی می دانی آن خادای کی بود  
 گفت نه ، آن برادرت شیطان بود و شیرواست گفت ناقل و منتول سنگر عایت در عهد اند . در حدیث  
 بگتر روایت کرده است . حضرت امیرالمؤمنین (ع) به حسن بصیری خطاب فرمود فرمایش را ساری  
 نباشد و ساری این است نونی که می گویی جنگ نمی باید کرد ( ۱ )

عین العیوبه صفحه ۳۲۲ مرحوم مجلسی (ره)

(۱)

- در کتاب علوه عین آیه ۱۰۰۰ نامبر حکام شیراز صفحه ۲۸ در خصوص صوفیه نقل کرده :
- ۱ از امام صادق (ع) نقل شده در جواب یکی از بزرگان که راجع به صوفیه سوال نمود ،  
 حضرت فرمود : ایشان انسانان با کشته کسان که آنها نباید پیدا که از ایشان مؤمنان بود یا  
 آنها مستور می شود .
  - ۲ حضرت امام رضا (ع) می فرماید :  
 « فانی می شود ، صوفی اندکی بگر ترویج حده و بگر و با گزائی و سلفی با عمل و صفات »
  - ۳ (۱)
  - ۴ حضرت امام رضا علیه السلام می فرماید ،  
 « هر کسی بزرگ او ذکر صوفی شود و بپوشد و دل نکار ایشان بک که از ما نیست و هر کسی انکار که  
 صوفی را میده آن است که با کفار هم در گروه بر حضور رسول خدا (ص) » (۲)
  - ۵ « معتمد بن حسین بن اسماعیل الطالقانی می گوید ،  
 « با امام هادی (ع) در سفر پیتر (ص) است بودیم که حاضری از صوفی وارد مسجد شد  
 و در گوشه ای دیگر دور می نشست و شیرواست کرد . از آن لایق . کرده حضرت فرمودند انشائی  
 بگله با این علی با زاهد ایشان در بیت شیطان و حجاب که گاه دید . (۱)
  - ۶ حضرت امام حسن علیه السلام می فرماید :  
 « به درستی که ابوقاسم کرمی بهشت را به ما صوفی را به نام صوفی و آرا عمل کرد تا آنکه پستی باشد  
 برای عینه عین عودش » (۲)

۷ علامه علی رمضانی که در کتاب کشف تمیز و تمیز همدان و تصورات در صحت حدیث از دست  
 تاج داران زهد فرمود فرموده است « حکم بکفر و انذار می نماید .  
 ۸ امام حسن (ره) در خصوص صوفیه در کتاب جمل حدیث نور تقصیر حدیث کبر از

۱۳

امام صادق (ع) می فرماید « حکیم متاوه و فیلسوف بزرگ اسلام جناب « معنی داداد »  
 رضوان الله علیه می فرماید ، حکیم آن است که پند برای او چون لایس باشد . هر وقت اراده که  
 تو را رها کند ، او را می گوید و ما به می گوئیم ، و از حرکت به صیبه و ما به صیبه می آید . پس تو که  
 بواسط چند مفهوم و پارای اصلاحات خود بیانی و به مردم گری می کنی مستور شد از کیم مرتبتی و  
 کونکی صورت است و کسی قابلیت است . آن که خود را مرتشد و هادی ملاقه داند و در حسد  
 دستگیری و تصرف تیراز گزیرد ، از این دو حاشی پست تیر و میرزا انش پست است . اصطلاحات این دو  
 دست را به صرف کرده و سر و مسوونی به مشاع با از خود داده و دل به گانه خدا را تتر حق تصرف و  
 محذوب بنموده و آن تیاره صاف و می آفریند با به حساب سایر مردم با هم می نورد . برای رواج بازار  
 صیبه با صیبه ، بزرگی از اصلاحات جذب را بخورد تمام بنیاده داده . گمان کرده ، بلفظ « مستور  
 علیشه . یا « مستور علیشه » حال بنده و صیبه دست دهد ، ای طالب دینا و ای دوز مخالفان یکا کار تو  
 هر اینقدر کسر و احتیاج مدارا ، بیخیزه از تنگی صورت و کونکی که گمان عودش میباری خورد ،  
 خود را دلاری مثنای داشته ، حسب نفس و دنیا به مبالغه مسرود و اسفالت و اختیارات پیوسته ، و بیک  
 ولیده ، ناخساری پیدا شده ، و از انضمام اینها یک صورت همس را شویک مرید ای برانم شده و خود را با این  
 همه عیب مرتد علاقی و هادی جات است و دلاری تربیت بیک وقت را گمانی از حد گذرانده و دلاری تمام  
 زینت کله دست ، ای نیز از کسی استنداد و ذینیت و تنگی به و حسن شک است .

جمل حدیث صفحه ۹۲

۱۴



نمونه اعلامیه توزیع نهاده  
توسعه باطنی

۱۱۰ حضرت آیت الله العظمی سید نهضت الدین مرتضی عینی (ره) در صفحه ۱۸۳ از تلیقات جلد اول احکام الفقهی می نویسند :

" نشان از مصیبت القوی علی الاسلام من اعظم اخطاهاست نه تنها با ارکان و انتم بیانه و ..."

" صفت مصیبت بر علیه اسلام در سرد من از سرگیری مصیبتهاست که ارکان اسلام بواسطه این مصیبت مهموم و بیجان اسلام از هم پانیده و مصیبتها از این همه عظم - سکوت مردم :

۱۱۱ حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) می فرماید :

" مصالحت با طرف مقابل مسأله حرام است و سرگت در مصالح آنها حرام است موصح ایگ مصالحت در مصالح آنها نیز در تحت عنوان اسلام مثل قرآنت قرآن و حکم اسلام و غیره مانند حرام است و هر چیزی که منجر به تخریب آنها به حساب آید حرام است .

۱۱۲ علامه سید حسن طالقانی رحمت الله علیه می فرماید :

" این گروه طریقت را در مقابل شریعت قرار داده اند و زمانی که شریعت هرگز نبوده در مقابل شریعت نرگردد .

۱۱۳ علامه وحید بهبهانی در جرایده جلد اول صفحه ۲۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۴۰ می فرماید :

رسود و گشایی از فلسفه ایران باستان در تصوف و آثار ایرانی از نسیل حسن بصری - حسب نفس و صرف کرسی از مویبان اولیه اسلامی را دلیل این دعا گرفتند .

" صوفی گری "

سایه دانستن که ریشه تصوف در حد بود و به ریاضت کسرت نشود شده بود و از حد به ایران آمد .

پیش آمدن اسلام به دنیا از ایران به اسلام در اواخر قرن اول سرایت نموده و به تدریج انتشار یافت و نسبت به اساس اسلامی شد با آنکه در بنی نده اسلام و سنی است .

سید بر طاهوس و عوامت غیر الدین شمس و ابن مهدی ( حنی ) و شهید نامی و شیخ بهائی و ملا مجلسی که صوفیه ایشان را نسبت به خود کرده اند . در جایگه این بزرگان عقاید و اعمال و ریاضتهای

باطن تصوف را عین و بگویند بوده اند .

۱۱۱ نظر دکتر طه حسن در کتاب آینه اسلام ترجمه محمد ابراهیم آینی در صفحه ۲۷۳ و ۲۷۴ می گوید :

تصوف در آثار بصورت ترک دنیا و زهدی بود که طرفداران آن زیاد کرده و سون اکرم ( ص ) آنرا باروا نشود چه عشاق بر عشقشان را از ریاضتین برانند و بر عدالتش صورتی عامی که تصمص گویت تمام معسر روز و بگیرد و در حواله هر آن زیاد کردی می کرد . جنگجوی می بوده و می حواس استیاض این خود را سلیق و آستان بگیرد - او آنها را پیدا کردی آورد که خداوند برای بیان آسان صورت است . - به صورتی و در وی برایشان نظاری قرار داده اند .

مصلحت این را که در روز و سوار زمانه روزی می گویند بود : هر روز بگیرد و هم اعتبار کند و هم باخیزد و هم بخواند و آنچه را خدا برای ایشان جلا کرده بر خویش حرام نگرداند و ...

۱۱۵ محمد علی فروغی در حلقه نخستین سیر حکمت در اروپا می گوید :

اینایک آبا عمرا و اشرفیون ما شرف عمرا و ان از مویطن و بیرون از دیارند با مستحب - از خاصگی که مویطن نقاش شده گویند -

۱۱۶ دکتر غنی در صفحه ۱۱۱ تا ۱۱۱ جلد دوم تاریخ تصوف در اسلام می گوید :

" انتشار آراء و مویطن و پیدا شدن فلسفه و فلاطونی در همین سلسله پیش از هر چیزی در تصوف و عرفان سوزنتر بوده است . به این معنی که تصوف که تا آنوقت زهد سلی بود اساس طریقه و فلسفی یافت - چون در آراء و فلاطونی وقت کتب می بینیم که مران صوفی زاهدی که در دنیا و هر چه در اوست صمیم آنکه نامی است دل گنده و به آنچه باقی نماند دن خود فلسفه لغوی بسیار خوش آید است بلکه منتهای آرزوی خود را در آراء او می بیند .

موضوع و مصاد و رسود در فلسفه سوزن فلاطونی پیش از هر چیز مویطن را حلق کرده است زیرا وحدت

و صورتی هست دنیا را آنچه قدرت من می بیند و هر موجودی در حکم آیینی است که خدا در آن ظهور کرده باشد و این بزرگهاست ظاهر رسود است و فلسفی سلیق و وجود فلسفی حاد است .

ایمان سایه بگوشه تا برده ها را بدرد و خود را خود رسود . گمان سال من گزار دهد و به سعادت اندو برسد .

سناگک پاینده تا پرو بال صوفی عشق طرف خدا بیروز آید و خود را از زهد فلسفی خود که سوزن پیش نیست آرد که در ... که وجود فلسفی است معر و فلسی سارو .

۱۱۷ سیدالکحیم زین کورد در کتاب میراث صوفیه صفحه ۱۳ می نویسد :

عده ای تصوف را سناثر از مصائب سستی و به حساسی صوفی و راف سستی در حرف پرورش و مصاب سسی اشاره کرده اند .

و در صفحه ۱۵ در مصال کتاب :

عشاید و مصلحت غیر اسلامی اند که اندک و در پیش فرجه در جنبه ازینا مستقیم و مستسر صوفیه با وقت های مختلف در تصوف اسلامی کم و بیش تاثیر رسود است .

و نیز در صفحه ۱۷ و ۱۹ آورده است .

مصائب بر منی از راه اندان مانند حسن بصری ، ابن سناک ، حاتم اسم ، که در بنفاد به اوساع روزگار رسود محتاج تبع و پیش دار گفتند و به امر به مصروف و معنی از سکندر برداشتند ایشان از اعدای زمانه بود که پیشروان صوفیه به شمار آید - ۸۱۲۲

لطفاً پس از مطالعه به دبیری بدهید

بسمه تعالی  
اعلامیه های ترم اول و دوم

### دلایل عقل و نقلی بر رد فرق صوفیه

در کتاب جلوه حق ایت ... ناصر مکارم شیرازی صفحه ۳۸ در خصوص صوفیه نقل کرده:

از امام صادق (ع) نقل شده در جواب یکی از یاران که راجع به صوفیه سوال نمود.

حضرت فرمود: ایشان دشمنان ما هستند کسانی که به آنها تمایل پیدا کنند از ایشان خواهند بود با آنها محشور می شوند.

حضرت امام رضا (ع) می فرماید:

قائل نمی شود به تصوف احدی مگر از روی خدعه و مکر و با گمراهی و ضلالت یا جهل و حماقت

حضرت امام رضا علیه السلام می فرماید:

هر کس نزد او ذکر صوفیه بشود و به زبان و دل انکار ایشان نکنند از ما نیست و هر کس انکار کند

صوفیه را مانند آن است که با کفار جهاد کرده در حضور رسول خدا (ص)

محمد بن حسین بن ابی الخطاب می گوید:

با امام هادی (ع) در مسجد پیغمبر (ص) نشسته بودیم که جماعتی از صوفیه وارد مسجد شدند و در

گوشه ای دیگر دور هم نشستند و شروع به ذکر «لا اله الا الله» کردند حضرت فرمودند اعتنایی نکنید به

این حيله بازان زیرا ایشان هم پیمان شیطان و خراب کنندگان دید»

حضرت امام حسن عسگری علیه السلام می فرماید:

به درستی که ابوهاشم کوفی بدعت نهاد مذهبی را به نام تصوف و آنرا حمل کرد تا آنکه پناهی باشد

برای عقیده خبیثه خودش»

علامه حلی رضوان الله تعالی علیه در کتاب کشف الحق و نهج العدق و انصواب در مبحث حاشی از

مسئله نالته درباره توحید عرفا و صوفیه یعنی وحدت موجود صریحاً حکم بکفر و اتحاد می نماید.

حضرت آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی (ره) در صفحه ۱۸۳ از تعلیقات جلد اول احقاق

الحق می نویسد:

عندی ان مصیبه الصوفیه علی السلام من اعظم المصائب تهدت بها ارکانه و اشلم بنیانه و ...»

حقیقتاً مصیبت صوفیه بر علیه اسلام در نزد من از بزرگترین مصیبتهاست که ارکان اسلام بواسطه این

مصیبت منهدم و بنیان اسلام از هم پاشیده و امصیبتا از این همه غفلت و سکوت مردم.

حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) می فرماید:

مجالست با فرقه‌های ضاله حرام است و شرکت در مجالس آنها حرام است توضیح اینکه مجالست در مجالس آنها ولو در تحت عناوین اسلامی مثل قرائت قرآن و ختم انعام و غیره باشد حرام است و هر چیزی که منجر به تقویت آنها به حساب آید حرام است.

علامه سید محمد حسین طباطبائی رحمت اله علیه می فرماید:

این گروه طریقت را در مقابل شریعت قرار داده‌اند در حالی که طریقت هرگز نمی‌تواند در مقابل شریعت قرار گیرد.

باید دانست که ریشه تصوف در هند بوده و به زبان سانسکریت تدوین شده بود و از هند به ایران آمد.

پیش آمدن اسلام به دنیا و از ایران به اسلام در اواخر قرن اول سرایت نموده و به تدریج انتشار یافت و تشبه به اساس اسلامی شد با آنکه در باطن ضد اسلام و محل آن است.

سید بن طاووس و خواجه نصیر الدین طوسی و ابن مهد (حلی) و شهید ثانی و شیخ بهائی و علامه مجلسی که صوفیه ایشان را منتسب به خود کرده‌اند، در حالیکه این بزرگان عقاید و اعمال و ریاضت‌های باطل تصوف را خلاف نموده‌اند.

نظر دکتر طه عسین در کتاب آئینه اسلام ترجمه محمد ابراهیم آیتی در صفحه ۲۷۳ و ۲۷۴ می‌گردید:

تصوف در آغاز بصورت ترک دنیا و زهدی بود که طرفداران آن زیاده روی کردند و رسول اکرم (ص) آنرا ناروا شمرد چه عثمان بن مظنون را از رهبانیتش باز داشت و بر عبدالله بن عمرو بن عاص که تصمیم گرفت تمام عمر روزه بگیرد و در خواندن قرآن زیاده روی می‌کرد سختگیری می‌نموده و می‌خواست اصحابش دین خود را سهل و آسان گیرند و آنها را بیاد قرآن می‌آورد که خداوند برای ایشان آسانی خواسته است. نه دشواری و در دین برایشان فشاری قرار نداده است.

صحابه‌ای را که در روزه و نماز زیاده روی می‌کردند فرمود: هم روزه بگیرند و هم افطار کنند و هم پیا خیزند و هم بخوابند و آنچه را خدا برای ایشان حلال کرده بر خویش حرام نگردانند.

عبدالحسین زرین کوب در کتاب میراث صوفیه صفحه ۱۳ می‌نویسند:

عده‌ای تصوف را متأثر از رهبانیت مسیحی و به همانندی صوفی و راهب مسیحی در خرقه پوشی و محاسبه نفس اشاره کرده‌اند.

و در صفحه ۱۵ همان کتاب عقاید و مذهب غیر اسلامی اندک اندک و در طی قرن‌ها در نتیجه ارتباط

مستقیم و مستمر صوفیه با فرقه‌های مختلف در تصوف اسلام کم و بیش تأثیر نموده است.

## سخنرانی مجید فولادی عضو مدرسه ی معصومیه و موسسه ی فرهنگی بصیرت در قم

بسم الله الرحمن الرحيم بسم رب الشهداء و الصديقين

برادران عزیز و دوستان بزرگوار (...). خیلی از آقایون به من گفتن این رو امروز اینجا اعلام نکن میتونه دردسر درست کنه به اعتقاد من دانستن حق مردم این انقلاب مال مردمه لذا مردم باید بدونن (تکبیر توسط لباس شخصی ها) خامنه ای رهبر عزیزان تکبیر الله اکبر الله اکبر الله اکبر خامنه ای رهبر دو تا تقاضا از شما دارم دوستان خبر موثق موثق داریم همه گوش کنن برخی از مسولین از من خواستن این رو اعلام نکنم بازم اعلام میکنم این آدم بالای پشت بومشون خودشون آجر آوردن در جمع خودشون کپسول آتش نشانی آوردند که روی ملت پیاشد و برخی از اینها مسلح به سلاح گرم ما رسماً به نیروهای انتظامی و امنیتی اعلام (.....) عده ای جمع شدند خیلی دوستانه و محترمانه و افشاگرانه دارن از مسولین تقاضا میکنن اینها رو جمع کنید اصلاً سد معبر کردن گوش کنید این فرقه از کجا نشأت گرفته چرا دست و پامون داره میلرزه امروز عده ای به نام یک فرقه اومدن توی قم کنار علما و مراجع شهر امام زمان کنار کریمه ی اهل بیت ایستادن دارن هر اراجیفی میافند عزیزان من یه سوال دارم ما خودمون با برخی از این افراد صحبت کردم و گفتم آقایون دوستان عزیز مگر ما تو مملکتمون قانون نداریم اعلام کردن بله ما قانون داریم مگر الان در مجلس شورای اسلامی ما زرتشتی و کلیمی و مسیحی و آشوری و کلدونی ها نماینده ی مجلس نداریم اگر شیعه هستید خوب ما نماینده مجلس داریم مذاهب دیگه بودجه بهشون داده میشه مجلس تصویب میکنه توی مجلس هم علناً دارن کار میکنن اما یه چیز و بدونین مردم شریف چرا آقایون اومدن حسینیه رو از دستشون گرفتن؟ سوال بسیار جالبیه چرا حسینیه رو از دست اینا دارن میگیرن نه اینا خانقاه رو تبدیل به حسینیه کردن؟ باشه ما میگیریم حسینیه چرا از دستشون گرفتید چرا نمیزارید این داخل برن عزاداری کنن دلیلشو میخواید بشنوید ببینید عزیزان ۲۷ سال این گروه داخل همین حسینیه اومدن عزاداری و تبلیغ مسلک و فرقه ی خودش کرده باور بکنید به اعتقاد بنده ی حقیر مسولین مون در اینجا کوتاهی کردن حالا میگیریم مسامحه به خرج دادن به هر دلیل سمعاً و طاعاً ما مطیع مسولینیم ما مطیع مسولینیم این گروه ها مثل نماینده های مجلس دیگه الان زرتشتی و کلیمی که نماینده ی مجلس داریم حق نداره طبق قانون جمهوری اسلامی ایران توی تریبون مجلس تبلیغ دین خودشو بکنه حق نداره داخل شهرهای تهران و جاهای دیگه بودجه تصویب میشه بهشون میدن کلیسا بسازین همه چیزی بهشون میدن اما حق ندارن توی خیابون و بیابون اطلاعیه رسمی بزنن در مقابل شیعه که مذهب رسمی کشورمون قد علم کنن مگر نشنیدین در مدینه پیغمبر اکرم مسایل رفاهی و امنیتی رو به طور کامل حتی برای کفار تامین میکرد میگفت آقا شما جزیه بدید فراتر از اون مالیات یه مبلغی پرداخت بکنید انسانید بنده ی خدا هستید و لذا حق دارید که داخل جمهوری اسلامی حکومت مدینه زندگی بکنید اما چند شرط برای کفار گذاشت پیغمبر اکرم شرطش چی بود؟ ۱- حق ندارید در داخل مدینه تبلیغ دینتونو بکنین ۲- با دشمنان ما همکاری نکنید ۳- کارهای براندازی و جاسوسی و فتنه گری درست نکنید ما اینو از پیغمبرمون یاد گرفتیم اینا که ادعا میکنن شیعه ۱۲ امامی هستیم الحمدلله دستتون درد نکنه ما حرفی نداریم بیاید با اینکه صراحتاً ما مطلب داریم از ائمه اطهار و همه مراجع بالا جماع که این فرقه رو ضاله و کافر و مرتد میدونن با همه ی این اوصاف ۲۷ سال داخل همین حسینیه یا خانقاهی که ما ادعا میگیریم تبلیغ کردین اشکال نداره بکنن.

مسولین میگن آقا اینجا باشین زن و بچه تو بیارین هر کاری بکنین آخر چرا دارین قدم گنده تر از دهنتون بر میدارید پاتونو از گلیمتون دراز کردید اطلاعیه میگیرید توی سطح قم و مدارس و حوزه ی علمیه و جای دیگه پخش میکنید توی شهر خون و قیام شهر مرجعیت در مقابل شیعه میخواید قد علم کنید همین برادر عزیز روحانی و جانبازمون مگه خودش افشا نکرد گفت همین آقای شریعت منو دعوت کرد گفت آقا بیا فلان فلان بیا به این فرقه ی ما بچسب عزیز من برادر من آقای شریعت آقا شریعت پاتو از گلیمت بیشتر دراز کردی باور کن اشتباه کردی همین افراد عزیزان که از استانهای مختلف اومدن برن حقشونو از آقای شریعت بگیرن چرا گنده تر از دهنش لقمه برمیداره ۲۸ سال تو اونجا نشستی ما سکوت کردیم خون دل خوردیم والله قسم مراجع خون دل میخورن سکوت کردیم اطلاعیه میفرستی توی مدارس و حوزه ها و دانشگاه ها و دبیرستان ها بهشون گفتم آقاییون این کارو نکنید یک بار دو بار ده بار صد بار اینا هشدار دادن آقاییون قبول نکردن طبق قانون اومدن جلوشون و گرفتن حسینیه شونو بستن اگه کار اشتباهی انجام دادن گوش کن آقاییان بنشینند آقاییان الان همه ی این افراد باور بکنید چه دوستان خودی خودمون هر مطلبی دارن توی جایگاه تشریف بیارن اونا گروه آقای شریعت گروه های صوفی اگر مطلب دارن قطعاً باند و بلندگو دارن برن حرف خودشونو بزنن ما حاضریم اینجا وایسیم و صحبت های اونا رو گوش بکنیم ما صحبت هاشونو گوش میکنیم عزیزان اینا در مبنای مذهب و مسلک خودشون دو تا بحث دارن یه بحث طریقت یه بحث شریعت اینا طریقت رو بر شریعت مقدم میدونند یعنی چه یعنی دین پیامبر که دین شریعت اسلامه انسان رو به اون جایگاه کمال و اکمال نمیرسونه لذا یه وسیله ی ابزاری چیزی میخواد میگن اون ابزار و ظرفیتش چیه میگه طریقت طریقت چیه؟ این آقای شریعت و امثال اینها که بهش میگن موذن یعنی چی یعنی اذن گرفته شده از جانب خداوند، عزیزان دیروز اینجا نماز جماعت برپا شد امام جماعت نداشتند هر کی فرادی خوند سوال کردم از یکی از اونا که چرا امام جماعت ندارید گفتند موذن ما اجازه نداده است گفتم یعنی چه گفت تا موذن اجازه ندهد تکلیف نکند فردی رو برای ما معرفی نکند ما حق نداریم نماز جماعت برپا بکنیم لذا فرادی میخونیم، فردی رو به عنوان زن امام جماعت در یکی از شهرستانا انتخاب کرد همین آقای شریعت میگن چرا: میگه دخالت نکن هر چی این آقای موذن گفته اذن داره ایشون هر کس ایشونو به عنوان ولی میشناسه میدونید یعنی چی؟ یعنی همه چیز اذن گرفته شده از جانب خداوند عزیزان اجازه بدید اتوبوسها عزیز من این کار اتوبوسها که دارن میان وظیفه ی نیروی انتظامی به دستور نیروی امنیتی دارن میان جلو همه عزیزان راه رو باز کنید مقدم این عزیزان رو اتوبوسها رو گرامی میداریم انشاءالله امیدواریم نیروی انتظامی خودش با اقدام قانونی و انقلابی و عاشورایی بساط این آقاییون رو جمع بکنید انشاءالله و نیازی به این نباشد که امت حزب الله وارد صحنه بشه، آقاییون توجه داشته باشید، عزیزان من این طرح پنتاگون رو براتون بخونم خیلی قشنگه،

۱- گوش کنید، یه صلوات بفرستید: آقاییون گوش کنید این طرح پنتاگون و بنیاد نیکسون بازگشت تصوف به جامه اسلامی. استفشان شوارتز از نویسندگان و تحلیلگران پنتاگون فاش میکند، بر اساس اطلاعات محرمانه که در پنتاگون وزارت دفاع آمریکا بررسی شده است یکی از ۷ هدف دنیای غرب برای موفق شدن در دنیای اسلام کمک به بازگشت تصوف به این جوامع است که به عنوان جایگزین و رقیبی برای اسلام رادیکال بشمار میرود.

آقای برنارد موریس هم در یک کنفرانسی که توسط بنیاد نیکسون برگزار شده بود به دولت بوش پیشنهاد میکند که برای ارتقاء سطح گفتگو بین آمریکا و دنیای اسلام با شیخ محمود حشام کعبانی رهبر بزرگترین گروه صوفیه به مذاکره بنشیند، آقای باراباس (ماشین نیرویی انتظامی) بگو اتوبوسا بیان جلو، نویسنده آنگاه خصوصیت صوفیه را بررسی کرد، و میگوید: ایران گوش کنید عزیزان گوش کنید، همین نویسنده و تحلیلگر آمریکایی به پنتاگون پیشنهاد می ده که ایران به عنوان یکی از کانونهای مهم صوفیه در جهان اسلام میتواند باشد، وی خاطر نشان میکند که بیشتر آثار صوفیه باید به زبان فارسی ترجمه شود، شوارتز مینویسد: پلواریسم و ناولدی تصوف چه بسا نقش تعیین کننده ای در دوره یی قُصان جهان اسلام هم قطعاً خواهد داشت . حالا من طرح سیا برای بر اندازی شیعه، اصلاً به سوال ؟ چرا صوفیه اومد در شیعه نشأت گرفت؟ به جزوه ای بسیار جالب برای علما و مراجع تهیه شد بسیار مستند که چرا تصوف در فرقه های دیگر مذاهب و دیگه رسوخ نکرد در شیعه رسوخ کرد و آقایون در شیعه پیادش کردن ؟ جزوه جالبه حالا این برادر عزیزمون طلبه بسیار فاضل و بزگوار و جوان که بقول برادر عزیزمون ما اصلاً شان این افراد آقای شریعت و بزرگتر از اینها رو در این نمیدونیم که به ملبس و یک طلبه ای امثال خودمون با اینا بحث بکند . با این حال ما بزرگواری میکنیم همه عزیزان بزرگواری میکنند چند دقیقه آقای شریعت و دوستان عزیز که از شهرهای دیگه اومدید چند دقیقه به مباحث مربوط به دلایل انحراف این فرقه توسط برادر عزیزمون بیان میشه رو توجه بکنید ببینید یکی از بزرگترین سلاحهایی که ما میتونیم در مقابل فرقه ها و مذاهب داشته باشیم علم و اطلاعات لذا مجهز شدن به مباحث فقهی و علمی برای همه ی عزیزان لازم و ضروریه ، آرومتر آقایون دوستان نیروی انتظامی به مقدار آرومتر دوستان ما قطعاً با شما همکاری میکنند وظیفه نیروی انتظامی تامین امنیت هستش و ما هم سماً و طاعاً در اختیار نیروی انتظامی هستیم اگر حرف آخر من و از صحبت برادر عزیزمون استفاده کنیم به مقدار بیاین جلو سمت اتوبوس فاصله بگیرین آقایون گوش کنند اونایی که سمت میدان شهدا ، ماشاءالله جمعیت و نگاه کن از میدان شهدا زده بیرون این طرفو من نمیبینم اصلاً تهش معلوم نیست مسولین نیروی انتظامی مسولین نیروی امنیتی استان چنانچه هر کمکی رو بخوان این جمعیت به اعتقاد بنده نه با دست خودشون ، با فوت خودشون ، فوت خودشون اینارو جمع میکنن میریزن بیرون (تکبیر ) اگر کمک خواستید ما منتظر اقدام انقلابی و عاشورایی نیروهای امنیتی هستیم انشاءالله که بوظیفه شون عمل میکنند اگر نکردند به ۵ درصد این عزیزان باشند ما خودمون اینارو جمع میکنیم قطعاً حالا توجه کنید به بیانات برادر عزیزمون

## سخنرانی شهشاهانی در روز ۲۴ بهمن ۱۳۸۴ قم

دختر شریعت بزرگ بر اثر نارسایی کلیه از قرصهای آمریکایی که برادر شریعت می داد و این خانم نارسایی کلیه پیدا کرد. پنج شب آخر، من سر بالینش بودم. شب اول به من گفت: که من دختر شریعت بزرگ، به ذکر و به ولایت و به یا علی بی اعتقاد شدم، من پنج شب با این زن سر بالینش رفتم، بحث اعتقادی کردم. آقای شریعت! گوش بده، گفتم: یا علی کارت دارم، گوش بده، من پنج شب بحث اعتقادی کردم، شب پنجم اوادم، گفتم: که خانم! خانم! به عمر ذکر علی گفتمی چرا می گوی من بی اعتقاد به ذکرم؟ چرا می گوی؟ گفت: که ذکر کاری ارزش نمی آید، گفت ذکر کاری ارزش نمی آید. من نشستم با گریه عرفانی و شکسته دمی زمزمه کردم، که بی اعتقاد نمیره دختر شریعت، گفتم که این زمزمه رو کردم که سوگند به تنهایی مولا کمکم کن، زن بی اعتقاد از دنیا نرو. تو دختر بزرگ شریعتی، به عمر یا هو یا هو گفتمی، چطور حالا می گوی لحظه مرگ من اعتقاد به ذکر ندارم؟ گفت: توی طلبه چی از من می خواهی؟ گفتم: حالا آخر خط فهمیدی؟ می خواهی بمیری پس بگو یا علی مولا. با علی بمیر. در منبرش هم در چهلم، در قم، در همین خونه، منبر رفتم، او مدن پی من، در منبر گفتم: ذکر علی معرفت می خواد، با رقص و سماع و دود و دخان نمی شه عاشق علی شد، عشق علی معرفت می خواد (الله اکبر، الله اکبر، خامنه ای رهبر، مرگ بر ضد ولایت فقیه، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل) آقای شریعت! چند بار منو دعوت به فرقت کردی؟ و من اوادم، ولی نتونستی منو مجاب کنی. من طلبه از سر خوان حوزه علمیه، جانباز جبهه، که تو جبهه های جنوب بودم، اعلام می کنم، از همینجا اعلام میکنم: آقای شریعت! من طلبه ی از سر خوان حاضرم باهات تو قم مباحثه کنم، در برابر تمام فرقه. شأن علمای ما نیست که با تو بشینن به گفتگو (تکبیر الله اکبر، الله اکبر) اینجا شریعت رو، دعوت میگیرم به مناظره. ما اهل درگیری و خشونت نیستیم. علی ۲۵ سال سکوت کرد ما ۲۷ سال سکوت کردیم. ولی الان هم معتقد نیستیم؛ در یهودیت کلیسا، در مسیحیت کلیسا، در اسلام مسجد نه خانقاه والسلام. شریعت شنیدی! شنیدی شریعت! من شهشاهانی هستم. شناختی؟ بشناس. یادته به من پیغام دادی که افشا نکن مرگ خواهرمو. شاهد! پنج تا دکتروم بر بالینش بودن تو خیابون باجکک. گفتمی؛ نگو تو قم. کردی تا امروز افشا کردم. اینم تو سینم نگه داشته بودم که ببرم تو قبر، ولی کاری کردی که امروز افشاش کردم بیشتر از اینم تو ذهنم هست افشا میکنم. شریعت سالی به دوازده ماه آمریکا هستی. اگه واقعاً معتقد به هو یا علی هستی و اینا رو اینجا جمع کردی چقدر اینا از شورای اروپایی الان اینجا نشستن؟ به سریشون از اینگلیس او مدن، به سریشون از آمریکا او مدن، به سریشون از فرانسه او مدن. در این جمع کسانی هستن که زبان فارسی بلد نیستن، از کشورهای خارجی هستن. همه بنشینن، بنشین، بنشین عزیزم، اونا که معتقد به ولایت علی هستن بنشینن، بنشین، بنشین عزیزم که اونا منو ببینن. بنشین، بنشین، آقای شریعت! عزیز من گوش بده، گوش بده، آقای شریعت: من شهشاهانی هستم، به من گفتن از جمع خودتون گفتن: اگر افشا کنی، می کشیمت. من بچه جبهه هستم و حاضرم تکه تکه شم. (الله اکبر، الله اکبر، خامنه ای رهبر، مرگ بر ضد ولایت فقیه، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل) آقای شریعت! آقای شریعت، گوش بده! لحظه ی مرگ آخر خواهر تو بگم؛ قرصهای آمریکایی بر اثر نارسایی کلیه کشتش. موقعی که من بر بالینش آمدم شب آخر زنگ زد. گفتمی پیام سر بالینش، من اوادم، هر کاری کردم که خواهرت ذکر علی بگه، نگفتم. گفت: من معتقد به ذکر نیستم دیگه و با این حال رفت تو کما. آقای شریعت! اگر بیشتر هم باشد افشاش می کنم، یا کوتاه می آیی، جمعش می کنی، یا من با بیان افشاش می کنم..... من، بین من در منبر چهلم گفتم گوش بده، من چهلم منبر خواهرت رفتم، من رفتم منبر چی گفتم، تو همین خونه چی گفتم تو این خونه گفتم، با رقص و سماع و دود و دخان نمی شه عاشق علی شد عشق علی معرفت می خواد. (الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر، خامنه ای رهبر، مرگ بر ضد ولایت فقیه، مرگ بر انگلیس).

## سخنرانی سرهنگ سجادی، رییس کلانتری ۱۱ شهدا

یه صلوات بفرستین. (جمعیت: صلوات) الحمد لله رب العالمین و صل الله علی محمد و اله طیبین الطاهرین (جمعیت: صلوات) من یه چند دقیقه ای مزاحم دوستان عزیز میشم. خواهش میکنم که گوش کنید ما نمیخوایم الان بر خورد قهری بکنیم. حزب اللهی ها اومدن حرف منطقی خودشونو بزین ان شاء الله که اونهایی که میشنون بشنون و اونهایی که نمیخوان بشنون و هدف دیگه ای دارن، امیدواریم که نظام خودش باهاشون اون جواری که میدونه بر خورد کنه. اما، من یه تاریخچه کوتاهی از تصوف و صوفیه به شما بگم، ببینید این جریان از کجاست و این گروه به عنوان یک نقطه تاریکی در روشنایی تشیع مانده. خوب از دوستان انتظامی میخوام یه تذکری بدن بعد ان شاء الله بنده ادامه میدم (لباس شخصی ها: الله اکبر، الله اکبر....) علیرغم اینهمه تذکرات سوء استفاده زیادی نسبت به این قضیه داشتیم. لذا امروز امت حزب الله اومدن، ببینید دیشب هم همین امت حزب الله اومده بودن، ما بهشون گفتیم عزیزان کاری نداشته باشین، خواهش کردیم تمنا کردیم گفتیم برین. الان به هیچ وجه دیگه ما اختیاری نداریم نسبت به اینها، و تا همین عزیزان خودم، خود جوش فرزندان انقلاب هستن و با توجه به این که انقلاب را به سختی بدست آوردن، به راحتی از دست نخواهند داد. (الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر، خامنه ای رهبر، مرگ بر ضد ولایت فقیه "ازدهام جمعیت" نیروی انتظامی حمایت میکنیم، نیروی انتظامی حمایت میکنیم، نیروی انتظامی حمایت میکنیم، نیروی انتظامی... (مجدداً باز تذکر میدم. قبلاً هم گفتم، عزیزان حسینه شریعت، قطعاً چهره من برای شما آشناست. بنده سرهنگ سجادی، رییس کلانتری ۱۱ شهدا هستم. خودتون در جریان هستین، علیرغم دستورات قضایی، متأسفانه جهت بعضی از مسایل مجبوراً و اجباراً اقدام به این شد مماشعت باهاتون بکنیم. لذا متأسفانه از فرصت سوء استفاده کردید. علیرغم اینکه متأسفانه یا خوشبختانه بعضی از چیزها رو نمیشه گفت. نماینده شما که خود آقای شریعت زیر نامه و تعهد اخلاقی و کتباً امضا کرده که من، یک هفته به من فرصت بدین من اینجا رو ترک میکنم. ایشان به انضمام دکتر هرسینی تعهدی را امضا کردند متأسفانه به تعهداشون عمل نکردن، لذا ما هیچ از این لحظه به بعد ما هیچ انتظاری از ما نداشته باشید که بیایم، بخوایم، خدای نکرده به بچه های حزب الله بگیم آقا شما کاری نداشته باشین (تکبیر توسط لباس شخصی ها) تو این یه هفته خود سردار جانشین اومدن به جهت اینکه برای شما مشکلی پیش نیاد اومدن باهاتون مذاکره کردن خواهش کردیم تمنا کردیم متأسفانه گوش نکردین. برای آخرین بار بهتون اخطار میشه برای آخرین بار بهتون اخطار میشه اتوبوس هایی که هست سوار اتوبوس ها بشین در غیر اینصورت تکلیف شما با بچه های حزب الله ست، هیچ وظیفه ای ما در این خصوص نداریم. (لباس شخصی ها: الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر، خامنه ای رهبر مرگ بر ضد ولایت فقیه، مرگ بر صوفیه)



حسينه ارمال برفتن







:To daravish\_gonabadi@yahoo.com

:From ,ytuum023@gmail.com

:Date Wed, 15 Feb 2006 05:47:40 -0000

:Subject [daravish\_gonabadi] وضعیت در اویش گنابادی بازداشت شده قم

وضعیت در اویش گنابادی بازداشت شده قم

گزارشهای رسیده حاکی از شکنجه و فشار شدید مأموران امنیتی با در اویش بازداشت شده جهت گرفتن اقرار بر این موضوع است که آنها به دستور احمد شریعت سیخ در اویش گنابادی در قم به محل آمده‌اند.

هدف از این شکنجه‌ها تبدیل موضوع حمله گروه فشار به حسینی در اویش به يك اقدام سازمان یافته از طرف در اویش بوده است.

بر اساس آمار اخذ شده از منابع آگاه تعداد اسرای در اویش در این واقعه 1900 تا 2100 نفر بوده که به زندان مرکزی قم شهید لنگرودی زندان ساحلی زندان سپاه باشگاه ورزشی مجتمع سپاه زندان فجر هلال احمر قم و بهزیستی قم کلانتریهای قم بالاحص کلانتری 11 و کلانتری شهدا منتقل شده بودند.

از اشدگان اظهار میدارند که اوراق اقرار چاپی مبنی بر اقرار به اخلال بر علیه نظم عمومی با نیت براندازی نظام و تشویش اذهان عمومی و حمله به نیروی انتظامی از قبل تهیه شده بود و اسرا را اجبار به امضاء این اوراق مینمودند. برخی دیگر را نیز برای اخذ اقرار به موارد فوق جلوی دوربین و تحت فشار قرار دادند. برخی از افرادی که از این اقرار سر باز زدند به شدت تحت شکنجه قرار گرفتند. بر اساس آخرین خبر تعداد بازداشت شدگانی که مراحل قضائی آنها در داسرای عمومی قم شعبه 3 باید به قید وثیقه آزاد شوند 174 نفر ذکر شده‌اند. این شعبه تحت نظر قاضی قنبریان میباشد.

173 نفر از هزاران درویشی که دستگیر شده و در زندان فجر قم تحت شکنجه قرار دارند تا بر علیه سلسله و طریق خود اعلام انزجار کنند و برای 53 نفر دیگر از دستگیر شدگان ضرب العجل تعیین شده که با اقرار نامه از پیش نوشته شده توسط اطلاعات را امضا و در تلویزیون اعلام می‌کنید یا شما را در حد مرگ شکنجه می‌دهیم به طوری که آرزوی می‌کردید کاش اقرار نامه را امضا کرده بودیم. اسامی این 53 نفر که در اسارت به سر می‌برند عبارت است از:

رضا آذر  
حسین صبري  
حمید مناجازي  
امیر دلوند  
محمد رضا قرباني  
عبدالمیر یکه شناس  
امید یکه شناس  
امیر هوشنگ عراقي  
پرویز صدري  
حسین فرخي  
رحیم آهنگ  
مزدک زال پور  
مهدی پور کاشانی  
محمد یعقوبی  
محمد اکبری  
داود ضیف دار  
رضا زنگنه  
محمد رضا جعفرآبادي  
رمضان خدا بخش  
محسن مومني  
رامین اشکه ور  
محمود مرعشی نیا  
امیر مرعشی نیا  
آذر نوش احمدی  
اصغر رجب  
صادق یوسفی  
منصور مرعشی  
امیر کریمی  
سعید رحیم زاده

صادق حیاتی  
 قباد عصایی  
 مهدی اکبری  
 علیرضا آبادی  
 علی محمودی  
 حجت دهقانی  
 غلامعلی کریمی  
 احسان کودر  
 بهزاد نوری  
 حسن فیضی زاده  
 کاظم محیط  
 اکبر احمدی  
 علی کریمی  
 شهرام مقدمی  
 حسن زیقمی  
 آرش شلتوکی  
 حسن سیا هماری  
 محسن محمدزاده  
 محمد دنیا دیده  
 علیرضا سیف

تقریباً 320 نفر از زنانی که در سازمان بهزیستی بازداشت بودند آزاد شده‌اند. این افراد به مدت یک و نیم روز گرسنه نگهداشته شدند و هنگام بازرسی پول و اموال شخصی آنها به سرقت رفته و دستگا‌ه‌های موبایل آنها همچنان بدون ارانه رسید از آنها گرفته شده و بازپس نگردانده شده است. در باقی زندانها نیز وسائل شخصی افراد بازداشت و به آنها برنگردانده شده است.

بازداشت شدگان در مجتمع ورزش سپاه حدود 500 نفر گزارش شده‌اند که 360 نفر از آنان انگشت نگاری و سپس آزاد گردیدند.

در باقی زندانها حدود 90 درصد بازداشت شدگان آزاد شده‌اند. در زندان شهید لنگرودی از 278 بازداشت شده چند نفر آزاد نشده‌اند که اقدام به اعتصاب غذای خشک کرده‌اند. تعداد زیادی از بازداشت شدگان زندان سپاه آزاد نشده‌اند و مأموران امنیتی آنها را تحت شکنجه‌های شدید قرار داده‌اند که قادر به حرکت نیستند. تعداد شکنجه شدگان آزاد شده به حدود 60 نفر میرسد. ولی هنوز از تعداد افرادی که تحت شکنجه قرار گرفته‌اند آماري در دست نیست. ولی براساس آمار جمع آوری شده تعداد مفقودین حدود 100 نفر گزارش شده‌اند که احتمالاً برخی از این افراد هنگام حمله گروه فشار در حسینیة زخمی و یا بیهوش و یا کشته شده‌اند ولی چون گروه فشار سریعاً اقدام به تخریب و حمل خاک حسینیة نمود احتمالاً اجساد آنها در لابلای ساختمان مدفون شده باشد.

نیروی انتظامی هیچ گزارشی از تعداد کشته شدگان اعلام نکرده است و منابع خبری در اویش نیز اطلاع موثقی از کشته شدگان ندارند ولی شاهدان عینی دیده‌اند که افرادی را در درون پتو پیچیده و در ساعات دیر وقت شب از محل حسینیة به بیرون منتقل نموده‌اند. تعداد زخمی‌های در اویش بیش از 500 نفر بوده که برخی از آنها هنوز از بیمارستان آزاد نشده‌اند. ناجا هنوز تعداد زخمی‌های گروه فشار را اعلام ننموده ولی محتاط استنادار رقم 200 نفر زخمی از گروه فشار را در مصاحبه خبری خود ذکر کرده است. مقامات ناجا به طور غیررسمی تعداد زخمیان گروه فشار را 330 نفر و تعداد زخمیان نیروی انتظامی را 16 نفر ذکر کرده‌اند.

براساس بررسی‌های انجام شده از مهاجمان گروه فشار هیچکس بازداشت نگردیده است تنها مواردی که ذکر میشود برخی از تندروهای گروه فشار تحت کنترل نامحسوس وزارت اطلاعات قرار گرفته‌اند که تعداد آنها در حدود 20 الی 25 نفر از طلاب میباشد که در مدرسه معصومیة رفت و آمد دارند و بسیاری از آنها از نزدیکان آیت الله نوری همدانی و یکی از بستگان وی به نام محمد مقدم که در دفتر او مستقر است می‌باشند. ارتباطات این اشخاص با گردانندگان گروه فشار نظیر شهشانی و مقدم محرز گردیده است.

بسیاری از زخمی‌های در اویش در درمانگا‌ه‌های خیریه متعلق به در اویش در شهرهای مختلف ایران تحت معالجه قرار دارند. اسامی زیر نام یک گروه 200 نفره از چند گروه از مردان در اویش مصدوم و زخمی در این واقعه است که تحت معالجات اولیه قرار دارند. اسامی زنان در این صورت ذکر نمیشود:

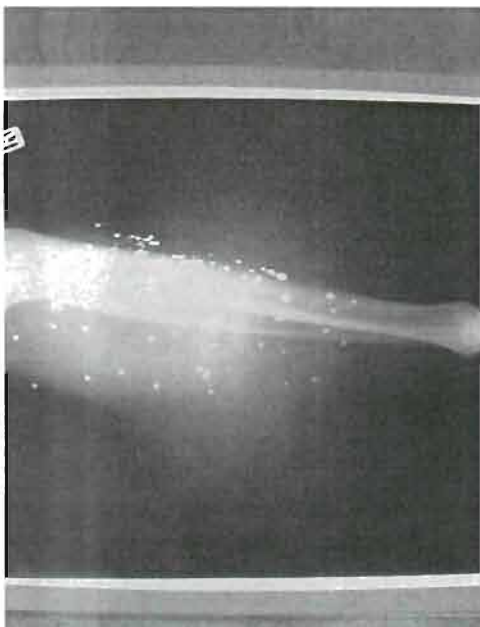
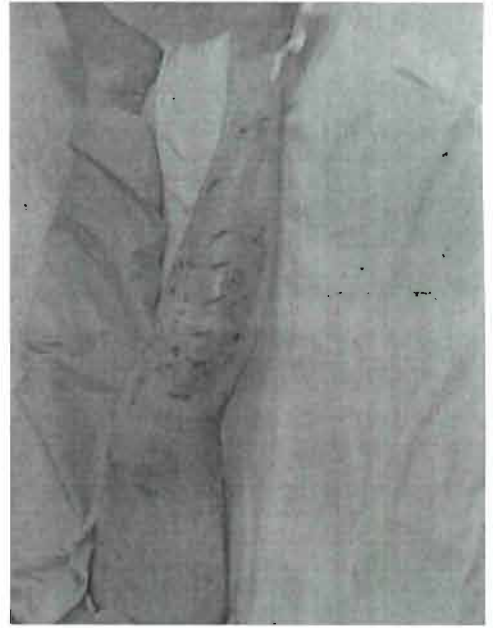
- 1 محمد سعید فضل رونه ای
- 2 مهدی اکبری
- 3 امیر هوشنگ عراقی
- 4 مهدی ابوالقاسمی موحد
- 5 علیرضا جمشیدی
- 6 یاسین رضانی
- 7 غلامعلی کریمی
- 8 علی هدایتی

حامدي	9
حسين شهبازي	10
صادق رفتاري	11
زهرة ناظريان	12
ميرافضلي	13
يوسف وزيني	14
شهاب شهنواز	15
حسن امريزي	16
مهرداد گودرزي	17
رضا آزرم	18
محسن بصيري	19
علي خدادادي	20
محمد مهدي لطفلي	21
اكبر پيراسته	22
سيد ابراهيم حسيني	23
مراد زنديه	24
علي پاني	25
حسن رحيم زاده	26
احسان كردار	27
حسين اسنكي	28
سعيد زماني	29
حسين صالح	30
مهدي نوروزي	31
علي مصباحي	32
رحمان محمدپور	33
هادي ثوري	34
عباس صياغي	35
مصطفى بي آبي	36
محمد حيدري	37
محمد مرادي	38
ابوذر قريشي	39
مهدي عبادالدين	40
هدايت حسن وند	41
محمد عبداللهي	42
عبدالحسين مرادي	43
احمد عباسي	44
محمد هادي عابدي	45
احمد كسازري	46
حسن امير محمدي	47
علي رحماني	48
علي بوج شهر	49
غلامحسين نيك مقدم	50
محمد رضائي	51
مرتضي ميداني	52
حسن حاجي زاده	53
فرزاد رابطي	54
علي لقمان پور	55
صفا كلهر	56
مهدي حاج محمدي	57
هوشنگ لك	58
علي پورعابديني	59
فريد رابطي	60
حسين آقائي	61
عبدالوهاب عباسي	62
محمد معصومي	63
حسين حيدري	64
سروش عبدالوند	65
مجيد رشدي	66
علي انزومي	67
ابوالفضل قره باغي	68
بابك ميين	69
مسعود عباسي	70
مجتبي مصيبي	71
باقر قديري	72

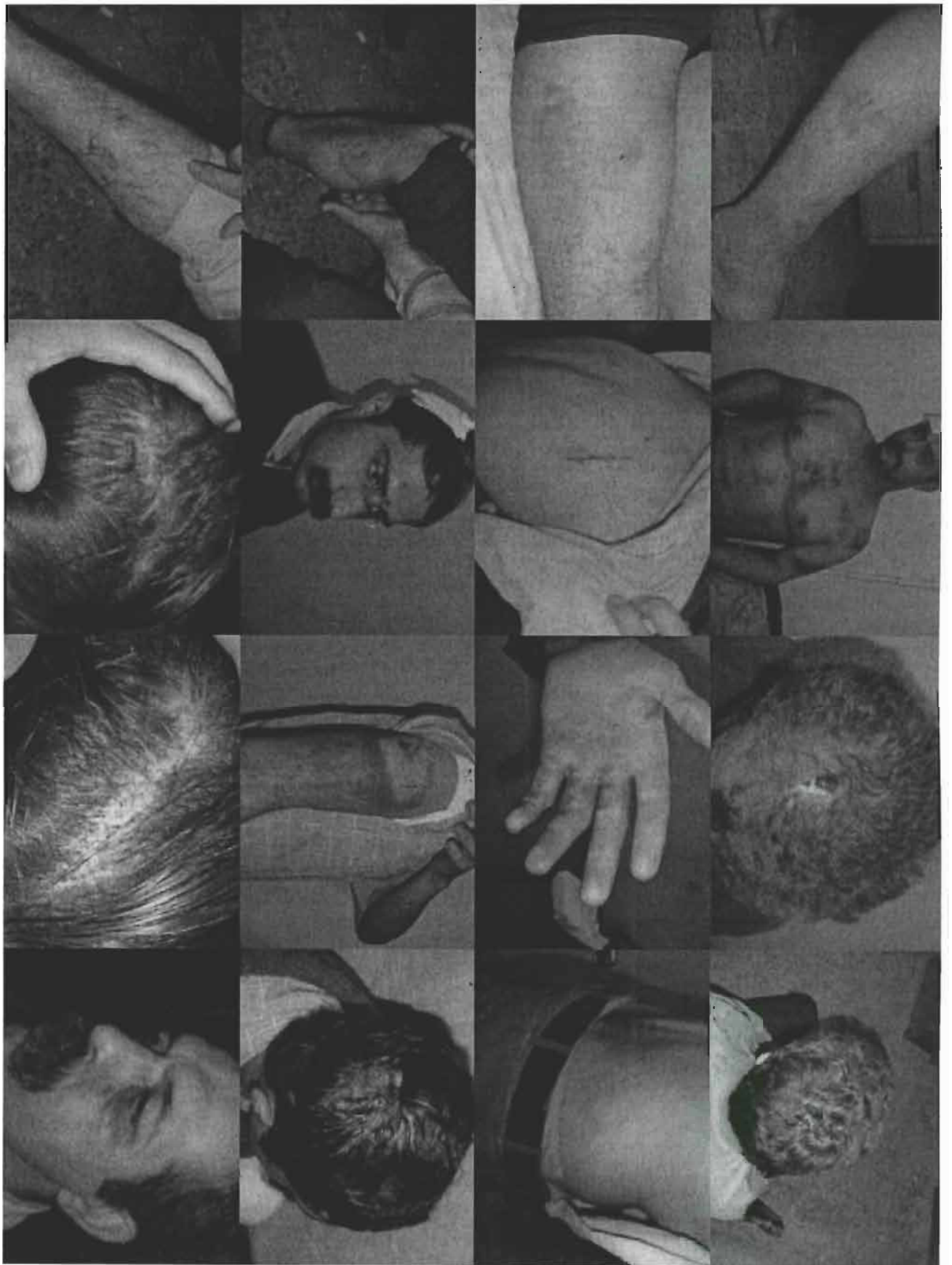
مجتبي صفائي	73
اسما عيل شفيعي	74
ياسر علي ميري	75
مصطفي طا هري	76
فرشيد كرم پور	77
مصطفي جمشيد ي	78
حسن احمدي زاده	79
مهدي اميني	80
رسول جنتي زاده	81
امير شيخ نژاد	82
حجت دهقان	83
مرتضي فلاح	84
نعمت الله رياحي	85
حميد بياتي	86
حسن شاه مرادي	87
مهدي الهامي قدم	88
ضياء الدين ابراهيمي	89
بهمن اشكوه	90
محمد نوري	91
جعفر شهشاهي	92
مرتضي خانجاني	93
سيد جواد هاشمي	94
غلامحسين جمشيد ي	95
مجيد هرمزاني	96
حسن هاشمي	97
مهدي محمدي كا خستاني	98
علي شمسي	99
فرهاد خسرو زاده	100
سعيد رامو	101
حبيب حبيبي	102
زند ربيعي	103
سلمان نوري	104
محمود سجادي	105
محمد رضا صالح	106
محمدرضا فياض	107
محمود پير هادي	108
نورالدين جليلوند	109
تورج رضائي	110
جوئد محمدي	111
مهدي رضائي	112
مهدي احمدوند	113
فرامرز كنگري	114
مهدي اسما عيلي	115
محمد صادق قدميان	116
بساط عبدالله پور	117
عليرضا روستانيان	118
سيد محسن مصطفياني	119
سعيد رنجبر	120
سيد حسن حسيني	121
محمود قاعد شرفي	122
سعيد رحيم زاده	123
محمد جواد ميرحسيني	124
مرتضي نجف زاده	125
فيروز بيدآباد	126
هادي عبدالوند	127
مهدي خاتمي	128
محمد اسما عيلي	129
عباس فدائيان	130
پرويز قهري	131
مصطفي پي مدني	132
ابوالفضل فاضل وحيد	133
محمد زيني پور	134
بهزاد نوري	135
غلامرضا آسيابان	136

مهرداد مهرترفام	137
محمد آقا بزرگي	138
امير زياري	139
اسدالله پناهي	140
سيد ابراهيم حسيني	141
احمدي	142
شهرام مقدسي	143
مرتضي يار احمدي	144
جمشيد داني	145
حميد اسكندري	146
علي چراغي	147
محمد يوسف تبار	148
شايان شمسي پور	149
احد بابازاده	150
محسن خاقاني	151
ابراهيم حكيمي	152
عباس رنجبر	153
وحيد صفي خاني	154
مجيد بطحي	155
كامران قتياليان	156
محسن گودرزي	157
محمد علي قربان زاده	158
مرتضي توکلي	159
اميرعلي محمدي	160
محمد آرمان	161
ابوالفضل چناني	162
بيژن اسفندياري	163
احمد بشيري	164
رومياني	165
حسن بندرن	166
محمد دستفروش	167
سيد حميدرضا قادري	168
علي رضاني	169
مصطفي محمد ميرزاني	170
روح الله محمدي	171
علي اناركيبان	172
ابوالفضل چاقر	173
محسن مؤمن	174
محمد خامه يار	175
حسين اعتمادخواه	176
محمد حجازي	177
عليرضا نيك روش	178
علي طاهري	179
بهرام ذوالفقاري	180
حسين حيدري	181
قائم خوش بيان	182
حميدرضا فهيمي	183
عباس ناصري	184
رضا جوري	185
روزبه صفرزاده	186
مهدي پژمان	187
محمد حسين حيدرزاده	188
حسين عباسي	189
مجيد رشيددي	190
هاشم اجاقي	191
سيد ايوب موسوي	192
حميد مرادي	193
يداللهي	194
غلام كريمي	195
رحيم نظافت	196
بهرامي	197
محمدرضا جعفر آقائي	198
قبا آسايب	199
رمضان خدابخش	200



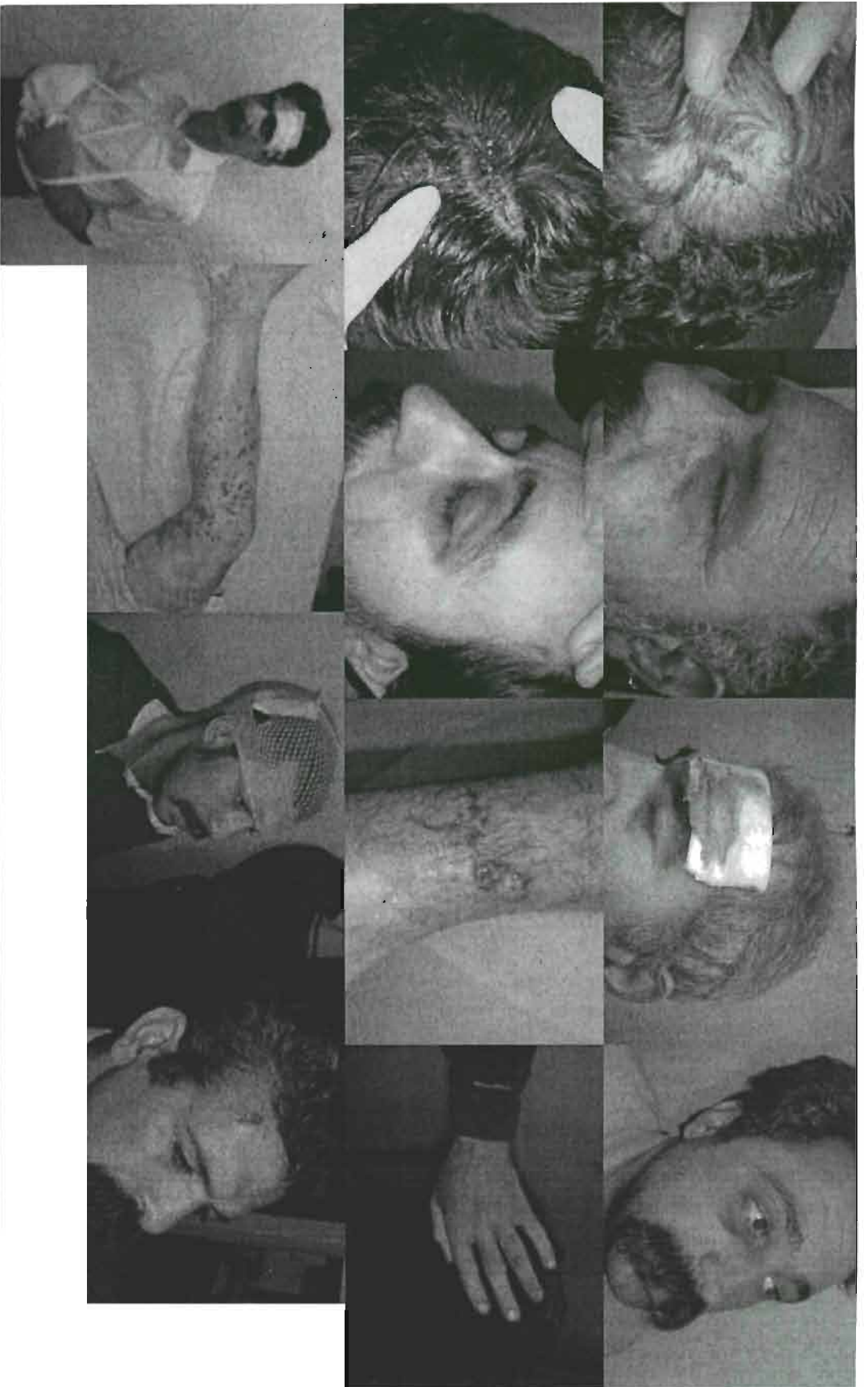












شماره پرونده: Unit Number:

برگ شرح حال  
MEDICAL HISTORY SHEET

Attending Physician:	بزرگ معالج:	Ward:	بخش:	Name:	نام:	Family Name:	نام خانوادگی:
Admission Date:	تاریخ پذیرش:	Room:	اتاق:	Date of Birth:	تاریخ تولد:	Father's Name:	نام پدر:
		Bed:	تخت:				

Presenting Symptoms : نشانه‌های فعلی بیمار :  
Senior Resident - ۵,۲۵' - ۸۶,۷,۲۵  
PM

History of Present Illness : تاریخچه بیماری فعلی :  
shot gun ...  
از مصادف تا محرم سن تقریباً طبیعی بود و در قفسه سینه تا زمان این در وقت صبح در ناحیه در و سینه است که  
سینه تنگ نمی‌گردد کل بزرگ و تغییرات بستن آن در آن حدود ۳۰ دقیقه است که در آن زمان ریه‌ها

Past Disease History : تاریخچه بیماری قبلی :  
کته جراح ...  
شش در وقت صبح ...

Current Drugtherapy & Other Addition : داروهای در حال مصرف و سایر اعتیادات :  
باریک ...  
آب کل ...

Allergy To : حساسیت به :  
در هیچ محل پوست ...

Family History : سوابق فامیلی :  
در آن ...  
سینه ...

Physical Examination & Clinical Investigation : معاینات بدنی و بررسیهای بالینی :  
Skin: پوست :  
Skull: جمجمه :  
Ear: گوش :  
- pale - BR 90/60 - KCR 14 - Mella

Please Complete The Back of The Sheet : لطفاً پشت صفحه را تکمیل کنید :  
... - ...

برگ شرح حال  
MEDICAL HISTORY SHEET

Physical Examination & Clinical Investigation (Continued):

معاینات بدنی و بررسیهای اولیه بالینی (ادامه):

- چشم:  Eye:
- بینی:  Nose:  تمام بینی و سینوسها طبیعی است. مخاط بینی قرمز است.
- دهان:  Mouth:
- گلو:  Throat:  تمام گلویتها طبیعی است. تاندومها طبیعی است.
- گردن:  Neck:
- غدد لنفاوی:  Lymphatic Glands:  تمام غدد لنفاوی طبیعی است.
- ففسه سینه:  Chest:
- پستان:  Breast:  پستانها طبیعی است.
- قلب:  Heart:
- ریه:  Lung:  ریهها طبیعی است.
- عروق:  Vessels:
- شکم:  Abdomen:  شکم طبیعی است. C.F. طبیعی است.
- اندام تناسلی (مرد):  Genital Organ (Male):
- اندام تناسلی (زن):  Genital Organ (Female):
- مقعد:  Rectum:
- اعصاب:  Nervous System:  اعصاب طبیعی است.
- اندام ها (فولانی تحناتی):  Extremities:
- استخوان-مفاصل-عضلات:  Bone-Joints-Muscles:  استخوانها، مفاصل و عضلات طبیعی است.

توضیح: در صورت وجود بیماری یا نقص و هر علامت دیگر در دستگاههای فوق در مقابل آن توضیح داده شده و در غیر اینصورت با علامت  مشخص گردد.

NOTE: In case of abnormalities in any organ: please explain in front of it, in other wise please put

خلاصه:  Summary:  تمام معاینات طبیعی است.

تشخیص اولیه:  Pre-Dx:  تشخیص اولیه: تمام معاینات طبیعی است.

مضامین:  Signature of Examining Physician:  رضا پزشک معاینه کننده:

رضا پزشک معاینه کننده  
۱۳۷۷  
۲۹۷۷





بنا بر این با harvesting و در صحنه در مایه در فصل بهار و تابستان در آن کشور است

شیر و در بر مایه شیر به beveled کردن به هر دو به دلیل در آن کشور است

با وجود آنکه این شیر است و شیر در آن کشور در آن کشور است

نیز در آن کشور است و شیر را در آن کشور است

فصل آن که در آن کشور است و در آن کشور است

بنا بر این که در آن کشور است و در آن کشور است

شیر در آن کشور است و در آن کشور است

لندن

تاریخ

۸۴/۱۱/۱۴  
۱۴۳۰ PM

امضاء جراح :

شماره پرونده: Unit Number:

برگ شرح حال

MEDICAL HISTORY SHEET

Attending Physician: پزشک معالج: دکتر مطرف	Ward: بخش: ج ۲	Name: نام: محمد	Family Name: نام خانوادگی: رومیان
Admission Date: تاریخ پذیرش: ۸۴، ۱۱، ۲۵	Room: اتاق: ۲۵	Date of Birth: تاریخ تولد: ۱۳۳۵	Father's Name: نام پدر:

نشانه‌های فعلی بیمار: ع.ع. - سولیتن آریک - و استرس شش

تاریخچه بیماری فعلی:   
 بیمار آقای ۲۵ ساله است که در روز چهارم به دنبال بروز علائم سینه‌ای  
مانند سینه‌درد، تنگی نفس و کاهش وزن در این سینه، خون در ادران داشته

تاریخچه بیماری قبلی:   
 در گذشته بیمار مبتلا به بیماری قلبی بوده و سابقه سکته قلبی نیز داشته است.  
در این باره نیز سابقه بیماری است که در این سینه بروز کرده است.

تاریخچه بیماری قبلی:   
 در گذشته بیمار مبتلا به بیماری قلبی بوده و سابقه سکته قلبی نیز داشته است.  
در این باره نیز سابقه بیماری است که در این سینه بروز کرده است.

درمان‌های در حال مصرف و سایر اعتیادات:   
 بیمار در حال مصرف فوسفر ۲۰۰، ۲ بار در روز، کلسیم ۱۰۰۰، ۲ بار در روز، ویتامین D۳، ۱ بار در روز، و سایر داروهای دیگر است.

حساسیت به:   
 حساسیت به:   
 - پشم گوسفند -   
 - آرد گندم -   
 - کوباسین

سوابق فامیلی:   
 سابقه بیماری در خانواده:   
 - دیابت -   
 - فشارخون -   
 - کولر -   
 - سرطان -

معاینات بدنی و بررسی‌های بالینی:   
 در معاینات انجام شده، بیمار در وضعیت عمومی متوسط است. در معاینات فیزیکی:  
 پوست:    
 چشم:    
 گوش:    
 سینه:    
 شکم:    
 اندام:

Please Complete The Back of The Sheet:   
 لطفاً پشت صفحه را تکمیل کنید.

برگ شرح حال  
MEDICAL HISTORY SHEET

Physical Examination & Clinical Investigation ( Continued ) :

معاینات بدنی و بررسیهای اولیه بالینی (ادامه) :

Eye :	<input type="checkbox"/>	حکایت بر روی است و اختلال در صورت امتحان	<input type="checkbox"/>	چشم :
Nose :	<input type="checkbox"/>	و در حین است در ۴۲ تا ۴۵ سانت میل	<input type="checkbox"/>	بینی :
Mouth :	<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	دهان :
Throat :	<input type="checkbox"/>	در حین است در ۴۲ تا ۴۵ سانت میل	<input type="checkbox"/>	گلو :
Neck :	<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	کریک :
Lymphatic Glands :	<input type="checkbox"/>	۱۰-۱۲ سانتی متری در ۴۲ تا ۴۵ سانت میل	<input type="checkbox"/>	غدد لنفاوی :
Chest :	<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	قفسه سینه :
Breast :	<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	پستان :
Heart :	<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	قلب :
Lung :	<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	ریه :
Vessels :	<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	عروق :
Abdomen :	<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	شکم :
Genital Organ (Male) :	<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	اندام تناسلی (مرد) :
Genital Organ (Female) :	<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	اندام تناسلی (زن) :
Rectum :	<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	مقعد :
Nervous System :	<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	اعصاب :
Extremities :	<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	اندام ها ( فوقانی تحتانی ) :
Bone-Joints-Muscles :	<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	استخوان-مفاصل-عضلات :

توضیح : در صورت وجود بیماری یا نقص و هر علامت دیگر در دستگامهای فوق در مقابل آن توضیح داده شده و در غیر اینصورت با علامت  مشخص گردد.

NOTE : In case of abnormalities in any organ please explain in front of it, in other wise please put

Summary : خلاصه :

Pre - Dx : تشخیص اولیه :

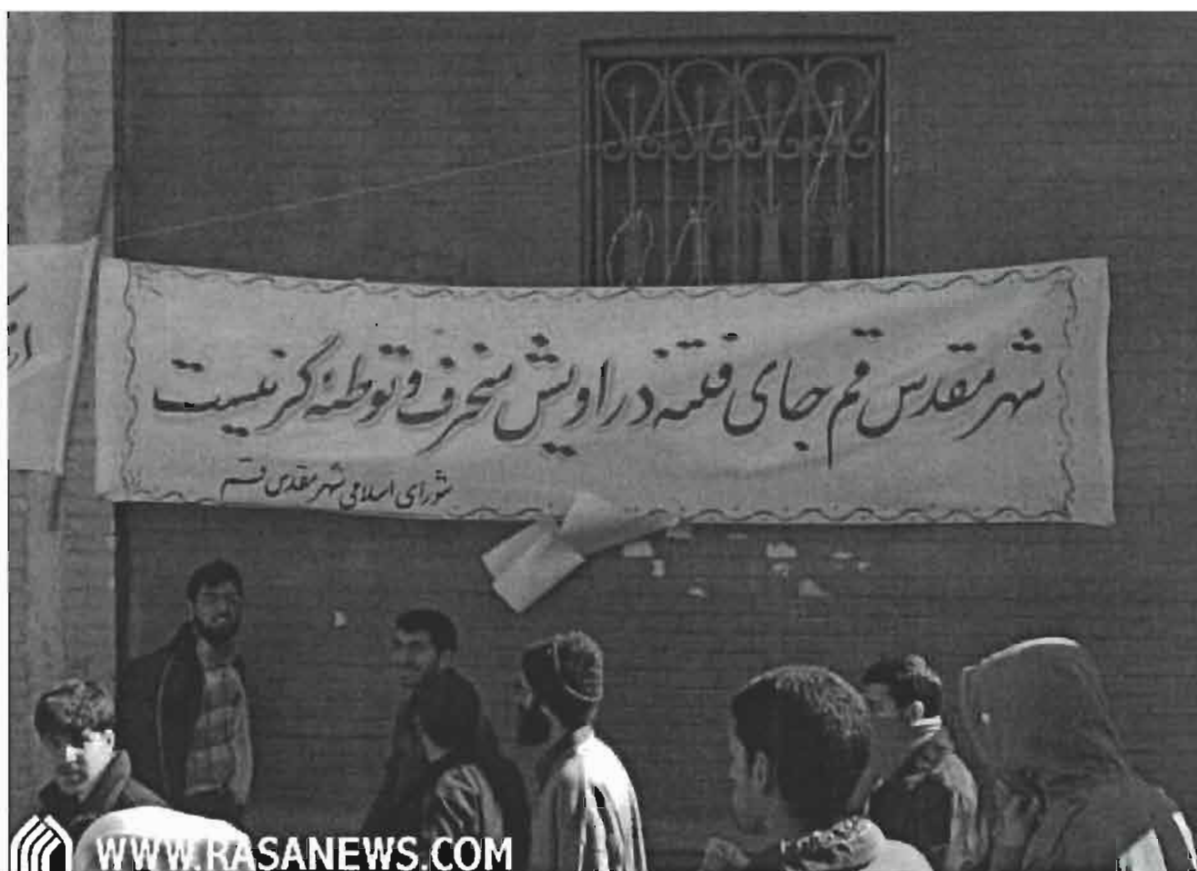
Signature of Examining Physician : امضا پزشک معاینه کننده :

تعداد مشاهده : 191 بار	تاریخ ارسال گزارش : جمعه 28 بهمن 1384
چاپ خبر	تست صفحه
	حاله

## راهپیمایی بصیرت در قم (2)

رسا، سرویس سیاسی - در حاشیه راهپیمایی بصیرت، نمایشگاهی درباره مبانی فکری، اخلاقی، رفتاری و اعتقادی صوفی‌گری و گزارش تصویری از لحظه تهاجم دراویش فرقه شریعت به مردم قم از سوی بسیج مدارس علمیه الهادی، کرمانی‌ها، فیضیه، معصومیه و مانند آن به نمایش گذاشته شد.







ما در چشم بنشینیم و نگاه تو کنیم؟  
که این افسرد این قدر برای  
صوفیه  
تبلیغ کند و برای مراجع تقلید هم  
ما پیغام دادیم که حضوری بیاید  
و صحبت کنیم ولی آنان نیامدند  
از قره‌اشتهات حضرت آیت‌الله عینی (مدظله العالی)  
سید علی میرزایی



WWW.RASANEWS.COM





عکاس: علیرضا فرزین

انتهای گزارش | خانه | بالای صفحه | ارسال نقطه نظرات

کلیه حقوق وب سایت متعلق به موسسه فرهنگی لوح و قلم بوده و استفاده از مطالب بدون ذکر منبع پیگرد فائوبی دارد  
طراحی و تولید : خدمات بازرگانی الکترونیک ایده ارقام - بسته گزارش الکترونیک نسخه 5

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا<sup>۱</sup>

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ<sup>۲</sup>

### مروری بر حقانیت تصوف از نگاه علماء اعلام کثرالله امثالهم

آیت الله خمینی:

استاد مطهری:

«و من تو را ای برادر عزیز سفارش می‌کنم که به این عارفان و حکیمان که از تبعیان خالص علی بن ابی طالب و اولاد معصوم او علیهم السلام هستند و در راه آنان قدم برمی‌دارند و به ولایت و دوستی آنان متمسکند گمان بد میر و مبادا که درباره آنان سخن ناپسندی بزنی و یا به آنچه درباره آنان گفته شده گوش فرا دهی که می‌افتی به آنجا که باید بیفتی.»<sup>۳</sup>

«سخن در این بیست که عرفای مسلمین از این سرمایه‌ها چگونه استفاده کرده‌اند، سخن درباره اظهار نظرهای مغرضانه، گروهی غربی و غربزده است که می‌خواهند اسلام را از نظر معنویت، بی‌محتوا معرفی نمایند. سخن درباره سرمایه عظیمی در متن اسلام است که می‌توانسته اطمینان بخش حوی در جهان اسلام باشد.»<sup>۴</sup>

کسانی که گمان می‌کنند تصوف و عرفان پدیده‌ای متفاوت از اسلام است و با راه انداختن غائله و فتنه و سروصدا و آشوب حسینه صوفیه را به آتش می‌کشند و تخریب می‌کنند لازم است از جهت اعتلای اسلام و ایجاد وحدت و اتحاد مسلمین بدانند که سلسله جلیله عرفای مرتضوی رضوی نعمت‌اللهی گنابادی که شیعه اثنی عشری و منتظران ظهور حضرت حجت امام دوازدهم عجل الله فرجه و در شریعت مقلد آیت‌الله خمینی و سایر مراجع جامع الشرائط می‌باشند و با طهارت و به یاد خدا موظفند و بسیاری از آنها از تهجد غفلت ندارند و علاوه بر عمل به واجبات و مستحبات و ترک محرمات از مکروهات نیز پرهیز دارند. شاهد این مدعا صفحه ۲۲۱ کتاب شریف ولایتنامه اثر خامه سلطان العارفين و برهان الواصلين آخوند ملا سلطانمحمد گنابادی ملقب به سلطانعلیشاه طاب ثراه می‌باشد که آیت‌الله خمینی در تفسیر سوره حمد خود از ایشان به عنوان عالم طراز اول از صدر اسلام تا کنون نام می‌برد (که معروض خواهد شد) چنین می‌فرماید: «پس سالک باید مراقب حال خود باشد که دقیقه‌ای از محرمات و مکروهات را مرتکب نشود و اگر از دارالعلم انسانیت تنزل کرد و به دار الجهل نفسانیت افتاد و به اقتضای شیطنت یا سبعیت یا بهیمیت به خطا یا نسیان مرتکب حرام یا مکروهی شد به زودی تدارک کند به توبه و استغفار».

واقعۀ تخریب حسینه قم باعث تعجب و تأسف و تأثر شد از این که عاملان آن بدون اطلاع و آگاهی از عرفان اسلامی و بدون مطالعه کتب عرفا و با عدم آگاهی از سیر و سلوک الی الله بر اثر اغواء و تحریک نادانان و مغرضان و معاندین عرفان و خدا ناشناسان از حقیقت بی‌خبر نه تنها به مسلمانان بلکه به مراجع تقلید اهانت روا داشتند. در حالی فرقه دراویش را ضالک خطاب نمودند که حضرت ختمی مرتبت (ص) الْفَقْرُ فُخْرِي وَ اَنَا اَفْتَخِرُ بِهِ عَلِي سَابِرِ الْأَنْبِيَاءِ<sup>۵</sup> فرمودند<sup>۶</sup> که در کتاب غوالی اللئالی ابن جمهور این

<sup>۱</sup> بگوئید لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رستگار شوید.

<sup>۲</sup> سوره آل عمران، آیه ۶۴. بگو ای اهل کتاب به سوی کلمه یکسان میان ما و شما بیایید.

<sup>۳</sup> صفحه ۷۳ مصاح المهدایة الی الخلافة و الولاية.

<sup>۴</sup> صفحه ۱۰۲، جلد ۲، آشنایی با علوم اسلامی، کلام، عرفان، حکمت عملی.

<sup>۵</sup> سفینه البحار، جلد ۲، صفحه ۳۷۸. درویشی افتخار من است و من به آن بر دیگر پیامبران افتخار می‌کنم.

<sup>۶</sup> چنانکه حضرت موسی علیه السلام هم خطاب به خداوند خود را فقیر دانسته و عرض کرد: رَبُّ اِنِّي لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَيْ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ. سوره قصص، آیه ۲۴. پروردگارا همانا منم به آنچه فرستادی به سویم از خوبی، درویش.

حدیث مستند درج است.<sup>۷</sup> همچنین آیت‌الله خمینی به هیئتی از مسؤولین مملکتی خود را درویش معرفی نمودند و گفتند: «من هم افتخار می‌کنم که درویشم». هر کسی که بالفعل به مقام درویشی<sup>۸</sup> که به حکم آیه یا ایها الناس انتم الفقراء ائلی الله<sup>۹</sup> که فطرت انسانی است برسد به کمال انسانیت رسیده است و عارف شیراز، حافظ درباره چنین کسانی لب به سخن می‌گشاید<sup>۱۰</sup>. علامه شهید استاد مطهری این درویش را در صفحه ۷۷ کتاب تماشاگه راز چنین معرفی می‌کند: «شعر حافظ نمونه کوچکی از قرآن، نهج البلاغه، دعاهای کمیل و ابوحمزه ثمالی و صحیفه سجّادیه است» و در صفحه ۹۸ همان کتاب می‌نویسد: «حافظی که افتخار ایران است» و در صفحه ۱۲۳ می‌گوید: «حافظ گلی است از یک بوستان، و آن بوستان معارف اسلامی است. در صورتی که بزرگترین ادیب

<sup>۷</sup> از حضرت رسول اکرم در کتاب مثنوی (دفتر اول) منقول است که مَنْ ارَادَ أَنْ يَجْلِسَ مَعَ اللَّهِ فَلْيَجْلِسْ مَعَ أَهْلِ التَّصَوُّفِ (کسی که اراده کند با خدا نشیند باید با اهل تصوف بنشیند) این حدیث در کتاب بشاره المصطفی لشعبة المرتضی به عبارت مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَجْلِسَ مَعَ اللَّهِ فَلْيَجْلِسْ مَعَ أَهْلِ التَّصَوُّفِ (کسی که از همنشینی با خدا خوشحال می‌شود باید با اهل تصوف همنشینی کند) آمده است. و یا حدیث قال رسول الله (ص) لَا تَطْعَمُوا أَهْلَ التَّصَوُّفِ وَ الْخِرَقَ فَإِنَّ أَخْلَاقَهُمْ أَخْلَاقُ الْأَنْبِيَاءِ وَ لِبَاسَهُمْ لِبَاسُ الْأَنْبِيَاءِ، (حضرت رسول (ص) فرمود طعن مکنید و عیب نمائید بر اهل صوفیه و خرقه پوشان پس به درستی که اخلاق ایشان اخلاق انبیاء و لباس ایشان لباس انبیاء است). و نیز در همین کتاب مرویست که قَالَ رَسُولُ اللَّهِ رَاغِبُوا فِي دَعَاءِ أَهْلِ التَّصَوُّفِ وَ اصْحَابِ الْجُوعِ وَ الْعَطَشِ فَإِنَّ اللَّهَ يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَ يَسْرِعُ فِي اجَابَتِهِمْ یعنی حضرت رسول (ص) فرمود که میل نمائید و دعا طلب کنید از اهل تصوف و گرسنگان و تشنگان یعنی روزه داران پس به درستی که حق سبحانه و تعالی نظر رحمت می‌کند به سوی ایشان و زود اجابت می‌نماید دعای ایشان را. غیر از کتب عامه، این سه حدیث در کتاب بشاره المصطفی لشعبة المرتضی تألیف شیخ عمادالدین محمد بن ابی القاسم علی الطبری نیز نقل شده است. ملا محمد باقر مجلسی در فهرست بحار الانوار این کتاب را به وی منسوب می‌داند. در کتاب حلیه الاولیاء حافظ ابونعمین اصفهانی از امام جعفر صادق (علیه السلام) منقول است که فرمود: مَنْ عَاشَ فِي ظَاهِرِ الرَّسُولِ فَهُوَ سَتِي وَ مَنْ عَاشَ فِي بَاطِنِ الرَّسُولِ فَهُوَ صَوْفِي (کسی که به ظاهر رسول زیست پس او سنی است و کسی که به باطن رسول زیست پس او صوفی است). جلد ۱ صفحه ۲۰.

<sup>۸</sup> از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در دعای کمیل رسیده: يَا عَلِيمًا بِذُلِّي (بضرّی) وَ مُسَكِّنِي يَا خَيْرًا بِفَقْرِي وَ فَاقِي (ای آگاه از نزاری و ناداریم و ای با خبر از درویشی و بیچارگیم). از حضرت حسین (علیه السلام) در دعای عرفه آمده: «أَنَا أَسْأَلُكَ بِذَلِكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ ... أَنْتَ اغْنِي بِذَاتِكَ ... إِلَهِي أَنَا فَقِيرٌ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي ... إِلَهِي كَيْفَ لَا أَفْقِرُ وَ أَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ أَقَمْتَنِي أَمْ كَيْفَ أَفْقِرُ وَ أَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَغْنَيْتَنِي» (من به سوی تو به درویشی خویش توسل می‌جویم ... تو به ذات خود غنی هستی ... خدایم من در ثروتمندیم درویش هستم چگونه در درویشیم درویش تو نباشم ... خدایم چگونه درویش نباشم که تو مرا در درویشان جای دادی و چگونه درویش باشم در حالی که تو به جود و بخشش خود مرا غنی نمودی). در دعای یستشیر آمده است: «... أَنْتَ الْغَنِيُّ وَ أَنَا الْفَقِيرُ ...» (تو غنی و من درویشم). و در دعای دیگر معصوم (علیه السلام) می‌فرماید: «مولای یا مولای أَنْتَ الْغَنِيُّ وَ أَنَا الْفَقِيرُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرَ إِلَّا الْغَنِيُّ» (مولای من ای مولای من، تو غنی و من درویشم و آیا غیر از غنی به درویش رحم می‌کند).

<sup>۹</sup> سوره فاطر، آیه ۱۵. ای مردم شما درویش به خدا هستید.

<sup>۱۰</sup> غزل زیر از خواجه حافظ است:

روضه خلد برین خلوت درویشان است	مایه محتشمی خدمت درویشان است
گنج عزلت که طلسمات عجائب دارد	فتح آن در نظر همت درویشان است
قصر فردوس که رضوانش به دربانی رفت	منظری از چمن نزهت درویشان است
آنچه زر می‌شود از پرتو آن قلب سیاه	کیمیائست که در صحبت درویشان است
و آنکه پیشش بنهد تاج تکبر خورشید	کبریائست که در حشمت درویشان است
دولتی را که نباشد غم از آسیب زوال	بی تکلف بشنو دولت درویشان است
خسروان قبله حاجات جهانند ولی	سببش بندگی حضرت درویشان است
از کران تا به کران لشکر ظلم است ولی	از ازل تا به ابد فرصت درویشان است
روی مقصود که شاهان به دعا می‌طلبند	مظهرش آینه طلعت درویشان است
ای توانگر مفروش این همه نخوت که ترا	سیم و زر در کنف همت درویشان است
گنج قارون که فرو می‌رود از قهر هنوز	خوانده باشی که هم از غیرت درویشان است
بنده آصف عهدیم که در سلطنتش	صورت خواجهگی و سیرت درویشان است
ای دل اینجا به ادب باش که سلطانی و ملک	موجب بندگی حضرت درویشان است
حافظ ار آب حیات ابدی می‌خواهی	منبعش خاک در خانه درویشان است

جهان هم بیاید نمی‌تواند حافظ را شرح کند. حافظ را عارفی باید شرح کند که ادیب هم باشد. به همین دلیل است این بنده با تمام صراحت عرض می‌کنم که هیچ مدعی شرح حافظ نیستم چون نه عارفم و نه ادیب».

بلی این دل سوختگان و خداجویان که پیوسته به اشک دیده و خون جگر وضو می‌سازند و جز خدا چیزی نمی‌خواهند و جز بندگی او و اطاعت از انبیاء و اولیاء و اوصیاء علیهم السلام و علمای اعلام عاملین بر آستان کسی سر فرود نمی‌آورند را درویش و صوفی و عارف و فقیر می‌نامند که استاد مطهری در این مورد در کتاب کلام، عرفان و حکمت عملی<sup>۱۱</sup> خود بطور مبسوط بحث می‌کنند.

اکنون در شناخت این فرقه ناجی بلکه منجی سیری در آثار آیت‌الله خمینی می‌کنیم تا بدانید که ایشان در حق این قوم چه سخنان ارزنده‌ای دارند. در صفحه ۷۱ کتاب مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية<sup>۱۲</sup> درباره چگونگی فهم و درک کلمات و سخنان عرفا و درک مقامات عرفانی می‌گویند: «این کار باید در نزد ولییی از اولیاء خدا که منصب ارشاد داشته باشد و تو را به مقصد و مقصود آن بزرگان راهنمایی کند انجام گیرد» و در صفحه ۷۳ همین کتاب می‌نویسند: «و من تو را ای برادر عزیز سفارش می‌کنم که به این عارفان و حکیمان که از شیعیان خالص علی بن ابی طالب و اولاد معصوم او علیهم السلام هستند و در راه آنان قدم برمی‌دارند و به ولایت و دوستی آنان متمسکند گمان بد میر و مبدا که درباره آنان سخن ناپسندی بزنی و یا به آنچه درباره آنان گفته شده گوش فرا دهی که می‌افتی به آنجا که باید بیفتی»<sup>۱۳</sup> و تنها مطالعه کتابهای آنان بدون آن که به اهل اصطلاح مراجعه شود کافی نیست که از مقاصد آنان اطلاع حاصل شود زیرا هر قومی را زبانی مخصوص و هر طریقه‌ای را بیان ویژه‌ای است».

در صفحات ۸۰ و ۸۱ همان کتاب می‌نویسند: «ای خدائی که مردگان را از گورها برانگیزی ... دل‌های ما را از این کهنه قبرستان برانگیزان و بار ما را از این کوره ده سرزمین ستم بر بند تا در نشئه قلبی انوار معرفت را مشاهده کنیم و گوش دل ما سروشهای پیامبرتا در آن نشئه بشنود. باشد که بهره ما از نبوت تنها آن نباشد که با گفتن شهادت به زبان خون و مال خود را محفوظ داشته و از عمل کردن به احکام او مقصود ما فقط اکتفا کردن در رابطه با قواعد فقهی و موافقت داشتن برحسب صورت باشد و از خواندن قرآن کریم هدف ما زیبا خواندن و فراگرفتن احکام تجوید و مخارج حروف باشد تا در نتیجه این کوتاه نظری از آنان باشیم که خدای تعالی درباره‌شان فرموده است: بر گوش و چشمهایشان پرده کشیده شده است و نیز فرموده است: دل‌های آنان گرفتار بیماری است»<sup>۱۴</sup>.

<sup>۱۱</sup> آشنائی با علوم اسلامی، جلد دوم، کلام-عرفان-حکمت عملی، چاپ صدرا، ۱۳۷۵. استاد مطهری در این کتاب ضمن بحث مفصلی در عرفان و تصوف می‌نویسد: «اهل عرفان هر گاه با عنوان فرهنگی یاد شوند با عنوان عرفا و هر گاه با عنوان اجتماعیشان یاد شوند غالباً با عنوان متصوفه یاد می‌شوند. عرفا و متصوفه یک انشعاب مذهبی در اسلام تلقی نمی‌شوند و خود نیز مدعی چنین انشعابی نیستند و در همه فرق و مذاهب اسلامی حضور دارند».

<sup>۱۲</sup> ترجمه سید احمد فهری، ۱۳۶۰، چاپ پیام آزادی.

<sup>۱۳</sup> در نامه‌ای در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۸ به حاج آقا احمد خمینی (صفحه ۸۱، وعده دیدار) می‌نویسند: «پسرم سعی کن اگر از اهل مقامات معنوی نیستی انکار مقامات روحانی و عرفانی را نکنی که از بزرگترین حیل‌های شیطان و نفس اماره که انسان را از تمام مدارج انسانی و مقامات روحانی باز می‌دارد و اداری اوست به انکار و احیاناً به استهزاء سلوک الی الله که منجر به خصومت و ضدیت با آن شود و آنچه تمام انبیاء عظام صلوات الله علیهم و اولیاء کرام سلام الله علیهم و کتب آسمانی خصوصاً قرآن کریم کتاب جاوید انسان ساز برای آن بوجود آمده‌اند در نطفه خفه شود... آنچه اشاره کردم با آن که خود هیچ و از هیچ هیچ‌تر برای آن است که اگر به جانی نرسیدی انکار مقامات معنوی و معارف الهی را نکنی و از کسانی باشی که دوستدار صالحین و عارفین باشی هر چند از آنان نیستی و با دشمنی دوستان خدای متعال از این جهان رخت نبندی». در صفحه ۱۲۰ همین کتاب در نامه‌ای دیگر به ایشان وصیت می‌کنند: «پسرم آنچه در درجه اول به تو وصیت می‌کنم آن است که انکار مقامات اهل معرفت نکنی که این شیوه جهال است و از معاشرت با منکرین مقامات اولیاء پرهیزی که اینان قطاع طریق حق هستند».

<sup>۱۴</sup> اشاره به آیات ۱۲-۷ سوره بقره می‌باشد: خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ  
الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ مَا يُخَادِعُونَ اللَّهَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ وَ إِذَا  
قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَ لَكِن لَّا يَشْعُرُونَ. خدا مهر نهاد بر دل‌هاشان و بر گوششان و بر دیدگان ایشان پرده‌ای

در صفحه ۹۱ این کتاب در مورد این که کلام عرفا راز است چنین می‌نویسند: «و پشت پرده این سخن رازی است که توان اظهار آن نیست و سزاوارتر آن که هم چنان در زیر پرده‌هایش نهان بماند».

در صفحات ۲۰۹-۲۰۸ ضمن شرح اسفار اربعه اهل سیر و سلوک عرفانی می‌نویسند: «از اینجا است که اهل سلوک معتقدند که سالک را چاره‌ای نیست از این که باید معلّم و رهبری داشته باشد تا او را به سلوک رهبری کند و آن رهبر باید به کیفیات سلوک عارف باشد و از جاژه ریاضات شرعی خارج نشود که راههای سلوک باطنی به شماره درنیاید و به عدد نفسهائی که مردم می‌کشند راه برای سلوک الی الله هست،

قطع این مرحله بی‌همراهی خضر مکن      ظلمات است بترس از خطر گمراهی»

چه بزرگان صوفیه از این معلّم اخلاق و معنویات و رهبر سیر و سلوک سالکین می‌باشند که در شریعت با آنکه مجتهد می‌باشند جهت وحدت اسلام و مسلمین از علما و مراجع جامع الشرایط نظیر آیت‌الله خمینی امر به تقلید می‌کنند یا عمل به احتیاط می‌فرمایند.

در صفحات ۶۴-۶۵ کتاب آداب الصلوة<sup>۱۵</sup> ضمن شرح سیر و سلوک می‌نویسند: «و پس از این منزل، منزلی است که از هفت شهر عشق عطار پس از آن نمونه‌ای حاصل؛ و آن قائل سالک<sup>۱۶</sup> در خم یک کوجه خود را دیده، و ما در پشت سورها و حجابهای ضخیم واقیم و آن شهرها و شهریارها را جزء بافته‌ها گمان می‌کنیم. من با شیخ عطار یا میثم تمار کار ندارم ولی اصل مقامات را انکار نمی‌کنم و صاحب آنها را از جان و دل طلبکارم و در این محبت امید فرج دارم، تو خود هر چه خواهی باش و با هر که خواهی پیوند.

مدعی خواست که آید به تماشگاه دوست      دست غیب آمد و بر سینۀ نامحرم زد

ولی در اخوت ایمانی و خلّت روحانی با احباء عرفانی خیانت روا ندارم و از نصیحت که از حقوق مؤمنین است به یکدیگر، خودداری ننمایم. بالاترین قدارت<sup>۱۷</sup> معنوی که تطهیر آن را با هفت دریا نتوان نمود و انبیاء عظام علیهم السلام را عاجز نمود، قدارت جهل مرکب است که منشاء داء<sup>۱۸</sup> عضال<sup>۱۹</sup> انکار مقامات اهل الله و ارباب معرفت است و مبدأ سؤ ظن به اصحاب قلوب است. و تا انسان به لوث این قدارت آلوده است، قدمی به سوی معارف نخواهد برداشت؛ بلکه بسا باشد که این کدورت نور فطرت را، که چراغ راه هدایت است، خاموش کند و آتش عشق را که براق عروج به مقامات است فرو نشاند و منتفی کند و انسان را در ارض طبیعت مخلد نماید». امید است تأمل و دقت شود که چه می‌کنند. قیام ناکثین و مارقین و قاسطین<sup>۲۰</sup> علیه حضرت مولی‌الکائنات

و برای ایشان عذابی بزرگ است. و گروهی از مردمند که گویند به خدا و به روز آخر ایمان آوردیم در حالی که مؤمن نیستند، با خدا و کسانی که ایمان آورده‌اند نیرنگ می‌بازند، در حالی که جز خویشان را فریب نمی‌دهند و در نمی‌یابند. در دل‌های آنان مرضی است و خدا بیفزودشان مرضی و ایشان را عذابی دردناک است به آنچه دروغگو بودند. و اگر به آنان گفته شود در زمین فساد نکنید، گویند ما جز اصلاح کنندگان نیستیم. همانا آنانند مفسدان ولیکن در نمی‌یابند.

<sup>۱۵</sup> صفحه ۵۸ چاپ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲.

<sup>۱۶</sup> مولانا جلال‌الدین محمد رومی، مولوی.

<sup>۱۷</sup> جمع قدر به معنی چرکین و پلید.

<sup>۱۸</sup> درد، ناخوشی.

<sup>۱۹</sup> آلوده، زشت، بدخو.

<sup>۲۰</sup> در کتاب شریف عهد الهی از سخنرانیهای حضرت محبوبعلیشاه در مورد این سه گروه می‌فرمایند: «... علی‌الکلیه میزان طاعت بود و عبادات همه به ترازوی علی سنجیده می‌شود و به همین دلیل ولایت علی‌الکلیه شرط قبولی طاعات است.

آن را که دوستی علی نیست کافر است      گو زاهد زمانه و گو شیخ راه باش

کسانی که از صراط مستقیم علی‌الکلیه منحرف شدند به سه عنوان معروف شدند: ناکثین و قاسطین و مارقین. اینها مسلمانانی بودند که یا میل به دنیا و یا عدم توجه به حقیقت ولایت یا زهد خشک از نوع عابدان تاجر مانع از آن شد که در زمره ابرار باشند. ناکثین، بیعت خود را شکستند و بر علی شمشیر کشیدند.

دلیل بر آن نیست و نبود که پیغمبر اکرم (ص) ناقص یا بد تربیت کرد.

و در صفحه ۱۸۳ این کتاب<sup>۲۱</sup> برای تذکر به اهل فضل و دانش اینطور می‌نویسند: «افسوس که ما از معارف الهیه و از مقامات معنویه اهل الله و مدارج عالیة اصحاب قلوب به کلی محرومیم. یک طایفه از ما به کلی مقامات را منکر و اهل آن را به خطا و باطل و عاقل دانند؛ و کسی که ذکری از آنها کند یا دعوتی به مقامات آنها نماید، او را بافنده و دعوت او را سطح محسوب دارند. این دسته از مردم را امید نیست که بتوان متنبه به نقص و عیب خویش کرد و از خواب گران بیدار نمود- اِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ اَحْبَبْتَ<sup>۲۲</sup>. و مَا اَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ<sup>۲۳</sup>... وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُوْرٍ<sup>۲۴</sup> این طایفه هر چه حدیث و قرآن از محبت و عشق الهی و حب لقاء و انقطاع به حق بر آنها فروخوانند، به تأویل و توجیه آن پردازند و مطابق آراء خود تفسیر کنند - آن همه آیات لقاء و حب الله را به لقاء درختهای بهشتی و زندهای خوشگل توجیه نمایند. نمی‌دانم این گروه با فقرات مناجات شعبانیه چه می‌کنند که عرض می‌کنند: اَللّٰهُمَّ لِيْ كَمَالِ الْاِنْقِطَاعِ اِلَيْكَ، وَ اَنْرْ اَبْصَارَ قُلُوْبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا اِلَيْكَ حَتّٰى تَخْرُقَ اَبْصَارُ اَلْقُلُوْبِ حُجُبَ الثُّوْرِ فَتَصِلَ اِلَى مَعْدِنِ الْعَظْمَةِ وَ تَصِيْرَ اَرْوَاحِنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ. اَللّٰهُمَّ وَ اجْعَلْنِيْ مِمَّنْ نَادَيْتَهُ فَاَجَابَكَ، وَ لَا حَظَّتْهُ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ<sup>۲۵</sup>. آیا این "حجب نور" چیست؟ آیا "نظر به حق" مقصود گلابیهای بهشت است؟ آیا "معدن عظمت" قصرهای بهشتی است؟ آیا "تعلق ارواح به عز قدس"، یعنی تعلق به دامن حور العین برای قضای شهوت؟ آیا این "صعق و محو از جلال"، یعنی محو در جمال زندهای بهشتی است؟ آیا این جذبها و غشوه‌ها که برای رسول خدا (ص) در نماز و معراج دست می‌داده و آن انوار عظمت و بالاتر از آن را که مشاهده می‌کرده در آن محفلی که اعظم ملائکه الله که جبرئیل امین علیه السلام است محرم سر نبود و جرأت پیشرفت آنمله‌ای<sup>۲۶</sup> نداشت، جذبها برای یکی از زندهای خیلی خوب بوده؟ یا انواری مثل نور شمس و قمر و بالاتر از آن می‌دید؟ ... مقصودی از این کلام نیست جز آنکه

---

حضرت علی علیه السلام عایشه و طلحه و زبیر را ناکث خواند. اینها پیروان حضرت بودند که عهد شکستند و ناکث یعنی پیمان شکن - البته عایشه بیعت نکرد، منتهی چون با طلحه و زبیر و غیرها همراهی کرد، او را هم جزء ناکثین آورده‌اند. دیگر، قاسطین بودند. قاسط از ریشه قسط به معنای عدل و داد است ولی قاسط به معنای ظالم است. حضرت علی علیه السلام معاویه و پیروانش را قاسطین نامیدند.

در جنگ صفین عمروعاص که به مکر و حيله معروف بود، زمانی که مشاهده کرد جنگ معاویه علیه علی علیه السلام در حال شکست خوردن است، به لشکریان دستور داد که قرآنها را بر سر نیزه کنند و علی علیه السلام که این مطلب را دید و می‌دانست حيله‌ای بیش نیست و برای این است که آنها را فریب بدهد، دستور داد که توجیهی به بالا بردن قرآنها بر روی نیزه نکنند و تا پیروزی کامل، به حمله ادامه بدهند. در این هنگام در بین لشکریان علی علیه السلام مهممه افتاد که به حرمت قرآن، جنگ متوقف گردد. آن گروه لشکریان علی هم که فقط توجه به ظاهر دین داشتند و متوجه نبودند که قرآن، صامت است و مبین می‌خواهد و قرآن ناطق علی علیه السلام است، گوش به نصایح علی ندادند و لذا به جنگ ادامه ندادند و کار به حکمیت کشید در حالی که حقیقت قرآن، علی بود ...

بدین قرار عده‌ای از ایشان سرپیچی کردند و قتلشان را واجب دانستند. عده‌ای از اصحاب خاص علی که بیعت ایمانی با ایشان کرده بودند، در جریان حکمیت از ایشان جدا شدند و به سب و لعن حضرت پرداختند و حضرت علی علیه السلام ایشان را مارق خواند یعنی کسی که از دین خروج کرده، از دین برگشته است. خوارج جزو پیروان خاص حضرت بودند. اینها مردمی بودند زاهد شب زنده دار، قاری قرآن و متشرع. قائم اللیل و صائم النهار بودند ولی چون توجه به مقام ولایت علی علیه السلام نداشتند، از دین خارج گشتند هر چند ظاهراً مسلمانانی عابد و زاهد بودند. ولی چون اینها از ابتدا به دنبال ظلم نبودند و بیعت ایمانی هم با حضرت بسته بودند ولی بعداً منحرف شدند، حضرت پس از فریب خوردن درباره‌شان فرمود: بعد از من خوارج را نکشید زیرا اینها برخلاف معاویه به دنبال حقیقت بودند ولی به سبب ظاهرینی گمراه شدند ولی معاویه و عمروعاص از اول دنبال باطل بودند و به مقصود خود رسیدند.

<sup>۲۱</sup> صفحات ۱۶۸-۱۶۶ چاپ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲.

<sup>۲۲</sup> سوره قصص، آیه ۵۶. همانا تو هر که را دوست داری هدایت توانی کرد.

<sup>۲۳</sup> سوره فاطر، آیه ۲۲. و تو به کسانی که در گورهایند نمی‌توانی بشنوانی.

<sup>۲۴</sup> سوره نور، آیه ۴۰. کسی که خدا برای او نوری قرار ندهد وی را نوری نخواهد بود.

<sup>۲۵</sup> مناجات شعبانیه، بحار الانوار، جلد ۹۱، صفحه ۹۹. بار الها، کمال بریدگی (از تعلقات) برای توجه به خودت ارزانیم فرما، و چشم دلهايمان را به نور نظر کردن به خودت روشن گردان تا دیدگان دل پرده‌های نور را دریده به کان عظمت و جلال برسد و جانهايمان به عزت قدس آویخته گردد. بار الها، مرا از آتانی قرارده که چون آوازشان دهی تو را اجابت می‌نمایند و چون به دیدار رسند از جلال تو بیهوش می‌شوند.

<sup>۲۶</sup> سر انگشت.

برای برادران ایمانی، خصوصاً اهل علم، تنبّهی حاصل آید و لاف‌ل منکر مقامات اهل الله نباشند، که این کار سر منشأ تمام بدبختیها و شقاوتها است.»

و در صفحه ۱۶۷ این کتاب<sup>۲۷</sup> در اخطار به منکرین اهل عرفان و تصوّف و قانعین به شریعت مقدّس می‌نویسند: «و کسانی که دعوت به صورت محض می‌کنند و مردم را از آداب باطنیه باز می‌دارند و گویند شریعت را جز این صورت و قشر معنی و حقیقتی نیست، شیاطین طریق الی الله و خارهای راه انسانیتند، و از شرّ آنها باید به خدای تعالی پناه برد که نور فطرت الله را که نور معرفت و توحید و ولایت و دیگر معارف است در انسان منتفی می‌کنند و حجابهای تقلید و جهالت و عادت و اوهام را به روی آن می‌کشند، و بندگان خدای تعالی را از عکوف به درگاه او و وصول به جمال جمیل او باز می‌دارند و سدّ طریق معارف می‌نمایند، و قلوب صافی بی‌آلایش بندگان خدا را که حق تعالی با دست جمال و جلال خود تخم معرفت در خمیره آنها پنهان فرموده و انبیاء عظام و کتب آسمانی را فرستاده برای تربیت و تنمیه آن، به دنیا و زخارف آن و جهات مادی و جسمانی و عوارض آن متوجّه می‌کنند و از روحانیات و سعادات عقلیه منصرف می‌کنند، و حصر عوالم غیب و جتّه‌های موعوده را می‌نمایند به همان مأکولات حیوانیه و مشروبات و منکوحات و دیگر از مشتتهای حیوانی. اینها گمان کنند که حق تعالی این همه بسط بساط رحمت فرموده و با این همه تشریفات کتابها نازل فرموده و ملائکه الله معظم فرو فرستاده و انبیاء عظام مأمور فرموده برای اداره کردن بطن و فرج، غایت معارفشان این است که بطن و فرج را در دنیا حفظ کن تا به شهوات آن در آخرت برسی. آن قدری که اهمّیت به جماع پانصد ساله می‌دهند به توحید و نبوات نمی‌دهند؛ و تمام معارف را مقدمه تعمیر بطن و فرج می‌دانند. و اگر حکیمی الهی یا عارفی ربّانی به روی بندگان خدا بخواهد دری از رحمت باز کند و ورقی از حکمت الهی بخواند، از هیچ نسبت و بدگوئی و فحش و تکفیری به او خودداری نمی‌کنند. اینها به طوری منغم در دنیا شدند و به شهوات بطن و فرج اهمّیت می‌دهند- من حیث لا یَشْعُرُونَ - که میل ندارند سعادت دیگری در دار تحقّق موجود باشد جز شهوات حیوانی، با آن که اگر سعادت عقلیه هم در عالم باشد به بطن و فرج آنها ضرری نمی‌رساند.»

و در صفحه ۳۳۰ این کتاب<sup>۲۸</sup> در باب آن که عرفان اسلامی از بطن قرآن است چنین می‌نویسند: «هر کس رجوع کند به معارفی که در ادیان عالم و نزد فلاسفه بزرگ هر دین رایج است و مقایسه کند در معارف مبدأ و معاد با معارفی که در دین حنیف اسلام و نزد حکماء بزرگ اسلامی و عرفاء شامخ این ملت است درست تصدیق می‌کند که این معارف از نور معارف قرآن شریف و احادیث نبیّ ختمی و اهل بیت او علیهم السّلام است که از سرچشمه نور قرآن استفاده و اصطلاء نموده‌اند. آن وقت می‌فهمد که حکمت و عرفان اسلامی از یونان و یونانیین نیست، بلکه اصلاً شباهت به آن ندارد.»<sup>۲۹</sup>

در کتاب ولایت فقیه<sup>۳۰</sup> در مورد معلّم اخلاق و معنویات و عدم کفایت شریعت مقدّس به تنهایی می‌نویسند: «اگر حوزه‌ها همین طور از داشتن مربّی اخلاق و جلسات پند و اندرز خالی باشند محکوم به فنا خواهند بود. چطور شد علم فقه و اصول به معلّم و مدرّس نیاز دارد، درس و بحث می‌خواهد و برای هر علمی و صنعتی در دنیا استاد و مدرّس لازم است، کسی خودرو و خودسر متخصص در رشته‌ای نمی‌گردد، فقیه و عالم نمی‌شود لکن علوم معنوی و اخلاقی که هدف بعثت انبیاء و از لطیف‌ترین و دقیق‌ترین علوم است به تعلیم و تعلّم نیازی ندارد و خودرو و بدون معلم باشد. کراراً شنیده‌ام که سیّد جلیلی معلّم اخلاق و معنویات استاد فقه و اصول مرحوم شیخ (مرتضی) انصاری بوده است.»

<sup>۲۷</sup> صفحه ۱۵۴ چاپ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲.

<sup>۲۸</sup> صفحه ۳۰۴ چاپ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲.

<sup>۲۹</sup> در ادامه همین بحث در همان صفحه می‌نویسند: «بالجمله، فلسفه امروز؛ حکمای اسلام را و معارف جلیله اهل معرفت را به حکمت یونان نسبت دادن، از بی‌اطلاعی بر کتب قوم است... و نیز از بی‌اطلاعی به معارف صحیفه الهیه و احادیث معصومین سلام الله علیهم است.»

<sup>۳۰</sup> در صفحه ۲۱۷ چاپهای اولیه این کتاب این عبارت درج شده ولی در چاپهای بعدی حذف گردیده است.

و در همین کتاب<sup>۳۱</sup> نه تنها علوم رسمی تنها را برای ایمان کافی نمی‌دانند بلکه برهان عقلی را هم کافی ندانسته و می‌نویسند: «ولی همین برهان عقلی ممکن است حجاب قلب شده، نگذارد نور ایمان بر قلب بتابد تا خداوند متعال او را از ظلمات تاریکیها به عالم نور و روشنائی وارد سازد.»

و در صفحه ۲۴ تفسیر سوره مبارکه حمد<sup>۳۲</sup> پای استدلالیون را در خداشناسی چوبین می‌دانند و می‌گویند: «پای استدلالیان چوبین بود مقصود همین است که پای چوبی است یعنی پائی که انسان را نمی‌تواند راه ببرد، پائی که حقیقتاً انسان با آن می‌تواند راه برود عبارت از آن پائی است که انسان جلوۀ خدا ببیند، عبارت از آن ایمانی است که در قلب می‌شود و وجدان در پی است.»

و در تفسیر سوره مبارکه علق (اقرأ) راه خداشناسی را منحصر در خودشناسی می‌نمایند: «تمام انبیاء موضوع بحثشان، موضوع تربیتشان، موضوع علمشان، انسان است (صفحه ۴۶). انسان را به معنی حقیقی انسان به آن معنائی که انسان است جزء ذات مقدس حق و آنهایی که ملهمند به الهام او کسی نمی‌شناسند (صفحه ۴۹). هر چه درس بخوانید و به اسم رب نباشد از صراط مستقیم دورید و هر چه زیادت‌تر درس بخوانید دورتر می‌شوید. اگر اعلم من فی الارض بشوید با اسم رب نباشد ابعداً از خدای تبارک و تعالی هستید و از صراط مستقیم بعیدتر می‌شوید. صراط مستقیم است که یک سرش قعر جهنم است، یک طرفش طبیعت است و یک طرفش بهشت. آخر مرتبه بهشت لقاء الله است (صفحه ۵۱). گمان نکنید که درس خواندن بدون اینکه قرائت به اسم رب باشد برایتان فایده دارد. گاهی ضرر دارد. گاهی علم غرور می‌آورد و گاهی علم انسان را از صراط مستقیم پرت می‌کند. اینهایی که دین ساز بودند اکثراً اهل علم بودند (صفحه ۵۲). چه بسا یک نفر آدم فیلسوف اعظم است به حسب نظر مردم، فقیه اکرم است به حسب نظر مردم، همه چیز می‌داند، انبار معلومات است، لکن قرائت به اسم رب نبوده است از صراط مستقیم دور شده است و از همه دورتر است. هر چند انبار زیادتر و زرش زیادتر و هرچه انبار بزرگتر و زرش و ظلماتش بیشتر<sup>۳۳</sup>. ظلمات بعضیها فوق بعضی، گاهی علم ظلمت است، نور نیست. آن علمی که به اسم رب شروع بشود آن نور هدایت دارد (صفحه ۵۳).

<sup>۳۱</sup> در صفحه ۲۴۷ چاپهای اولیه این کتاب این عبارت درج شده ولی در چاپهای بعدی حذف گردیده است.

<sup>۳۲</sup> جلد اول و دوم چاپ حزب جمهوری اسلامی. در چاپهای گوناگون محررین و پیاده کنندگان نوارهای قرآن در صحنه ویرایشهایی را نیز انجام داده‌اند که گاهی منظور گوینده پوشیده یا نارسا شده است.

<sup>۳۳</sup> در کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، صفحات ۳۴۴-۳۴۰ می‌نویسند: «...به واسطه چندی مُزاولت در اصطلاحات، به همه عالم و جمیع علماء به نظر حقارت که نظر ابلیس است نگاه می‌کند، و حکماء را قشری می‌خواند... بیچاره! تو گمان می‌کنی اهل الله و اهل معارفی. این نیز از تلبیسات نفس و شیطان است که تو را سرگرم به خود کرده، و از خدا غافل کرده، و به مشتی مفاهیم و الفاظ سر و صورت دار دلخوش کرده... پس وای به حال تو ای بیچاره گرفتار مشتی مفاهیم و سرگرم به پاره‌ای اصطلاحات که عمر عزیز خود را در فرو رفتن به چاه طبیعت گذرانیدی، و از حق به واسطه علوم و معارف حقه دور شدی. تو به معارف خیانت کردی. تو حق و علم حقانی را وسیله عمل شیطانی کردی... نظر کن بین جز پاره‌ای اصطلاحات بی مغز، چه در دست داری!... گیرم در این عالم که کشف سراپا نمی‌شود، بتوان به بندگان خدا تدکل و تکبر کرد و با آنها با تحقیر و توهین رفتار کرد، آیا می‌توان در قبر و قیامت هم باز با همین پای چوبین رفت و از صراط هم می‌توان با این پای چوبین گذشت؟ علم قرآن و حدیث، باید اصلاح حال تو را کند و اخلاق دوستان خدا را در تو ایجاد کند؛ نه پس از پنجاه سال تحصیل علوم دینی، به صفات شیطانی تو را متصف کند. به جان دوست قسم که اگر علوم الهی و دینی، ما را هدایت به راه راستی و درستی نکند و تهذیب باطن و ظاهر ما را نکند، پست‌ترین شغله‌ها از آن بهتر است؛ چه که شغله‌های دنیوی نتیجه‌های عاجلی دارند و مفساد آنها کمتر است، ولی علوم دینی اگر سرمایه تعمیر دنیا شود، دین‌فروشی است و وزر و وبالش از همه چیز بالاتر است. حقیقتاً چقدر کم ظرفیتی می‌خواهد که به واسطه دو سه تا اصطلاح بی سر و پا که ثمرات شیطانی نیز دارد، انسان به خود بیبالد و عجب کند، و خود را از بندگان خدا بالاتر و بهتر بداند و بر مخلوق خدا سرکشی و سرافرازی کند و خود را عالم و بزرگ بخواند و دیگران را جاهل و بی‌مقدار محسوب کند. چقدر جاهل می‌خواهد که انسان گمان کند با این مفاهیم بی مغز خود را به مقام علماء بالله رسانده و ملائکه پَر خود را زیر پای او فرش کرده، و با این خیالات توقع تجلیل و احترام از بندگان خدا داشته، و راه در کوچه‌ها و جایگاه را در مجالس بر بندگان خدا تنگ کند. اینها غرور بی جا است. اینها جهالت و شیطنت است. اینها ارت ابلیس است. اینها ظلمات فوق ظلمات است... طالب علم شدی و از آن تجاوز کردی عالم شدی، به مسند فقاهت و فلسفه و حدیث و مانند اینها نشستی و خود را اصلاح نکردی. پس باید چه وقت یک قدم برای خدا برداشتی؟ اینها همه دنیا بود و تو را به دنیا نزدیک کرد و از خدا و آخرت دور کرد و علاقه به دنیا و طبیعت را در دل تو زیاد کرد... اینها که ذکر شد حال علماء است.»



و در صفحه ۲۹ جلد چهار و پنج می‌گویند: تعبیرات عرفا مطابق قرآن و تعبیرات ائمه ما علیهم السلام است. و در صفحه ۴۱ و ۴۲ انا الحق گفتن بعضی عرفا را شرح می‌دهند: «اینکه اینها (عرفا) آمده‌اند و این تعبیرات را کرده‌اند، نه اینکه می‌خواهند بگویند که مثلاً اینکه می‌گویند که فرضاً فلان چیز حق است نه اینکه این معنی را می‌خواهند بگویند که مثلاً یک آدم ممکن است که عبا و عمامه دارد این حق تعالی است. هیچ عاقلی این را نمی‌گوید.» سپس ادامه می‌دهند: «قصدها این است که جز خدا نیست.»

و در صفحه ۲۰۲ کتاب مصباح الهدایة به بدبینان به عرفاء نصیحت می‌نمایند: «و مبدا که بدون فروشدن در دریای این معانی اینگونه سخنان را به ظاهرش حمل کنی و بدون آن که مقصد آنان را دریایی چماق طعن به دست گیری همان گونه که شیوه پاره‌ای از عالم نماها بر این است و میزان درست نبودن هر مطلبی در نزد آنان همان است که چیزی از آن مطلب ندانند و نتوانند بفهمند»<sup>۳۴</sup>. و در پایان این کتاب به زمامداران امور و اهل فضل و دانش خطاب می‌نمایند: «پایان کتاب و وصیت به دوستان، ای دوست روحانی که خدایت در دنیا و آخرت یار و یاور باد، مبدا و مبدا این اسرار را برای نااهل کشف کنی و یا در غیر محلش بخل نورزی که علم باطن شریعت از نوامیس الهی و رازهای ربوبی است که باید از دسترس بیگانگان و دیدگاهشان به دور نگه داشت که اندیشه‌های روشن و افکار دقیقشان به آن نمی‌رسد و مبدا در مقام فهم مطالب این اوراق بر آبی پیش از آن که در کلمات متألّهین اهل ذوق بررسی کامل نموده و معارف را در نزد مشایخ بزرگ و عرفاء بزرگوار که اهل معارفند فرا گرفته باشی»<sup>۳۵</sup>. و گرنه تنها مراجعه کردن به اینگونه معارف بجز زیان چیزی نیفزاید و به غیر از محرومیت<sup>۳۶</sup> نتیجه‌ای نخواهد داشت»<sup>۳۷</sup>.

<sup>۳۴</sup> در کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، صفحه ۳۱۰ می‌نویسند: «این همه پیران طریقت و سالکان راه هدایت و راهنمایان انسانیت و کتب آسمانی و صحف انبیاء عظام و اخبار اولیاء کرام و نصیحت اهل معرفت و اصحاب قلوب در قلب ما غافلان جاهل هیچ تأثیری نکرده و نمی‌کند.»

<sup>۳۵</sup> در صفحه ۱۳۵ کتاب آداب الصلوة مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، می‌نویسند: «در سلوک این طریق روحانی و عروج این معراج عرفانی تمسک به مقام روحانیت هادیان طرق معرفت و انوار راه هدایت، که واصلان الی الله و عاکفان علی الله اند حتم و لازم است؛ و اگر کسی با قدم انانیت خود بی تمسک به ولایت آنان بخواهد این راه را طی کند، سلوک او الی الشیطان و الهایة است.»

<sup>۳۶</sup> در کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، صفحه ۴۰۳ می‌نویسند: «انسان باید کوشش کند تا طیب حاذق پیدا کند. چون طبیعی کامل یافت، در نسخه‌های او اگر چون و چرا کند و تسلیم او نشود و با عقل خود بخواهد خود را علاج کند، چه بسا که به هلاکت رسد. در سیر ملکوتی، باید انسان کوشش کند تا هادی طریق پیدا کند. و چون هادی را پیدا کرد باید تسلیم او شود و در سیر و سلوک دنبال او رود و قدم را جای قدم او گذارد... و اگر بخواهیم فلسفه احکام را با عقل ناقص خود دریابیم، از جاذبه مستقیم منحرف می‌شویم و به هلاکت دائم می‌رسیم؛ مانند مریضی که بخواهد از سر نسخه طیب آگاه شود، و پس از آن دارو را بخورد، ناچار چنین مریضی روی سلامت نمی‌بیند. تا آمده است از سر نسخه آگاهی پیدا کند، وقت علاج گذشته، خود را به هلاکت کشانده. ما مریضان و گمراهان، باید نسخه‌های سیر ملکوتی و امراض قلبیه خود را از راهنمایان طریق هدایت و اطباء نفوس و پزشکان ارواح دریافت کنیم و بی به کار بستن افکار ناقصه و آراء ضعیفه خود، به آنها عمل کنیم تا به مقصد که رسیدن به سرایر توحید است برسیم.»

<sup>۳۷</sup> استاد مطهری در یادداشت‌های دفتر ۸۹ خود در کتاب جلوه‌های معلمی استاد مطهری، صفحه ۲۴، انتشارات مدرسه، ۱۳۶۹، می‌نویسند:

«به کوی عشق منه بی‌دلیل راه قدم که گوی شد آنکه در این ره به رهبری نرسید

یکی از علل عدم موفقیت در تزکیه نفس این است که تعلیم اخلاقی در میان ما به صورت تعلیم و تدریس وجود دارد نه به صورت سازندگی و درمانگری. به گفته بزرگان احتیاج به معلم و دلیل راه را در زندگی حضرت موسی علیه السلام به خوبی می‌بینیم. آن حضرت در ابتدا مأمور می‌شود که در خدمت شعیب پیامبر، چند سالی را بگذراند تا آماده آن شود که در وادی ایمن قدم نهاده، شنوای ندای جانبخش إِني أنا الله (آیه ۱۴ سوره طه: همانا من الله هستم) حضرت حق شود.

شبان وادی ایمن گهی رسید به مراد که چند سال به جان خدمت شعیب کند

و در آخر کار که مقتدا و صاحب تورات می‌شود مأموریت می‌یابد از حضرت خضر علیه السلام علم لدنی فرا گیرد.

قطع این مرحله بی‌همراهی خضر ممکن ظلمات است بترس از خطر گمراهی

احتیاج به مرشد و مربی، برای درمان بیماری‌های جان و فکر و سازندگی انسان تنها در میان متصوفه رسمیت یافته که در این مورد می‌توان به رساله «ولایت نامه» ملا سلطانعلی (حضرت سلطانعلیشاه بیدختی گنابادی از اقطاب سلسله نعمت‌اللّهی سلطانعلیشاهی گنابادی) و «بستان السیاحه» ملا زین‌العابدین شیروانی (حضرت مستعلیشاه از اقطاب سلسله) که به دو واسطه از مشایخ ملا سلطانعلی است رجوع کرد.

پس اگر محققین کتب بزرگان این سلسله جلیله را با آثار آیت‌الله خمینی مطابقت نمایند و تطبیق آن را دریابند متوجه خواهند شد که نه تنها تفاوت ولو جزئی وجود ندارد بلکه گویی از روی آنها استنساخ شده است زیرا کلام اهل معرفت یکی است و اختلاف در میان نیست بلکه عین یکدیگرند<sup>۳۸</sup>. این مستی بود از خروارها. اکنون باید اندیشید که چه کسی را و چه کسانی را فرقه ضالکه خوانده‌اند. شاید گفته شود اینها عقاید عرفا و درویشان و صوفیان حقه بوده است. باید عرض کرد که اینها عقاید ماست و آیت‌الله خمینی اولین بار که برنامه "قرآن در صحنه"<sup>۳۹</sup> را آغاز نمودند با شجاعت و شهامت تمام سخنان خود را چنین شروع کردند:

مولوی در دفتر اول مشوی می‌گوید:

پیر را بگزین که بی پیر این سفر	هست بس پر آفت و خوف و خطر
هر که او بی مرشدی در راه شد	او ز غولان گمراه و در چاه شد
گر نباشد سایه پیرای فضول	بس تو را سرگشته دارد بانگ غول

و دیگری (حافظ) گوید:

من به سر منزل عنقا نه به خود بردم راه قطع این مرحله با مرغ سلیمان کردم  
 امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق می‌گوید وَفَقِي لِبَاعَةِ مَنْ سَدَدِي وَ مُتَابِعَةَ مَنْ اَرَشَدَنِي، خدایا مرا به فرمانبرداری آن که به راه راستم آورد و پیروی آن که راهنمایم کرد توفیق ده.»

<sup>۳۸</sup> در دیوان ایشان، اشعار زیر می‌درخشد که سروده‌اند:

دست آن شیخ ببوسید که تکفیرم کرد	محتسب را بنوازید که زنجیرم کرد
دل درویش به دست آر که از سرالست	پس بر داشته آگاه ز تقدیرم کرد

و:

پر در می‌کده از روی نیاز آمده‌ام	پیش اصحاب طریقت به نماز آمده‌ام
از نهانخانه اسرار ندارم خیری	به در پیر مغان صاحب راز آمده‌ام

و:

عهدی که بسته بودم با پیر می‌فروش	در سال قبل تازه نمودم دوباره دوش
از قیل و قال مدرسه‌ام حاصلی نشد	جز حرف دلخراش پس از آن همه خروش
دستی به دامن بت مه طلعتی زدم	اکنون که حاصلم نشد از شیخ خرقة پوش

و:

افتاده به دام شمع پروانه دل	حاشا که رها کند غمش خانه دل
مطرود شود ز جرگه درویشان	دیوانه وشی که نیست دیوانه دل

و:

فریاد رس ناله درویش تویی	آرام بخش این دل ریش تویی
طوفان فزاینده مرا غرق نمود	یادآور راه کشتی خویش تویی

و:

صوفی زره عشق صفا باید کرد	عهدی که نموده‌ای وفا باید کرد
تا با خویشتی به وصل جانان نرسی	خود را به ره دوست فنا باید کرد

این گونه موارد در آثار ایشان بسیار آمده است و برای جلوگیری از تطویل کلام از ذکر بیشتر آن خودداری می‌شود و فقط به پاسخ استفتاء از ایشان در مورد یکی از افسران نیروی دریایی (آقای محمد حسن امین) اکتفا می‌شود. دفاعیات افسر مزبور مبنی بر اینکه من مسلمان و شیعه اثنی عشری و منظر ظهور امام زمان و مقلد امام خمینی هستم و در امور طریقتی از حضرت آقای سلطانحسین تاینده گنابادی پیروی می‌کنم توسط کمیسیون اداره عقیدتی سیاسی نداجا (نیروی دریایی جمهوری اسلامی) به استحضار فرمانده کل قوا (آیت‌الله خمینی) می‌رسد و ایشان نه تنها اعتقادات و تعهد وی را تأکید می‌نمایند بلکه پایبند بودن وی به موارد فوق را شرط ابقای او در سمتش دانسته‌اند. (نامه شماره ۳-۵۲۶-۵۱-۶ مورخ ۱۳۶۵/۲/۲۸ ستاد مشترک ارتش).

<sup>۳۹</sup> جملات فوق با نوار سخنرانی ایشان تطبیق کامل دارد. معذالک نگاه کنید به تفسیر سوره حمد، آیت‌الله سید روح‌الله موسوی خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۷۵، صفحات ۹۴-۹۳ و تفسیر سوره حمد، چاپ پیام آزادی.

«تقاضا شده بود که من یکی، دو مرتبه راجع به تفسیر بعضی آیات شریفه قرآن مطالبی عرض کنم. تفسیر قرآن یک مسئله‌ای نیست که امثال ما بتوانند از عهده آن برآیند. بلکه علمای طراز اول هم که در طول تاریخ اسلام، چه از عامه و چه از خاصه، در این باب کتابهای زیاد نوشته‌اند- البته مساعی آنها مشکور است- لکن هر کدام روی آن تخصص و فنی که داشته است یک پرده‌ای از پرده‌های قرآن کریم را تفسیر کرده است، آن هم به طور کامل ملموس بوده. مثلاً عرفایی که در طول این چندین قرن آمده‌اند و تفسیر کرده‌اند، نظیر محیی‌الدین<sup>۴۰</sup> در بعضی از کتابهایش، عبدالرزاق کاشانی<sup>۴۱</sup> در تأویلات، ملا سلطانعلی<sup>۴۲</sup> در تفسیر<sup>۴۳</sup>، اینهایی که طریقه‌شان طریقه معارف بوده است، اینها تفسیرهایی نوشتند خوب.»

آیا می‌دانید این شخصیت‌هایی که ایشان از آنها به عنوان علمای طراز اول از صدر اسلام تا کنون نام می‌برند چه کسانی هستند؟ محیی‌الدین و ملا عبدالرزاق دو تن از مشایخ صوفیه سلسله نعمت‌اللہی سلطانعلیشاهی گنابادی هستند و ملا سلطانعلی که نام بردند قطب این سلسله و جدّ امجد حضرت آقای دکتر تابنده می‌باشند که از آن عالم طراز اول مفترض الطاعة حضرت یداً به ید منصوص می‌باشند. بلی رسول اکرم ص و همه انبیاء علیهم السلام را مجنون و ساحر می‌خواندند. حضرت مولی الکونین ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) را جاسوس و خارجی خواندند و کردند آنچه را ننگ دامن بشریت شد. حضرت مولی الموالی (علیه السلام) را کافر خواندند و سب و لعن حضرتش را واجب دانستند. و مصادر عصمت و طهارت را اذن ندادند حتی در یک مسجد کوچک محله‌ای اقامه جماعت کنند. آیا مخالفین تصوف و عرفان آثار عرفاء کرام را خوانده‌اند؟ و از عقاید آنها آگاهی دارند؟ آیا بدعتی از ایشان مشاهده کرده‌اند؟ و خود را ذیصلاح در بررسی این امر خطیر دانسته‌اند که بندگان خاص خدا و مؤمنین را ضالّه می‌نامند. آقای آیت‌الله محمدی گیلانی می‌گفتند<sup>۴۴</sup>: کسی که حافظ را نشناسد و اصطلاح عرفا را نداند و درباره این قوم اظهار نظر کند ملحد و کافر است. و دستورالعملی در سمت حاکم شرع صادر می‌نمایند که بسیار قابل توجه و در ضمیمه است، شاید مورد دقت واقع شود.<sup>۴۵</sup>

اکنون سیری در آثار مرحومین مجلسین اعلی الله مقامهما می‌کنیم تا بدانید درباره تصوف حقه چه نظری اظهار می‌دارند. باشد که سبب بیداری شود. در رساله تشویق السالکین<sup>۴۶</sup> در اثبات تصوف و عرفان در صفحه ۵ چنین آغاز سخن می‌کنند: «و اقرب طرق به معرفت الله طریقه حقه رضویة ذہبیة (پاک و خالص) معروفیة مرتضوی است که طریق تصوف و حقیقتش نیز خوانند و آن عبارت است از تحصیل قرب معرفت رب العالمین به طریق زهد و ریاضت و انقطاع از خلق و مواظبت بر طاعت و عبادت. اکنون جمعی پیدا شده‌اند که ایشان را از شریعت خبری و از طریقت اثری، نه و انکار این طریقه حقه می‌نمایند، بنا بر قلت تدبّر در آیات و

<sup>۴۰</sup> محمد بن علی بن محمد عربی معروف به «ابن عربی»، «محیی‌الدین» «شیخ اکبر»، ۶۳۸-۵۶۰ هجری قمری از مشایخ سلسله. همان گونه که در کلیه آثار آیت‌الله خمینی به وضوح مشهود است نمی‌توان اظهار ارادت و بندگی ایشان به عرفای کامل الهی را نادیده گرفت. برای مثال در پیغام به گورباچوف (انوار تابان ولایت، مرکز چاپ سپاه، ۱۳۷۰، صفحات ۱۲۴-۱۲۳) می‌نویسند: «دیگر شما را خسته نمی‌کنم و از کتب عرفا بخصوص محیی‌الدین بن عربی نام نمی‌برم که اگر خواستید از مباحث این بزرگ مرد مطلع گردید تنی چند از خبرگان تیزهوش خود را که در این گونه مسائل قویاً دست دارند راهی قم گردانید تا پس از چند سالی با توکل به خدا از عمق لطیف تاریکتر از موی منازل معرفت آگاه گردند.»

<sup>۴۱</sup> ملا عبدالرزاق بن جمال (جلال) الدین کاشانی، مکتبی به ابوالغنائم و ملقب به کمال‌الدین از مشایخ سلسله در قرن هشتم هجری می‌باشد.

<sup>۴۲</sup> شرح حال حضرت سلطان العرفا و زین الحکما و رأس العلماء الزهد الامم و الخلق الاعظم و باقر علوم اولاد آدم مولانا الحاج ملا سلطانمحمد بیدختی گنابادی سلطانعلیشاه در کتاب نابغه علم و عرفان نگارش حضرت حاج سلطانحسین تابنده آمده است.

<sup>۴۳</sup> چاپ دوم تفسیر بیان السعادة في مقامات العبادة در چهار مجلد بزرگ به زبان عربی در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در چاپخانه دانشگاه تهران به طبع رسیده است. این تفسیر توسط آقایان دکتر حشمت الله ریاضی و محمد آقا رضاخانی به فارسی ترجمه شده است.

<sup>۴۴</sup> سخنرانی که در شب دهم رمضان ۱۴۰۸ از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد.

<sup>۴۵</sup> دستورالعمل مورخ ۱۳۶۰/۸/۵ حاکم شرع و رئیس دادگاههای انقلاب اسلامی مرکز، آیت‌الله محمد محمدی گیلانی به کلیه برادران سپاه پاسدار و قوای انتظامی و مأموران و ضابطین ارگانهای قضائی.

<sup>۴۶</sup> تألیف ملا محمد تقی مجلسی، به انضمام اجوبه تألیف ملا محمد باقر مجلسی، انتشارات نور فاطمه، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

اخبار ائمه اطهار عليهم السلام و به متابعت نفس غدار که ثمره او حسد و عناد و تعصب است، اگر چه مشهور است:

شب پره گر وصل آفتاب نخواهد رونق بازار آفتاب نکاهد

اما چون انکار ایشان سبب محرومیت بعضی از عوام بود از این نعمت عظمی، لهذا بعضی از احباء از این فقیر، محمد تقی التماس نمودند که رساله مختصری در حقیقت این طریقه نوشته شود تا شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام از این سعادت بی نصیب نباشند. پس ایجاباً لسؤالهم با آنکه کتاب مبسوطی موسوم به مستند السالکین در این باب نوشته شده، مجملی از هر باب در این رساله مذکور می گردد و بالله التوفیق. اما زبده و خلاصه برآیاء که انبیاء اند، همه این طریق را داشتند. و در صفحه ۸ چنین می نویسند: «و همچنین هر یک از ائمه عليهم السلام این طریق را داشته اند، چنانچه احوال و سیر ایشان در کتب اخبار مذکور است و همچنین اصحاب صفه که فرقه اول درویشانند این مسلک را داشته اند، مثل سلمان و اباذر و عمار و غیرهم». و در صفحه ۹ می نویسند: «و بالجمله اصحاب صفه محتاج به بیان نیست و هر یک از ایشان را صفی می گفتند، یعنی منسوب به صفه، تا به کثرت استعمال صاد را اشباع و فاء را مخفف ساخته اند صوفی شد». در صفحه ۱۰ می نویسند: «و همچنین اکابر علمای شیعه از متقدمین و متأخرین جمعی که واقف بوده اند بر طریقه اهل بیت و تتبع ایشان بیشتر بوده از علمای این زمان همه این مسلک را داشته اند و در این فن تصنیفات نموده اند»<sup>۴۷</sup>. و در صفحه ۱۱ و ۱۲ می نویسند: «و همچنین سید حیدر آملی صاحب تفسیر بحرالبحار کتابی به قرب هفتاد هزار بیت از دلایل و احادیث اهل بیت عليهم السلام تصنیف نموده در بیان آنکه شیعه ای که صوفی نباشد شیعه نیست و صوفی که شیعه نباشد صوفی نیست»<sup>۴۸</sup>. ملاً محمد باقر مجلسی رحمت الله علیه در صفحه ۲۹ همین کتاب در جواب مرحوم ملاً خلیل قزوینی در پاسخ سؤال از تصوف چنین می نویسند: «و اما مسئله سیم که از حقیقت و بطلان طریقه صوفیه سؤال کرده بودند. باید دانست که راه دین یکی است، و حق تعالی یک پیغمبر فرستاده و یک شریعت قرار داده، ولیکن مردم در مراتب عمل و تقوی مختلف می باشند، و جمعی از مسلمانان که عمل را به ظواهر شرع شریف نبوی (ص) کنند و به سنن و مستحبات عمل نمایند و ترک مکروهات و مشتهیات کنند و متوجه امور دنیا نگردند و پیوسته اوقات خود را صرف عبادات و طاعات کنند و از اکثر خلق که معاشرت ایشان موجب تزییع عمر است کناره جویند، ایشان را مؤمن زاهد متقی می گویند و مسمی به صوفیه ساخته اند. ... این جماعت زبده مردمند» مرحوم مجلسی اول در صفحات ۲۰-۱۸ می نویسند: «پس اگر جمعی از نادانان که در میان عوام خود را به طالب علم شهرت داده اند مذمت این طریقه می نمایند، معلوم است که از کمال نادانی یا محض حسد و اغراض فاسده نفسانی خواهد بود و عاقل باید که فریب این شیاطین انس را نخورد و از این سعادت عظمی که مقصد اقصی و طریقه انبیاء و ائمه هدی و شیوه اولیاء و مردان راه خداست محروم نماند. هر چند این کاری است دشوار و شربتی است بر اکثر طبایع ناگوار و جهاد اکبر و میدان ترک سر است و موقوف بر همتی عالی است و تأیید ازلی. ... و حاصل سخن آن که بدانی که اصل تصوف صافی نمودن باطن است از زنگ ماسوی و متخلق شدن به اخلاق الله و تحصیل کمالات روحانی و رسیدن به مقام قرب و معرفت عیانی، نه چنان که نادانان گمان می برند که تصوف محض لهو و لعب است، بیهوده یا دگانی است در بازار هوی به زرق و ریا چیده، و طریقت مخالف شریعت مصطفوی (ص) و مباین طریقت مرتضوی علیه السلام که کلاً إلهم عن ربهم یومئذ لمخجوبون<sup>۴۹</sup>. بلکه از مشایخ این طایفه کسانی بوده اند که از علوم ظاهری نیز هر یک سرآمد زمان خود بودند چنان که از تصانیف ایشان معلوم است مثل مولانای رومی و شیخ علاءالدوله سمنانی و شیخ شهاب الدین سهروردی صاحب حکمت اشراق و شیخ محیی الدین عربی صاحب فتوحات و شیخ عبدالرزاق کاشانی صاحب

<sup>۴۷</sup> و از قول امیرنورالله (شوشتری) می نویسند: «تصوف طریقه شیعه است بلکه عین تشیع است و به تفصیل بیان می کنند که از علمای شیعه هیچ کس منکر این طریقه نبوده اند و بلکه همه صوفی بوده اند یا معتقد به صوفیان (صفحه ۱۴)». و سپس نتیجه گیری می کنند: «پس غرض از این همه تطویل آن است که معلوم شود اکابر علمای شیعه در هر عصری معتقد این طایفه بودند و با وجود کمال و تبخری که در علم اصول و فروع اسلام داشته اند و با کمال تقدس ذات».

<sup>۴۸</sup> و در سبب تصنیف کتاب گفته که «چون دیدم منازعه در میان جهال طالبان علم شیعه و ناقصان صوفیه هست این کتاب را نوشتم تا بدانند تصوف طریقه مرتضوی است و تصوف و تشیع یک معنی دارد و این مخالفت از عین نادانی و نقصان عقل طرفین است».

<sup>۴۹</sup> سوره مطففین، آیه ۱۵. حقا که ایشان در چنین روزی هر آینه از پروردگارشان در حجاب شدگانند.

تأویلات و شیخ ابو حامد غزالی و شیخ روزبهان صاحب تفسیر غرایس و شیخ عطار و غیرهم. همه اتفاق دارند که علم شریعت به قدر واجب شرط اول راه است و کمال در علم شریعت، شرط کاملان این راه است. چون تواند بود که کاملان این طریقه که در علم ظاهر و باطن یگانه بوده‌اند یا آن که مکروهات و بلکه بعضی از مباحات را بر خود حرام داشته‌اند و احتراز می‌نمایند، راضی به خلاف شریعت مطهره شده، مرتکب حرام شوند، پس آنچه بعضی از جهال بعضی از افعال جزئی و فرعی این جماعت را اعتراض می‌کنند عین خطا خواهد بود.»

شیخ بهاء‌الدین عاملی زید بهاء در کتاب کشکول جلد پنجم صفحه ۴۹۰ درباره اصل تصوف و علم تصوف چنین می‌نویسند: «التصوف علم يبحث فيه عن الذات الاحدية و اسمائه و صفاته من حيث انها موصلة لكل مظاهرها و مشعباتها الي الذات الالهية فموضوعه الذات الاحدية و نعوها الازلية و صفاتها السرمدية و مسائله كيفية صدور الكثرة عنها و رجوعها اليها و بيان مظاهر الاسماء الالهية و التصرف الربانية و كيفية رجوع اهل الله تعالي اليه سبحانه و كيفية سلوكهم و مجاهدتهم و رياضتهم و بيان نتيجة كل من الاعمال و الاذكار في دار الدنيا و الآخرة علي وجه ثابت في نفس الامر و مبادية معرفة حده و غايته و اصطلاحات القوم فيه»<sup>۵۰</sup>.

شهید اول رضوان الله عليه در کتاب الدرر در شأن صوفیه تمجید شایان توجه دارند<sup>۵۱</sup>. در جلد دوم مجالس المؤمنین علامه عالیقدر شیعه سید نورالله شوشتری آمده است که خلقت عالم بعد از وجود انبیاء و اولیاء به خاطر صوفیان صفوت نشان بوده است و در این کتاب به دلایل قوی اثبات می‌کند که جمیع مشایخ مشهور شیعه صوفی بوده‌اند و طریقه ایشان طریقه اهل بیت علیهم السلام است<sup>۵۲</sup>.

<sup>۵۰</sup> تصوف علمی است که در آن از ذات احدیت و اسماء و صفات او از این حیث که آنها رساننده به تمام مظاهر و راههای به سوی ذات الهی هستند بحث می‌کند. پس موضوع آن ذات احدیت و صفات ازلیت و صفات سرمدی او می‌باشد و مسائل آن چگونگی صدور کثرت از او و بازگشت آن به سوی او و بیان مظاهر اسماء الهی و تصرف ربانی و نحوه رجوع اهل الله به او سبحانه و تعالی و نحوه سلوک و مجاهده و ریاضات آنها و بیان نتیجه کل این اعمال و اذکار در عالم دنیا و آخرت آن طور که در حقیقت امر است و پایه‌های معرفت او و حد و نهایت او و اصطلاحات این طایفه در آن می‌باشد.

<sup>۵۱</sup> ابی عبدالله محمد بن مکی مشهور به شهید اول در کتاب الدرر الشریعی فی فقه الامامة چاپ سنگی سنه ۱۲۶۹ هجری قمری در باب وقف صوفیه را این چنین تعریف می‌نماید: «الصوفية الْمُشْتَغِلُونَ بِالْعِبَادَةِ الْمَعْرُضُونَ عَنِ الدُّنْيَا». صوفیه کسانی هستند که به عبادت اشتغال دارند و از دنیا روی گردانند. شهید اول یکی از شقوق مصارف وقف را به این طایفه اختصاص می‌دهد. همچنین در کتاب کشف الغطاء شیخ جعفر کبیر کاشف الغطاء در کتاب وقف می‌نویسد: «وَلَوْ وَقَفَ عَلَي الصَّوْفِيَّةِ وَ كَانَ عَارِفًا نَزَلَ عَلَي الْمَعْرُضِينَ عَنِ الدُّنْيَا الْمَشْغُولِينَ بِالْعِبَادَةِ» یعنی اگر بر صوفیه وقف کند و عارف پرهیزگار باشد بر کسانی که از دنیا اعراض نموده و به عبادت خدا مشغولند، اطلاق می‌شود و فرود می‌آید.

<sup>۵۲</sup> در کتاب مجالس المؤمنین، قاضی سید نورالله شوشتری، شهید سنه ۱۰۱۹ هجری قمری، جلد دوم، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۵، تهران، شرح مفصلی در این باب در فصول مختلف دارد و خلاصه‌ای از مقدمه مجلس ششم آن در صفحات ۲-۱ به این شرح است: «در ذکر جمعی از صوفیه صافی طویرت که نزد سالکان مسالک طریقت و مؤسسان قواعد شریعت و حقیقت مقصود از ایجاد عالم و اختراع بنی آدم بعد از ایجاد جواهر زواهر انبیاء و ائمه هدی علیهم صلوات الله الملك الاعلی وجود فایض الجود این طایفه گرام و اصفیای عظام کثر الله بین الانام است که به میامین توفیق از ادنی مراتب خاک به اعلی مدارج افلاک ترقی نموده‌اند و از حسیض خمول بشریه به اوج قبول ملکیه ترقی فرموده. از پرتو سراج وهاج و عکس شعاع لماع - يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ (سوره نور، آیه ۳۵. هدایت کند به نور خودش هر که را خواهد) - با ساکنان ملاء اعلی و مطمئنان عالم بالا در سلک انتظام منخرط (خراطی شده) گشته و به مرتبه‌ای رسیده که عواقب امور قبل از ظهور مشاهده نموده‌اند و خواتیم اشیاء پیش از بروز وجود مطالعه فرموده، دعایم (پایه‌های تخت و ستونهای عمارت) دین و دولت به میامین همت ایشان قائم و قوایم (ستونها، پایه‌ها) ملک و ملت به روابط وجود ایشان منظم. پاکبازان بساط مردی و صدرنشینان صفة دردمندی، بحرآشامان تشنه جگر، دست‌افشانان بی پا و سر، گمگشتگان جاده سلامت و منزویان کنج ملامت، زنده‌پیلان ژنده‌پوش و زنده‌دلان صاحب هوش، خرقره‌پوشان خانقاه قدس و باده‌نوشان بزمگاه انس، شاهان بی کلاه و امیران بی سپاه؛

ابن ابی جمهور الاحساوی در کتاب مجلی<sup>۵۳</sup> از حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند که فرمود «التَّصَوُّفُ أَرْبَعَةٌ أَحْرُفٌ ثَاءٌ وَ صَادٌ وَ وَاوٌ وَ فَاءٌ، الثَّاءُ تَرْكٌ وَ تَوْبَةٌ وَ تَقِيٌّ، وَ الصَّادُ صَبْرٌ وَ صِدْقٌ وَ صَفَاً وَ الْوَاوُ وَرَدٌ وَ وُدٌّ وَ وِفَاءٌ، الْفَاءُ فَرْدٌ وَ فَقْرٌ وَ فَنَاءٌ»<sup>۵۴</sup>

و بر اثر مساعی شورای عالی انقلاب فرهنگی کتب درسی ادبیات مشحون از مطالب تصوّف و عرفان شده<sup>۵۵</sup>. و به حمد الله برنامه‌های رسانه‌های گروهی نیز ناشر معارف اسلامی و عقاید صوفیه و درویشان حقّه است ولی گروهی آن را فرقه ضالّه نامیده‌اند. تهمت گمراهی زدن به این مسلمین و مؤمنین متعهد و متعهد و اهل طهارت دائم و صلوة پیوسته تهمت نابخشدنی است. استاد مطهری رضوان الله علیه در این مورد در صفحه ۱۸ کتاب تماشاگه راز چنین می‌گویند: «من حقیقتاً تعجب می‌کنم از یک عده به اصطلاح حافظ شناس! مثل اینکه دستگاهی و دستگائی هست که هر جور شده پاکانی چون حافظ و امثال حافظ را به یک شکلی مسخ کنند و از این راه به جای این که فکر مردم را بالا ببرند و تکانی بدهند برعکس سوی فساد و تباهی و انحراف سوق می‌دهند»<sup>۵۶</sup>. آیا این گونه تهمت زدن ضدّ اسلام و ولایت محسوب نمی‌شود؟ کسانی را که به ذکر دائم مشغول و در اسحار دیده‌گریان و دل بریان دارند و هر روز موظّفند حداقل حزبی از قرآن قرائت و دائم در طهارت و بر دیگر مستحبات مراقبت و از مکروهات دوری دارند، چگونه و با چه جرأتی می‌توان ضالّه نامید. اگر مخالفین نیز از درد خدا جوئی دو شب یا سه شب نخوانند و به درگاه خدا بنالند و از پهلوی به پهلوی برگردند و ناله سردهند و خدا را بخوانند خداوند متعال می‌فرماید وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا<sup>۵۷</sup>. و آداب آن در مقاله لقاء الله آیت‌الله خمینی و رساله لقاء الله علامه وحید میرزا جواد ملکی تبریزی<sup>۵۸</sup> و رساله سیر و سلوک سید مهدی بحر العلوم<sup>۵۹</sup> و آثار بزرگان عرفا و کتاب بحر المعارف عالم ربّانی مرحوم ملا عبدالصمد همدانی به نحو مشروح درج است. ولی اصل کلام همان است که علامه مطهری رضوان الله علیه گفتند. امیدواریم دستگاه و دستهای شیطانی کشف شود تا چهره تابناک و مقدّس اهل عرفان از هرگونه غباری که معاندین اسلام بر آن می‌ریزند پاک گردد. بهتر از همه و مفید تر از هر چیز مطالعه دقیق آثار آیت‌الله خمینی و مطابقت آن با آثار بزرگان این سلسله جلیله است. جائی که بیغمبر اکرم (ص) به جنین سقط شده از اّمّت خود در روز قیامت مباحث می‌فرماید، آیا سزاوار است که این گونه تهمت به پیروان مخلص آن حضرت و شیعیان خاص

قومی ملوک طبع که از روی سلطنت	گونی کز احترام سلاطین کشورند
شاهان دلق پوش که گاه حمایتی	زیر گلیمشان جم و خاقان و قیصرند
امروز از نعیم جهان چشم دوختند	فردا خود از کرشمه به فردوس ننگرند
منگر به چشم خوار در این پا برهنگان	نزد خرد عزیزتر از دیده سرنند
آدم بهشت را به دو گندم اگر فروخت	حقاً که این گروه به یک جو نمی‌خرند

<sup>۵۳</sup> و همچنین در غوالی اللّالی تألیف محمد بن علی بن ابراهیم بن ابی جمهور احساوی (از علمای بزرگ شیعه در قرن نهم هجری) جلد ۴، صفحه ۱۰۵ (ملاً محمد باقر مجلسی در فهرست بحار الانوار نسبت این کتاب را به ابی جمهور داده)، آمده است. در مجالس المؤمنین لحسا با لام و در رجال مامقانی حسا و لقب این ابی جمهور را الحساوی به فتح "حاء" در باب القاب ذکر کرده است. ولی همه اینها یکی است و اختلاف در تلفظ به واسطه لهجه‌ها است و احساء با "الف" در اول و همزه در آخر قسمتی است در ساحل خلیج فارس از جنوب کویت تا حدود قطر و عمان.

<sup>۵۴</sup> تصوّف چهار حرف ت و صاد و واو و ف است. ت ترک است و توبه و تقوا. صاد صبر است و صدق و صفا. واو ورد است و ودّ (دوستی) و وفا. و فا فرد است و فقرا و فنا.

<sup>۵۵</sup> کتاب تاریخ ادبیات سال دوم فرهنگ و ادب دبیرستانها تصوّف را به وجه مطلوبی شرح می‌دهد. نگاه کنید بالاخص به صفحات ۸۹-۸۸.

<sup>۵۶</sup> استاد مطهری در کتاب آشنایی با علوم اسلامی، جلد ۲، کلام- عرفان- حکمت علمی، صفحه ۹۳، می‌نویسند: «مسئله ضدیت عرفا با اسلام از طرف افرادی طرح شده که غرض خاص داشته‌اند یا با عرفان و یا اسلام» و نهایتاً در صفحه ۱۰۲ نتیجه‌گیری می‌نمایند: «همچنان که اشاره شد سخن در این نیست که عرفای مسلمین از این سرمایه‌ها چگونه استفاده کردند. سخن درباره اظهار نظرهای مغرضانه گروهی غربی و غرب زده هست که می‌خواهند اسلام را از نظر معنویت بی محتوا معرفی نمایند. سخن درباره سرمایه عظیمی در متن اسلام است که می‌توانسته الهام بخش خوبی در جهان اسلام باشد».

<sup>۵۷</sup> سوره عنکبوت، آیه آخر. و آنان که در راه ما مجاهده کنند حتماً و حتماً آنها را به سبیل خویش هدایت می‌کنیم.

<sup>۵۸</sup> رساله لقاء الله تألیف آقا میرزا جواد ملکی تبریزی به ضمیمه مقاله لقاء الله آیت‌الله خمینی، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی، ۱۳۷۲.

<sup>۵۹</sup> رساله فی السیر و السلوک، سید محمد مهدی طباطبائی بروجردی بحر العلوم، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۶.

خالص علی علیه السلام و آل اطهار او علیهم السلام زده شود. این همه که آیت الله خمینی در وحدت و اتحاد اسلام کوشیدند و تفرقه اندازان را منافق می‌دانند، این گونه تفرقه اندازی و تکه تکه کردن اسلام را چه می‌توان تعبیر کرد؟ و کسانی را که ایشان در آثار خود به آنها متوسل می‌شود و در روز حشر به شفاعت آنان امید فرج دارد، مورد اهانت قرار دادن آیا ضدیت با ولایت کلیه ائمه هدی و ولایت فقیه نیست؟

بزرگان اهل عرفان بالاخص این سلسله جلیله تبلیغی نداشته و ندارند و پی مرید هم نمی‌گردند بلکه دل شکسته و تن خسته می‌خواهند که پیدا نمی‌شود یا لااقل کمیاب است و کسی مرد این راه نیست. همان گونه که اشاره شد تبلیغ اینان به عمل و بندگی است زیرا اصول دین فقط منوط به بیداری جان است که آن را یقظه می‌نامند و تبلیغ احکام شریعت مقدس به عهده فقهای کرام و علمای اعلام است و علم عرفان آموختنی نیست.

علم عشق است این نه علم کسبی است      فیض حق است این نه درس رسمی است

امید است خوانندگان به دیده انصاف ملاحظه و از تندوی خامه درگذرند و تدارک مافوت نمایند. امید است همه حرمت وحدت کلمه و احترام قانون اساسی را که متخذ از قرآن است بر خود فرض بدانیم و عمل همه ما به قواعد و قوانین مقدس اسلام جاذب و جالب قلوب باشد که صدور اسلام و انقلاب اسلامی از این طریق میسر است و آن آرزو و آرمان دیرینه مسلمین است.



جمهوری اسلامی ایران

دادستانی انقلاب اسلامی مرکز

تاریخ ۵/۸/۶۰

شماره .....

بسم الله الرحمن الرحيم

بدینوسیله همه برادران سپاه پاسداران و قوای نظامی و امرایان و صاحبین ارتقا بنای  
 اعلام میگردد که جناب رئیس انجمن آئی اسلطانجین تا بنده گنابادی و فقه الهی است  
 و تمام متعلقان ایشان در سایه دولت علیه جمهوری اسلامی مدت اظلامها علی رؤس العالمین  
 تأمین و وصولی که هرگونه تعرض میباشد و حرام است بدون مجوز قضای کسی و سلب  
 آمان را فراهم آورد، شما عزیزان حکومت اسلامی که بجز راه دست توانای فعال  
 آبی بسید هم دست گرفتارید، و بسید که چهره نورانی روح العالمین صلی الله علیه و آله و سلم  
 افتخار شریفی موزنی فریاد و حق بیگانه را با حسن هدف در راه است  
 و بدیهی است که تعرض بدون مجوز قضای علای و بر حمت سرافرازین است

